

۳۹۱

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۸ تا ۲۴ آذرماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۵۷



انقلاب ملی

با قدرت مردم متحد





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۵۷ (۳۹۱)

جمعه ۱۸ تا ۲۴ آذرماه ۱۴۰۱

۹ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۲۲



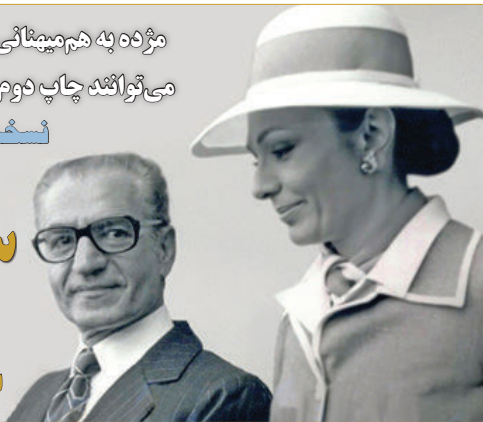
مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

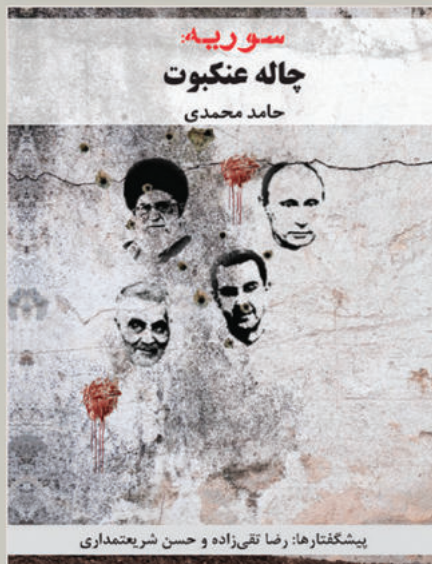
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکیوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

** فهرست مطالب **

۴ سر مقاله - جمهوری اسلامی فقط مشکل مردم ایران نیست! / الا هه بقرات

۴-۵ انقلاب ملی با قدرت مردم متحد... / روشنگر آستر کی

۶ کارزار «دو برای آزادی» با شعار «زن زندگی آزادی، مردمیمن آبادی» / ...

۶-۷ واکنش دولت فرانسه به احضار سفیر این کشور در ایران؛ / ...

۷ بیانیه دفتر شهبانو فرح پهلوی درباره گردهمایی در کاخ سنای فرانسه... / ...

۸ پیشنهاد آرزو مندانه به دولت بایدن برای معامله با جمهوری اسلامی... / ...

۹ از خانواده جانباختگان برای سکوت در برابر جنایت وثیقه می گیرند! / ...

۱۰ ۸۰ روز گذشت و «بساط اعتراضات» علیه جمهوری اسلامی جمع نشد! / ...

۱۱ نگاهی دوباره به انقلاب مشروطیت ایران (۳) / احمد احرار

۱۲-۱۳ معمایی به نام هویدا (۱۳) / عباس میلانی

۱۴ بازتاب بین المللی دزدیدن پیکر جانباختگان توسط جمهوری اسلامی... / ...

۱۴ اختصاصی؛ یک هواپیمای نظامی روس تجهیزات سرکوب در فرودگاه مهر آباد... / ...

۱۵ اعزام آخوندهای شبه نظامی «داوطلب» برای همکاری با بسیجی ها و سپاهی ها... / ...

۱۶-۱۷ شیوه جدید سرکوب دانشجویان؛ گروگانگیری مدرک تحصیلی و افزایش... / ...

۱۷ دانشجویان ایرانی و غیر ایرانی در ده ها دانشگاه جهان... / ...

۱۸ قاتلان مردم «کمیته حقیقت یاب» تشکیل دادند! / ...

۱۹ جناحین نظام به دنبال ترندهای تکراری برای پایان اعتراضات... / ...

۲۰-۲۲ اصل «مساعی لازم» و قصور عاملان جمهوری اسلامی در... / محمود مسائلی

۲۲ آیا جوبایدن به «گزینه نظامی» و آخرین راه علیه جمهوری اسلامی... / ...

۲۳ مراسم سوگواری جانباختگان آزادی ایران، کانون اعتراضات ضد حکومتی... / ...

۲۴ روزهای سخت تری برای خانواده های تنگدست و کم درآمد در پیش است... / ...

۲۵ تحریم جشنواره حکومتی «سینما حقیقت»... / ...

۲۶ جمهوری اسلامی در حال بررسی حجاب اجباری! / ...

۲۷ آیا جمهوری اسلامی توانایی نکشتن دو توله یوز پلنگ پیدا شده در منطقه... / ...

۲۸ به در خواست خانواده، پدر کیان پیر فلک به بیمارستانی در تهران انتقال یافت... / ...

۲۹ حکایت تباہکاری های جمهوری اسلامی؛ کمبود و قطع گاز صنایع... / ...

۳۰ دوشنبه ۱۴ آذرماه: اعتصابات گسترده در ده ها شهر ایران... / ...

۳۱ سه شنبه ۱۵ آذرماه: تداوم اعتصاب بازاریان، دانشگاه ها و صنایع... / ...

۳۲ چهارشنبه ۱۶ آذر؛ حکومت و رسانه هایش اعتصابات را انکار می کنند... / ...

۳۳ اعدام یک شهروند معترض ۲۳ ساله به اتهام «بستن خیابان» و «زخمی»... / ...

۳۴-۳۵ انکار و تناقض درباره «تعطیلی» گشت ارشاد همزمان با تداوم انقلاب ملی... / ...

۳۵ جمهوری اسلامی به دنبال ساکت کردن خبرنگاران و روزنامه نگاران ایرانی... / ...

۳۶-۳۷ ایران در حال انقلاب علیه جمهوری اسلامی... / ...

۳۷ اقدامات رذیلانه و تباه یک حکومت ورشکسته و مستأصل؛ پخش اعتراف اجباری... / ...

۳۸ چگونه می شود از خودکشی نوجوانان آسیب دیده در دوران... / نغمه برزگر

۳۹ مردم هم کل و هم رأس نظام را نشانه گرفته اند... / ...

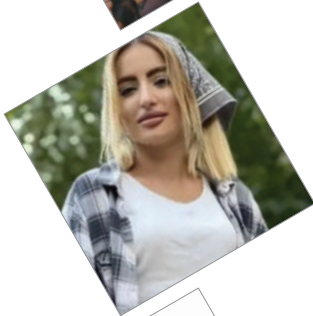
۴۰-۴۱ صدور حکم اعدام و «حبس های طویل المدت» برای شهروندان بازداشت شده... / ...

۴۱ رستم قاسمی مُرد یا حذف شد؟! کاربران: اهمیتی ندارد! / ...

۴۲ پشت جلد - عکس هفته / زنان ایران قهرمانان سال مجله «تایم» / دسامبر ۲۰۲۲

بازنشر

بازنشر



انقلاب ملی با قدرت مردم متحد

فقط مشکل مردم ایران نیست!

جامعه بشری همواره در تلاطم بوده و دوره‌های صلح و جنگ را به تناوب تکرار کرده. ایران خود از این دوره‌ها کم نداشته است. با اینهمه انتظار می‌رفت و می‌رود که با رشد آزادی در جوامع که ناشی از خرد مدرن و دستاوردهای تکنولوژیک و همچنین حقوقی است که در خدمت صلح و آرامش و امنیت شهروندان به کار گرفته می‌شود، دوره‌های صلح و امنیت نیز طولانی‌تر شود.

البته چنین شده اما عمدتاً در غرب و همچنین کشورهایی



تظاهرات ایرانیان در پشتیبانی از انقلاب ملی ایران / تولوز / فرانسه / ۳ دسامبر ۱۴۰۱

در آسیای جنوب شرقی که به برکت رشد اقتصادی توانسته‌اند با دموکراسی یا بدون دموکراسی، صلح و امنیت را درون مرزهای خود حفظ کنند. در خاورمیانه و برخی کشورهای آفریقایی اما چنین نیست! این دو و همچنین برخی کشورهای آمریکای لاتین با همکاری «ضدامپریالیستی» دولت‌های چپ‌گرای آنها، به کنام و مأمین اسلامگرایی جنگ‌افروز و تروریست تبدیل شده‌اند. بیهوده نیست که مقامات جمهوری اسلامی به دنبال «سوراخ موش» در ونزوئلا هستند!

اسلامگرایی یک غده سرطانی مغزی و بیش از صد ساله است که از میانه قرن بیستم و همزمان با گسترش رسانه‌های همگانی و راه‌های ارتباطی بین جوامع که قادر به تأثیرگذاری بر همدیگر هستند، در مقابله با جهان مدرن و آزادی در پیکر جوامع مسلمان‌نشین فعال شده ولی به آنها محدود مانده و متاستاز آن به صورت تروریسم و ناامنی به جوامع باز و کشورهای آزاد نیز رسیده است.

کانون عفونت و مرکز تکثیر و بازتولید بنیادگرایی اسلامی با فرقه‌های مختلف که گاه متفاوت به نظر می‌رسند اما همگی هدف مقابله با آزادی و به انقیاد درآوردن جوامع را دنبال می‌کنند، در جمهوری اسلامی قرار دارد و از آن تغذیه می‌شود چرا که بیش از چهار دهه قدرت دولتی و منابع عظیم یک کشور استراتژیک را در دست داشته تا همه چیز را در خدمت بقا و گسترش اسلامگرایی به کار بگیرد. طبیعی است توان جوامع باز و دولت‌های غربی در محافظت از خود در برابر هجوم اسلامگرایی به مراتب بیشتر از مردمانی است که زیر سلطه‌ی آن، از جمله در ایران، بسر می‌برند و همواره قلع و قمع شده‌اند. چنانکه پس از ۱۱ سپتامبر، هم آمریکا نتوانست آن را در مرزهای خود مهار کند و هم کشورهای اروپایی! ایران و خاورمیانه اما همچنان در آتش اسلامگرایی و حکومت‌های فرقه‌ای می‌سوزند. با اینهمه اگرچه رشد این سرطان بدخیم فعلاً در غرب مهار شده، اما جمهوری اسلامی فقط مشکل مردم ایران که سال‌هاست فریاد می‌زنند آن را نمی‌خواهند، نیست! تا این غده‌ی سرطانی در محلی که در آن رشد یافته از بین نرود، همواره احتمال و امکان گسترش آن به همه جهان وجود دارد! از همین رو، مبارزه مردم ایران را می‌بایست از این زاویه دید که آنها برای دست یافتن به آزادی و صلح و امنیت در یکی از مناطق بحرانی تلاش می‌کنند که می‌تواند دوران صلح و آرامش طولانی‌تری برای کل جهان به ارمغان بیاورد.



● **انقلاب ملی ایران با همان اهدافی پیش می‌رود که شاهزاده رضا پهلوی بارها تکرار و تأکید کرده: حفظ تمامیت ارضی کشور، جدایی دین از حکومت، اجرای اعلامیه حقوق بشر و ملحق‌تاش و یک نظام دموکراتیک که نوع آن با رأی مردم تعیین خواهد شد.**

صدها ویدیوی منتشر شده گواه بر اعتصاب گسترده بازار در این سه روز است بطوری که از آن به عنوان بزرگترین اعتصاب بازار در تاریخچه جمهوری اسلامی تا کنون نام برده می‌شود.

حمایت گسترده بازاریان در ده‌ها شهر از فراخوان ملی اعتراضات و اعتصابات سه روزه در حالی بود که پیشتر نهادهای امنیتی به همراه اداره امکان که ناظر بر فعالیت بازاریان است، تهدیدهای گسترده‌ای را علیه بازاریان سازمان داده بودند. پلمب مغازه، لغو جواز کسب، تشکیل پرونده امنیتی-قضایی و بازداشت از جمله تهدیدهایی هستند که از سوی ماشین سرکوب جمهوری اسلامی علیه بازاریان به کار گرفته شد.

همبستگی ایرانیان در هر نقطه کشور و جهان

خیزش ملی تا کنون در کنار پیام روشن «نخواستن جمهوری اسلامی و مبارزه با آن»، تیلور همبستگی و پیوستگی مردم بوده است. این پیوستگی و همبستگی سبب شد شهرها و روستاها از مرکز تا گوشه و کنار ایران به این خیزش پیوندند. مردم بدون اینکه توسط یک رهبری واحد یا بطور عمودی و هرمی هدایت شوند، در مسیری متحد پیش رفته‌اند. این خیزش عمومی و سرتاسری باعث شد که نیروی «مردم متحد» در برابر جمهوری اسلامی بیش از پیش به نمایش گذاشته شود. نیرویی که خواهان برافتادن این نظام است. هرچند پیشینه‌ی ظهور این نیرو به اعتراضات سال‌های ۹۶ و ۹۸ باز می‌گردد اما این نیرو در خیزش اخیر بیش از پیش سراسری و گسترده شد و با مقاومت چند ماهه و تأکید بر براندازی نشان داده است که قصد سکوت و خاموشی و از میدان به در رفتن ندارد. از سوی دیگر، این نیرو هویت ملی خود را با شعارها و اقدامات ابتکاری نشان داده و مرزبندی آشکار و

انقلاب ملی در ایران در دوازدهمین هفته خود قرار دارد و پایداری مردم به زودی وارد چهارمین ماه می‌شود. خیزش اخیر که با وجود انواع سرکوب سه ماه دوام آورده، با قتل حکومتی مهسا امینی ۲۲ ساله توسط مأموران گشت ارشاد از ۲۶ شهریورماه پس از خاکسپاری وی در آرامستان سقز آغاز شد و به سرعت درون خود به بازتولید و تکامل خویش پرداخت و برای براندازی جمهوری اسلامی پیش می‌رود.

آمارها نشان می‌دهد مردم در بیش از ۱۶۰ شهر ایران تجمع و تظاهرات برگزار کرده و ۱۴۳ دانشگاه در سراسر کشور شاهد تحصن، تجمع و اعتراضات گسترده دانشجویان بوده است. مردم همچنین طی فراخوان‌های ملی دو دوره اعتراضات و اعتصابات سه روزه موفق را برگزار کردند. نخستین دور به مناسبت سالگرد جانباختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸، در روزهای ۲۴ تا ۲۶ آبان امسال برگزار شد و دومین دور در هفته‌ای که گذشت از روز ۱۴ تا ۱۶ آذرماه برگزار گشت.

در دور نخست اعتراضات و اعتصابات سه روزه، تجمعات خیابانی و دانشگاهی محور تحرکات جامعه قرار گرفت و بازاریان نیز در ده‌ها شهر ایران اعتصاب کردند. در دور دوم که طی روزهای گذشته برگزار شد اما مردم با هوشیاری تغییر تاکتیک دادند و اعتصابات بازار در مرکز توجه قرار گرفت. مغازه‌داران در دست‌کم ۵۰ شهر به اعتصابات سراسری پیوستند و همزمان کارگران در چند کارخانه بزرگ اعتصاب کردند. مأموران حکومتی که خود را برای سرکوب خیابانی معتزضان آماده کرده بودند، با اعتصاب بازار غافلگیر شدند. از یکسو مقامات و رسانه‌های حکومتی به انکار اعتصابات پرداختند و از سوی دیگر مأموران را به سراغ مردم فرستادند تا با فشار و تهدید و علامت‌گذاری مغازه‌هایشان را باز کنند!

مردم ایران را به گروه‌ها و احزاب قومگرا و تجزیه طلب پیوند بزند. گذشته از اظهارات صریح و میهن‌دوستانه‌ی خانواده‌ی مهسا امینی در همان روزهای نخست، آگاهی و همستگی مردم تا کنون سناریوهای نظام و صادراتی‌های آن و همچنین افراد و جریاناتی را که قصد داشتند اعتراضات سراسری ایرانیان را به خدمت اهداف گروهی و حزبی خود بگیرند نقش بر آب کرده است؛ تلاش نه برای به پیروزی رساندن انقلاب ملی ایران و تأمین حاکمیت ملی بجای حکومت مذهبی و فرقه‌ای، بلکه با هدف حفظ «جمهوری» بدون پسوند «اسلامی» و ماندن در مسیر انقلاب تباه ۵۷ با شعارهای نمایشی «ائتلاف» بین افراد و گروه‌های متناقض و «رهبرسازی» از میان افراد کج و معوج نیز از این جمله‌اند.

به بیان دیگر، هر اندازه مردم پیش رفته و با وجود سرکوب‌ها، در براندازی جمهوری اسلامی همبسته‌تر و قوی‌تر و راسخ‌تر شده‌اند، به همان اندازه سناریوهای نظام و افراد و گروه‌های دچار توهم «خودبرتری» و «خود محق پنداری» به حاشیه رانده شده‌اند. در حال حاضر، جمهوری اسلامی که هم مشروعیت و هم ترفندهایی مانند «اصلاح» و «تحول» و «عدالت» را

هفته‌ای که گذشت از اجرای سریع این احکام خبر داد. در همین ارتباط، صبح پنجشنبه ۱۷ آذرماه، حکم اعدام محسن شکاری جوان ۲۳ ساله به اتهام «مسدود کردن خیابان ستارخان» و «زخمی کردن یک بسیجی» اجرا شد. جمهوری اسلامی در حالی محسن شکاری را با دار به قتل رسانده که بسیجی سرکوبگر فقط ۱۳ بخیه خورده و حتی بستری هم نشده بود. سازمان‌های حقوق بشری نسبت به اعدام گسترده معترضان بازداشت‌شده توسط جمهوری اسلامی با هدف سرکوب اعتراضات مردم هشدار می‌دهند. سرکوب‌های سازمانیافته حکومتی اما به دستگیری و صدور حکم اعدام محدود نمی‌شود. کشتار و بازداشت و شکنجه کودکان زیر ۱۸ سال، ربودن و خاکسپاری مخفیانه پیکر جانباختگان، اخراج افرادی که در اعتراضات حضور داشته و شناسایی شده‌اند با فشار به کارفرما، احضار و تهدید تلفنی شهروندان اعم از بازاریان و فعالان صنفی تا دانشجویان و فعالان سیاسی و مدنی، تعلیق از تحصیل و ممنوعیت ورود دانشجویان به دانشگاه، تهدید دانش‌آموزان توسط کادر مدیریت برخی مدارس، پلمب محل کار، اذیت و آزار خانواده بازداشت‌شدگان و جانباختگان و آزار روانی و قضایی خانواده‌هایی که

پیکرانه هم با نظام جمهوری اسلامی و هم با جریانات فرقه‌ای داشته و اجازه نداده این خیزش با مناسبات ایلی و قومی و مذهبی پراکنده شده و به مسیرهای غیرملی هدایت شود. از جمله وقتی در استان کردستان سرکوب حکومتی شدت پیدا می‌کند، شهروندان در تبریز شعار می‌دهند «آذربایجان بیدار است، پناه کردستان است» و شهروندان در تهران می‌گویند «کردستان کردستان چشم و چراغ ایران» و وقتی در زاهدان مردم معترض به گلوله بسته می‌شوند، مردم در سراسر ایران می‌گویند «از تهران تا زاهدان جانم فدای ایران!»

این مردم در خیابان‌های ایران هستند که ماهیت خیزش خود را به عنوان یک انقلاب ملی حفظ کرده و ادامه می‌دهند. این انقلاب ملی همانطور که شعارهای خود را سر می‌دهد در خارج و داخل مخالفان پرچم شیروخورشید را که نمادی برای تأکید بر هویت این انقلاب است، ناکام گذاشته و توانسته آن را به عنوان پرچم ملی و تاریخی ایران به صحنه برگرداند.

نقش‌آفرینی جامعه ایرانیان مهاجر در سه ماه گذشته نیز در خدمت همین ویژگی‌های انقلاب ملی ایران بوده است. ایرانیان خارج کشور در کشورهای مختلف با برگزاری صدها تجمع و راهپیمایی در شهرهای کوچک و بزرگ جهان، همراهی و همصدایی خود را با ایرانیان درون کشور نشان داده و در برافراشتن پرچم شیروخورشید به عنوان یکی از نمادهای وحدت ملی علیه جمهوری اسلامی نقش مهمی بر عهده گرفته‌اند. این نقش اما ابعاد دیگری هم دارد: منزوی کردن لایبگرا و مدافعان پیدا و پنهان جمهوری اسلامی در محافل خارجی، ارتباط با قانونگذاران و دولت‌ها در کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت از مردم درون کشور و انزوای بیشتر جمهوری اسلامی از دیگر اقدامات مهم ایرانیان خارج کشور در سه ماه گذشته است.

به بیان دیگر، مردم ایران در داخل و خارج نشان داده‌اند که در مسیر انقلاب برای آزادی، فارغ از تبار، زبان، دین و مذهب، طبقه درآمدی و تحصیلی، یا شهر و روستای محل سکونت، همبسته ایستاده‌اند تا حکومتی را براندازند که چهار دهه همه ایرانیان را از حقوق طبیعی و شهروندی محروم و میان ملت ایران خط‌کشی کرده و با آپارتاید فراگیر و جداسازی‌های مختلف، ایران را به مسیر فلاکت و ویرانی هدایت کرده است.

در شکست جمهوری اسلامی از مردم متحد تردیدی نیست!

در آنسوی معادله انقلاب اما جمهوری اسلامی از یکسو با سرکوب گسترده و از سوی دیگر با سناریوهای آبرویافته تلاش کرده مردم را به خانه‌ها براند اما تا کنون با قدرت مردم متحد ناکام مانده است.

آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد که تا کنون بیش از ۱۸ هزار و ۲۰۰ معترض در شهرهای مختلف بازداشت شده‌اند که حدود ۶۰۰ دانشجوی در میان آنها وجود دارد. در فایل درزیافته‌ی بولتن محرمانه خبرگزاری فارس اما حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شمار بازداشت‌شدگان را حدود ۳۰ هزار نفر عنوان کرده است!

از میان این تعداد بیش از ۲۶ نفر تا کنون با اتهام واهی «محاربه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند که دست «قاضی» و حاکم شرع را برای صدور حکم «اعدام» علیه این شهروندان باز خواهد گذاشت. دست‌کم برای ۱۰ نفر تا کنون حکم اعدام صادر شده و رئیس قوه قضاییه در



از دست داده، در صحنه جهانی نیز به شدت تحت فشار قرار دارد، فقط می‌تواند به سرکوب اتکاء کند! اما این ابزار نه تنها مردم را دلسرد نکرده بلکه هزینه را برای جمهوری اسلامی هم امروز و هم فردا که مقاماتش به محاکمه کشیده می‌شوند به شدت افزایش خواهد داد.

این حکومت شکاف عمیق میان خود و ملت را که طی چهار دهه شکل گرفته، با خون پر کرده و بر آن تکیه زده است! در مقابل، مردم یکبار دیگر از دی ۹۶ به بعد ثابت کردند که خیزش انقلابی ۱۴۰۱ نیز با همان اهدافی پیش می‌رود که شاهزاده رضا پهلوی بارها تکرار و تأکید کرده: حفظ تمامیت ارضی کشور، جدایی دین از حکومت، اجرای اعلامیه حقوق بشر و ملحقاتش و یک نظام دموکراتیک که نوع آن با رأی مردم تعیین خواهد شد. روشنگر آسترکی

عزیزان‌شان توسط حکومت کشته شده‌اند و قطع اینترنت و خطوط تلفن نمونه‌های دیگری از سرکوب هستند.

در این میان، یکی از نبرنگ‌های اتاق فکر امنیتی نظام برای منحرف کردن یا از بین بردن انگیزه شهروندان معترض، انحراف این خیزش ملی از مسیر اصلی و دامن زدن به ترفند همیشگی جداسازی از جمله جنسیتی بود! در ابتدا تلاش شد انقلاب مردم ایران صرفاً «انقلاب زنانه» و فقط علیه «حجاب اجباری» معرفی شود اما مردم با هوشیاری به شعار مهم «زن زندگی آزادی» که به سرعت جهانی شد، بخش دوم «مرد میهن آبادی» را افزودند تا نشان دهند انقلاب آنها مختص بخشی از جامعه و فقط برای حقوق زنان نیست بلکه پای «میهن» و «آبادی» در کنار «آزادی» برای زن و مرد در میان است! همزمان ترفند دیگر جمهوری اسلامی این بود که انقلاب

واکنش دولت فرانسه به احضار سفیر این کشور در ایران؛ تدابیر امنیتی سفارت فرانسه در تهران بیشتر شده است



سفارت فرانسه در تهران

● برخی منابع می‌گویند نگرانی اساسی دیپلمات‌ها و کارکنان سفارتخانه‌های اروپایی این است که نیروهای امنیتی و حفاظتی که جمهوری اسلامی اطراف اماکن دیپلماتیک مستقر کرده خود فرمانبر همان شبکه نظامی-امنیتی هستند که از سرکوب تا خرابکاری و ترور و آدم‌ربایی را سازماندهی و اجرا می‌کنند.

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید در هفته‌های اخیر به دلیل افزایش تهدید علیه کارکنان سفارت فرانسه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی این سفارتخانه در تهران بسیار محدود شده است.

● به علت افزایش حمایت فرانسوی‌ها از خیزش انقلابی در ایران و حضور شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی در مجلس سنای فرانسه به عنوان مهمان در کنفرانسی با موضوع «زن، زندگی، آزادی! ایران، شورش یا انقلاب؟» نیکلا ژسکه سفیر فرانسه در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شده است.

گزارش‌های رسیده از تهران حاکیست تعداد نیروهای امنیتی حوالی سفارت فرانسه در تهران خیابان «نوفل لوشاتو» نسبت به دو سه هفته قبل افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. مسئله‌ای که احتمالاً به مواضع دولت فرانسه علیه جمهوری اسلامی مربوط می‌شود.

کارزار «دو برای آزادی» با شعار «زن زندگی آزادی»، مرد میهن آبادی» در برلین



شماری از حاضرین تصاویر و بنهایی از محمدرضا شاه فقید و شاهزاده رضا پهلوی در دست داشتند

سیاسی و توقف دادگاه‌های نمایی و اعتراف‌گیری‌های اجباری شدند.

در توئیتر شهروندان ایرانی از نقاط مختلف دنیا با هشتگ «#دو_برای_آزادی» از این کارزار که همزمان با روز تولد توماج صالحی بود حمایت کردند.

توماج صالحی هنرمند و خواننده رپ معترض ۸ آبان امسال در جریان خیزش انقلابی مردم ایران دستگیر شد و دادستانی علیه وی اتهامات واهی مانند «افساد فی‌الارض»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «تشکیل و اداره دستجات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور»، «همکاری با



کارزار نمادین دو در برلین

دولت متخاصم» و «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از طریق فضای مجازی و تحریک و ترغیب افراد به اعمال خشونت‌آمیز» مطرح کرده است که دست قاضی یا همان حاکم شرع را برای احکام سنگین و ضدانسانی باز می‌گذارد. توماج صالحی که همواره از حقوق مردم دفاع کرده است در اواسط اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز به یاد جانباختگان «آبان ۹۸» و هوایمی اوکراینی در مسابقات دو شیراز دست به اعتراض زده بود.

● گروهی از ایرانیان به صورت نمادین از میدان «پیروزی» تا دروازه «براندنبرگ» برلین دویدند.

● در این برنامه که یکی از اهداف آن پشتیبانی از ورزشکاران مردمی داخل کشور اعلام شد و «انجمن ورزشکاران آزادیخواه ایران» از آنها حمایت می‌کند، شهریار شمالی‌زاده از رزمی‌کاران ایران به نمایندگانی از جامعه ورزشکاران حضور داشت.

● در توئیتر شهروندان ایرانی از نقاط مختلف دنیا با هشتگ «#دو_برای_آزادی» از این کارزار که همزمان با روز تولد توماج صالحی بود حمایت کردند. این هنرمند و خواننده رپ به جرم دفاع از حقوق مردم و خیزش انقلابی ایرانیان در هشتم آبان دستگیر شد و همچنان از وضعیت وی اطلاع دقیقی در دست نیست.

با فراخوان «انجمن ورزشکاران آزادیخواه ایران» گروهی از ایرانیان در برلین روز شنبه سوم دسامبر (۱۲ آذر) در حمایت از خیزش سراسری در ایران به صورت نمادین از میدان «پیروزی» تا دروازه «براندنبرگ» دویدند.

در ابتدای این مراسم که با سرود «ای ایران» آغاز شد درباره آخرین وضعیت خیزش سراسری در ایران و تداوم اعتراضات و اعتصابات علی‌رغم سرکوب‌ها از سوی برگزارکنندگان سخنانی ایراد و جمعیت یاد جانباختگان را گرامی داشتند. با وجود سرمای هوا در برلین و بارش برف استقبال خوبی از این فراخوان شد و ایران‌دوستان با پرچم‌های «شیرخورشید» در مراسم حضور یافته و پرچم ملی کشور را به اهتزاز درآوردند.

در این برنامه که یکی از اهداف آن پشتیبانی از ورزشکاران مردمی داخل کشور اعلام شد و «انجمن ورزشکاران آزادیخواه ایران» از آنها حمایت می‌کند، شهریار شمالی‌زاده از رزمی‌کاران ایران به نمایندگانی از جامعه ورزشکاران حضور داشت.

در این کارزار که همزمان در ده‌ها شهر دیگر در کشورهای مختلف برگزار شد شرکت‌کنندگان خواستار آزادی زندانیان

بیانیه دفتر شهبانو فرح پهلوی درباره گردهمایی در کاخ سنای فرانسه؛ «زن زندگی آزادی، شورش یا انقلاب»



عکس یادگاری شهبانو فرح و شاهدخت نور با دانش‌آموزان مدرسه شالون سارسون / ۸ آذر ۱۴۰۱

ایرانی دیدگاه‌های خود را برای عموم بیان داشتند. آقای روتایو در سخنرانی خود خطاب به شهبانو و شاهدخت نور درباره زن، زندگی، آزادی و حقوق بشر صحبت کردند. ایرانیانی که در زندان جمهوری اسلامی بودند، هر یک گوشه‌ای از خاطراتشان را بیان داشتند. در این مراسم به ترتیب امانوئل رضوی روزنامه‌نگار، آزاده کیان استاد دانشگاه، آقای ریشار سدیو وکیل حقوق بشر، آقای هیرید دهقان آذر (وکیل ناظر بر پرونده خانم نسرین ستوده) و همچنین خانم شیرین عبادی از طریق ویدئو کنفرانس مطالبی را مطرح کردند و خانم انیک بی‌یون از کمیته برابری زن و مرد ضمن سخنرانی

● در این مراسم ضمن دعوت از شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی برای حضور، شخصیت‌های فرانسوی و ایرانی دیدگاه‌های خود را برای عموم بیان داشتند. آقای روتایو در سخنرانی خود خطاب به شهبانو و شاهدخت نور درباره زن، زندگی، آزادی و حقوق بشر صحبت کردند. ● دانش‌آموزان شهر شالون سورسون به همراه شهردار این شهر آقای ژیل پلاتره ترانه «برای» را به فارسی اجرا کردند. این دانش‌آموزان تماماً فرانسوی و با زبان فارسی هیچگونه آشنایی نداشتند.

روز ۸ آذر ۱۴۰۱ برابر با ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲ به دعوت آقای



سناتور برونو روتایو، شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور

و تشریح شرایط در ایران از حاضرین و سخنرانان تشکر کرد. در پایان مراسم، در سالی دیگر ضمن پذیرایی از مدعوین، دانش‌آموزان شهر شالون سورسون به همراه شهردار این شهر آقای ژیل پلاتره ترانه «برای» را به فارسی اجرا کردند. این دانش‌آموزان تماماً فرانسوی و با زبان فارسی هیچگونه آشنایی نداشتند.

شهبانو به همراه شاهدخت نور به بچه‌ها تریک گفتند و تشکر کردند و گفتند امیدوارند که در ایرانی آزاد بتوانند سفر کنند.



سناتور برونو روتایو و شهبانو فرح پهلوی / ۸ آذر ۱۴۰۱

سناتور برونو روتایو و خانم سناتور انیک بی‌یون نشستی در سالن مدیسیس کاخ سنا با حضور شماری از شخصیت‌های فرانسوی و ایرانی برگزار شد. دقایقی قبل از آغاز مراسم آقای روتایو شهبانو و شاهدخت نور را در اتاق خصوصی پذیرفتند و راجع به مسائل ایران صحبت کردند. در آخر آقای سناتور روتایو گفتند شما فقط لقب ملکه ندارید شما ملکه قلب‌ها هستید. در این مراسم ضمن دعوت از شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی برای حضور، شخصیت‌های فرانسوی و

این وضعیت نشان می‌دهد با افزایش تنش‌ها میان جمهوری اسلامی و دولت‌های اروپایی احتمال اقدامات پیش‌بینی نشده علیه سفارتخانه‌های غربی و کارکنان آن از سوی حکومت اسلامی در ایران و عوامل آن تشدید شده و این سفارتخانه‌ها برای افزایش ضریب امنیتی خود تقاضای نظارت و اقدامات کنترلی بیشتر کرده‌اند.

برخی منابع می‌گویند نگرانی اساسی دیپلمات‌ها و کارکنان سفارتخانه‌های اروپایی این است که نیروهای امنیتی و حفاظتی که جمهوری اسلامی اطراف اماکن دیپلماتیک مستقر کرده خود فرمانبر همان شبکه نظامی-امنیتی هستند که از سرکوب تا خرابکاری و ترور و آدم‌ربایی را سازماندهی و اجرا می‌کنند.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید در هفته‌های اخیر به علت افزایش تهدید علیه کارکنان سفارت فرانسه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی این سفارتخانه در تهران بسیار محدود شده است.

کیهان لندن مطلع شده شماری از مراجعه‌کنندگان به سفارت فرانسه که برای امور مربوط به تقاضای ویزای توریستی، دانشجویی و نمایشگاه به سفارت مراجعه کرده‌اند بعد از خروج در همان خیابان توسط لباس شخصی‌ها بازخواست شدند.

در این میان، به علت افزایش حمایت فرانسوی‌ها از خیزش انقلابی در ایران و همچنین حضور شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی در مجلس سنای فرانسه به عنوان مهمان در کنفرانسی با موضوع «زن، زندگی، آزادی! ایران، شورش یا انقلاب؟» نیکلا ژشه سفیر فرانسه در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شده است.

وبسایت وزارت خارجه جمهوری اسلامی در گزارشی که نهم آذرماه منتشر شد اعلام کرد احضار سفیر فرانسه به خاطر «اظهارات غیر قابل قبول وزیر خارجه فرانسه در مجلس ملی این کشور»، «تصویب قطعنامه مداخله‌جویانه علیه جمهوری اسلامی ایران»، «اتهامات بی‌پایه و اساس مقامات فرانسوی علیه جمهوری اسلامی»، «مداخلات غیرقابل قبول» و «ادعاهای غیرقابل قبول حقوق بشری» بوده است.

در واکنش به احضار نیکلا ژشه، وزارت خارجه فرانسه بار دیگر ادامه سرکوب معترضان در ایران و حملات شدید رژیم جمهوری اسلامی به آزادی‌های اساسی مردم در ایران را به شدت محکوم کرد.

سخنگوی وزارت خارجه فرانسه تأکید کرد که خواست‌های تظاهرکنندگان ایرانی برای آزادی بیشتر و احترام به حقوق آنها مشروع است و باید شنیده شود.

از سوی دیگر فشارهای پاریس برای آزادی فوری اتباع فرانسوی بازداشتی و به گروگان گرفته شده توسط رژیم ایران زیاد شده است. بر این موضوع در مصوبه اخیر مجلس ملی فرانسه علیه جمهوری اسلامی نیز تأکید شده است. در این مصوبه سرکوب خشن و گسترده تظاهرکنندگان بی‌دفاع در ایران و به کار گرفتن شکنجه علیه آنان محکوم شده و مقامات فرانسوی بار دیگر حمایت خود را از خواست‌های مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی و حقوق و آزادی‌های اساسی خویش اعلام کردند.

پیش از این امانوئل ماکرون و جو بایدن رؤسای جمهوری فرانسه و آمریکا نیز در بیانیه‌ای مشترک سرکوب اعتراضات در ایران را محکوم کردند. در این بیانیه تأکید شد از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی جلوگیری می‌شود. همچنین بار دیگر به جمهوری اسلامی در مورد ارسال تجهیزات جنگی به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین هشدار داده شد.

آمریکایی‌ها کار را به یکباره متوقف کردند. تازه این سخنان پیش از آغاز خیزش انقلابی در ایران بود که سومین ماه خود را پشت سر می‌گذارد و حمایت‌های بی‌سابقه‌ی جهانی از آن ادامه دارد. معلوم نیست با اینهمه شواهد و اظهارات از سوی هم جمهوری اسلامی و هم کشورهای غربی، مقاماتی مانند ابوالفضل عمویی بر اساس کدام تصورات درباره رد و بدل پیام‌های اتمی و توافق ادعاهایی را مطرح می‌کنند که دروغ بودن آنها به آسانی آشکار می‌شود.

البته بازوهای جمهوری اسلامی و دلال‌های سیاسی، لابیگران و صادراتی‌های حکومت در خارج کشور همچنان برای زنده کردن برجام تلاش می‌کنند. اما واقعیات مسیر دیگری را خلاف تداوم مباحثات با جمهوری اسلامی نشان می‌دهد. با اینهمه الی گراهامه از اندیشکده «شورای روابط خارجی اروپا» در گزارشی که روزنامه «واشنگتن پست» منتشر کرده به دولت بایدن توصیه می‌کند اعتراضات در ایران نمی‌بایست تغییری در توافق اتمی بدهد و باید برای مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به بمب اتم با ملاها معامله کند!

مخالفان جمهوری اسلامی و آزادخواهان اما مدت‌هاست می‌گویند بازگشت آمریکا به برجام بخشیدن حیات دوباره به رژیم ایران و یک اشتباه بزرگ است که بهایش رارمدم می‌پردازند. ابعاد سیاسی و پنهان پیشنهاداتی مشابه آنچه در واشنگتن پست منتشر شده زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به رویدادهای اعتراضی و انقلابی مردم ایران توجه داشت که روزانه صدها تن در شهرهای مختلف کشور کشته و زخمی و برده و ناپدید و بازداشت می‌شوند! پیشنهاد مباحثات و معامله با چنین رژیم و بیان اینکه نمی‌بایست «اعتراضات تغییری در معامله بدهد»، موضوعی است که حتی از سوی مقامات جمهوری اسلامی نیز با این صراحت بیان نشده است! در دیدگاهی که «واشنگتن پست» منتشر کرده، با تأکید بر خطرناک بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و اهمیت تلاش برای جلوگیری از هسته‌ای شدن «ایران» آمده است: «حتی اگر برخی دولت‌های غربی این تصور را داشته باشند که رهبری سیاسی ایران وارد روزهای پایانی خود می‌شود، باز هم به یک استراتژی مناسب برای مقابله با مشکل هسته‌ای نیاز است.» نویسنده سپس با ابراز ناامیدی از تغییرات سیاسی در ایران ادامه می‌دهد: «به خطر انداختن همه چیز به این امید که یک انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، برنامه هسته‌ای ایران را به زودی تحت کنترل دموکراتیک و ایمن قرار دهد، غیرمسئولانه است. این بدان معناست که اروپایی‌ها و دولت بایدن باید راهی دیپلماتیک برای خروج از بحران هسته‌ای پیدا کنند. آنها باید نسبت به برداشتن هر اقدامی که دست آنها را ببندد و احتمال یک معامله سیاسی را از بین برد، محتاط باشند.»

این در واقع همان توصیه و تبلیغی است که برخی مقامات جمهوری اسلامی از جمله ابوالفضل عمویی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی مطرح می‌کنند.

با وجود این توصیه‌های «دلسوزانه» اما رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا که یکی از طرفداران سرسخت و پیگیر معامله اتمی بوده، به تازگی در مصاحبه با «فارین پالیسی» در پاسخ به این پرسش که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تا چه اندازه با تولید یک سلاح اتمی فاصله دارد گفت، «جواب دادن به این پرسش سخت است چون این یعنی چقدر به مواد شکاف‌پذیر غنی‌شده در سطح تسلیحاتی نزدیک هستند... همانطور که قبلاً گفته‌ایم، فقط چند هفته است!» وی تأکید کرد، «جو بایدن گفته در صورت شکست دیپلماسی و فشار و تحریم‌ها، آماده است با استفاده از گزینه نظامی [علیه جمهوری اسلامی ایران] به عنوان آخرین راه موافقت کند.»



نمایش نمایندگان مجلس شورای اسلامی فردای بعد از باخت تیم فوتبال جمهوری اسلامی به آمریکا

بود. اما مقامات جمهوری اسلامی با اصراری عجیب چنین واژه‌ها می‌کنند که گویا همه چیز مانند گذشته جریان دارد و همچنان کانال‌های آنها نیز برای مذاکره با غرب و آمریکا باز است و ابزار دیپلماتیک برای پیشبرد سیاست‌های نظام را در اختیار دارند.

در همین ارتباط آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا ۳۰ نوامبر (۹ آذر) در حاشیه نشست «ناتو» در رومانی به خبرگزاری «ان‌بی‌سی نیوز» تأکید کرد «آمریکا باید با صراحت از معترضان ایرانی حمایت کند.» وی توضیح داد «اینکه رژیم ایران مدام خواست و اعتراضات مردم را به دیگران فرافکنی می‌کند، مشکلی است که در کانون رویکرد رژیم وجود دارد.»

بلینکن در این مصاحبه همچنین گفت، «ایالات متحده افرادی را که مسئول سرکوب مردم معترض در ایران هستند مجازات می‌کند و گام‌هایی برای اطمینان از اینکه معترضان در ایران به فناوری لازم برای ارتباط با یکدیگر داشته باشند برداشته شده است.»

وی افزود: «در بیشتر موارد سعی می‌شود آنچه را می‌توانیم، انجام دهیم تا از خواسته‌های مردم ایران حمایت کنیم و خواستار شنیدن حرف‌های آنها هستیم و تلاش می‌کنیم دیدگاه‌های صلح‌آمیز آنها را به جهان بشناسانیم و به این سرکوب وحشتناکی که الان می‌بینیم پایان دهیم.» با اینهمه ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با شبکه «العالم» که گویا با افراد نامطلع سخن می‌گوید، به افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد در تأسیسات فردو و نطنز نیز اشاره می‌کند و می‌گوید «در این سطح غنی‌سازی اورانیوم برای تولید رادیو دارو افراد سرطانی مورد استفاده قرار می‌گیرد!» این درحالیست که بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اواسط آبان ۱۴۰۰ در سخنانی با اعلام اینکه میزان ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران به ۲۵ کیلوگرم رسیده تأکید کرده بود «فقط کشورهای دارای سلاح اتمی توانش را دارند.»

از سوی دیگر، محمد مردنی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و عضو تیم مذاکره‌کننده اتمی جمهوری اسلامی در وین اوایل اردیبهشت سال ۱۴۰۱ گفته بود «جمهوری اسلامی توانست امتیازات قابل توجهی را در وین به دست بیاورد... اما در روزهای آخر مذاکرات که کارها داشت به سرعت پیش می‌رفت بر سر موضوعات مختلف از جمله راستی‌آزمایی، لغو تحریم‌ها، تضامین و همچنین بحث سپاه،

پیشنهاد آرزومندانه به دولت بایدن
برای معامله با جمهوری اسلامی:

اعتراضات نمی‌بایست

تغییری در توافق

بدهد!

● علی خامنه‌ای در پاسخ به آندسته خودی‌های حکومت که گفته‌اند راه عبور از بحران و مقابله با اعتراضات از مذاکره با آمریکا می‌گذرد گفته است «آمریکا مذاکره نمی‌خواهد باج می‌خواهد!» اما سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با شبکه «العالم» ادعا کرده «آمریکا در پیام‌های خود به جمهوری اسلامی برای به نتیجه رساندن مذاکرات ابراز تمایل می‌کند.»

● آنتونی بلینکن در حاشیه نشست «ناتو» در رومانی به «ان‌بی‌سی نیوز» تأکید کرد «آمریکا باید با صراحت از معترضان ایرانی حمایت کند.» وی توضیح داد «اینکه رژیم ایران مدام خواست و اعتراضات مردم را به دیگران فرافکنی می‌کند، مشکلی است که در کانون رویکرد رژیم وجود دارد.»

● با اینهمه بازوهای جمهوری اسلامی و دلال‌های سیاسی، لابیگران و صادراتی‌های حکومت در خارج کشور همچنان برای زنده کردن برجام تلاش می‌کنند.

● در دیدگاهی که «واشنگتن پست» منتشر کرده به دولت بایدن توصیه می‌شود اعتراضات در ایران نباید تغییری در توافق بدهد و غرب نمی‌بایست به «امید انتقال قدرت مسالمت‌آمیز» در ایران از معامله با جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از دستیابی آن به بمب اتم چشم ببوشد!

ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با شبکه «العالم» که ۱۰ آذرماه پخش شد ادعا کرد «آمریکا در پیام‌های خود به جمهوری اسلامی برای به نتیجه رساندن مذاکرات ابراز تمایل می‌کند!» او همچنین آرزومندانه مدعی شد «تبادل پیام آمریکاییان به ایران از طریق واسطه اروپایی ادامه دارد و متن توافق رفع تحریم‌ها آماده است و دستیابی به آن زمان چندانی نمی‌برد!» این ادعاها در حالیست که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به تازگی نیز در پاسخ به آندسته خودی‌های درون حکومت که گفته‌اند راه عبور از بحران و مقابله با اعتراضات مردم از مذاکره با آمریکا می‌گذرد گفت: «آمریکا مذاکره نمی‌خواهد باج می‌خواهد.»

حالا ادعاهای برخی مقامات نظام در حالی مطرح می‌شود که در دو ماه گذشته با شروع خیزش سراسری مردم ایران، مقامات کاخ سفید رسماً اعلام کردند مذاکرات متوقف شده و صرفاً روی اعتراضات در ایران متمرکز شده‌اند. چند مقام آمریکایی از جمله جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید ادعاها در مورد ادامه گفتگوهای اتمی با جمهوری اسلامی پشت پرده یا از طریق کشورهای واسطه را رد کرده



از خانواده جانباختگان برای سکوت در برابر جنایت وثیقه می‌گیرند! وقاحت و تبهکاری جمهوری اسلامی مرز نمی‌شناسد!

● در اقدامی وقیحانه و تبهکارانه نهادهای امنیتی برای تحویل پیکر جانباختگان درخواست وثیقه کرده و اعلام می‌کنند خانواده باید سکوت کند و در صورت اطلاع‌رسانی یا موضعگیری علیه نظام، وثیقه را به اجرا خواهند گذاشت!

● «پیکربرابی» در حالی پدیده‌ای هولناک و غیرانسانی و نقض فاحش حقوق قربانی و خانواده‌اش به شمار می‌رود که حالا به وحشتی مضاعف برای خانواده‌هایی تبدیل شده که عزیزانشان را توسط شلیک یا ضربات باتوم و شکنجه مأموران از دست می‌دهند.

جمهوری اسلامی از همه ابزارهای ممکن و باورنکردنی و تصورناپذیر برای سرکوب مردم معترض و خانواده‌های آنها استفاده می‌کند. یکی از ابزارهای سرکوب و نقض حقوق خانواده قربانیان این است که مقامات امنیتی و قضایی در ازای تحویل پیکر شهروندان جانباخته، وثیقه دریافت می‌کنند و اعلام می‌کنند در صورت اطلاع‌رسانی، برگزاری مراسم پرجمعیت با حضور مردم و اعتراض و انتقاد به حکومت، وثیقه آنها توقیف خواهد شد!

در سومین ماه از انقلاب ملی ایران مردم ایران، جمهوری اسلامی با تبهکاری‌های تصورناپذیر سرکوب و شکنجه‌ی مردم معترض، بازداشت‌شدگان و خانواده‌های جانباختگان را پیش می‌برد. در حالی که از اعتراضات دی ۹۶ گزارش‌هایی مبنی بر درخواست دریافت وجه نقد برای تحویل پیکر شهروندان جانباخته مطرح بود اما حالا در اقدامی وقاحت‌آمیز نهادهای امنیتی و قضایی در ازای صدور مجوز تحویل پیکر، درخواست وثیقه، از جمله سند ملک، از خانواده جانباخته کرده و اعلام می‌کنند خانواده باید سکوت کند و در صورت اطلاع‌رسانی یا موضعگیری علیه نظام، وثیقه را اجرایی می‌کنند.

برای نمونه نهادهای امنیتی در کردستان برای تحویل دادن پیکر سلیمان شکری و سعیدی شاهرخی‌فر در شهر بوکان از خانواده‌های آنها وجه نقد و وثیقه دریافت کرده‌اند. پایگاه خبری «کردپا» در این زمینه به نقل از یک منبع مطلع نوشت: «خانواده سلیمان شکری مجبور شده در مقابل پرداخت ۹۰ میلیون تومان به اطلاعات سپاه پیکر فرزندان را تحویل بگیرند.»

به گفته این منبع مطلع، پدر سلیمان شکری فوت کرده و به دلیل وضعیت مالی نامناسب خانواده، وجه درخواستی از سوی مردم بوکان جمع‌آوری و به «اطلاعات سپاه» پرداخت شده تا آنها جنازه شکری را به خانواده تحویل دهند.

سلیمان شکری ۲۲ ساله در تاریخ ۲۶ آبان در اعتراضات بوکان با گلوله مأموران حکومتی از ناحیه سر و صورت مجروح و سه روز بعد در یکی از بیمارستان‌های ارومیه جان باخت.

در موردی دیگر خانواده سعیدی شاهرخی‌فر نیز مجبور شده‌اند برای تحویل گرفتن پیکر وی دو میلیارد تومان وثیقه گرو بگذارند!

یک منبع آگاه گفته که خانواده شاهرخی‌فر «به شدت تحت فشار قرار گرفته‌اند که در صورت صحبت کردن» درباره این جنایت، وثیقه‌شان مصادره خواهد شد.

دزدیدن پیکر جانباختگان و خاکسپاری آنها در مکان‌های دورافتاده و برخلاف میل خانواده در خیزش ملی اخیر بارها از سوی نهادهای امنیتی اتفاق افتاده است. نیکا شاکرمی دختر ۱۶ ساله‌ای که در اعتراضات تهران بازداشت و ۱۰ روز بعد پیکر بی‌جان به خانواده تحویل داده شد، قرار بود توسط خانواده در زادگاهش در شهر خرم‌آباد به خاک سپرده شود. مأموران اما پیکر نیکا را صبح خاکسپاری ربودند و بدون حضور مادر و دیگر اعضای خانواده در روستایی در نزدیکی خرم‌آباد به خاک سپردند.

حامد سلحشور جوان اهل شهر ایذه روز چهارم آذرماه دستگیر و ۵ روز بعد به خانواده خبر درگذشتش را به خانواده او اعلام کردند. مأموران امنیتی اما پیکر این جوان را بدون اطلاع خانواده در منطقه «قلعه تل» شهر ایذه به خاک می‌سپارند. خانواده حامد با کمک شهروندان یکرز بعد در ساعت چهار بامداد روز پنجشنبه ۱۰ آذرماه با نیش قبر، پیکر فرزندشان را از «قلعه تل» برداشته و در «آرامگاه فامیلی» در شهر ایذه دفن کردند.

«پیکربرابی» در حالی پدیده‌ای هولناک و غیرانسانی و نقض فاحش حقوق قربانی و خانواده‌اش به شمار می‌رود که حالا به وحشتی مضاعف برای خانواده‌هایی تبدیل شده که عزیزانشان را توسط شلیک یا ضربات باتوم و شکنجه مأموران از دست می‌دهند.

برخی خانواده‌ها ناچار می‌شوند پیکر عزیز جانباخته‌ی خود را تا فرارسیدن ساعت خاکسپاری در خانه و یا جایی مخفی حفاظت کنند. کیان پیرفلک کودک ۱۰ ساله روز ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در شهر ایذه توسط مأموران جمهوری هدف گلوله قرار گرفت و جان باخت. کیان به همراه پدر و مادر و برادر سه‌ساله‌اش در اتومبیل بود که با به رگبار بسته شدن اتومبیل، کیان و پدرش مجروح می‌شوند. کیان جان می‌بازد و پدرش که به شدت مجروح شده همچنان در سی‌وی

بیمارستان بستری است.

مادر و اقوام نزدیک کیان، از هراس دزدیده شدن پیکر این کودک، او را به خانه می‌برند و با جمع‌آوری یخ از خانه همسایه‌ها، تا صبح روی پیکر بی‌جان او یخ می‌گذارند و بر بالینش می‌نشینند تا صبح مراسم خاکسپاری را برگزار کنند. مهران سماک جوان ۳۰ ساله سه‌شنبه شب، ۸ آذر ۱۴۰۱، در حالی که با نامزدش در اتومبیل شخصی‌اش بود، در جریان تجمع شادی و خوشحالی که در پی حذف تیم فوتبال غیرملی از جام جهانی ۲۰۲۲ برگزار شده بود، در بندر انزلی مورد اصابت گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان باخت.

گزارش‌های غیررسمی منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی حاکی از آنست بیمارستانی که پیکر مهران به آن منتقل شده بود از تحویل آن خودداری می‌کرده و مهرشاد، برادر مهران، که نگران «پیکربرابی» برادرش بود نیمه‌شب مسئولان بیمارستان را وادار کرده پیکر برادرش را تحویل بدهند. مهرشاد از هراس نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، تا صبح پیکر برادرش را در اتومبیل گذاشته و در خیابان‌ها مانده تا فردایش بتوانند در آرامستانی که در نظر دارند و در مراسمی که خانواده مایل به برگزاریش بود، برادرش را به خاک بسپارند.

این سرکوب‌ها و رویدادهای آخرزمانی و تصورناپذیر که جمهوری اسلامی علیه مردم ایران پیش می‌برد، در حالیست که مردم همچنان زیر همه این فشارها، و با وجود صدها کشته و هزاران زخمی و بازداشتی، همچنان انقلاب ملی خود را ادامه می‌دهند و برای برگزاری اعتراضات سراسری در روزهای ۱۴ تا ۱۶ آذر آماده می‌شوند.

هرانا ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران اعلام کرده است که از ۲۶ شهریور تا نهم آذر ۴۵۹ نفر در اعتراضات ایران جان خود را از دست داده‌اند که ۶۴ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال سن داشتند.

خبرگزاری هرانا تعداد بازداشت‌شدگان را هم تا پایان پنجم آذر ۱۸۱۹۵ نفر اعلام کرد و افزود: از این تعداد هویت ۳۴۴۶ تن مشخص شده است.

در این میان گزارش‌هایی از دریافت وثیقه‌های کلان از بازداشت‌شدگان پیش از آزادی نیز منتشر شده است. بر این اساس از زندانیان، به ویژه زندانیانی که در طول بازداشت مورد آزار جنسی و تجاوز و شکنجه قرار گرفتند، وثیقه دریافت می‌شود تا اگر پس از آزادی درباره آنچه از سر گذرانده‌اند اطلاع‌رسانی کنند، مال مربوطه توقیف شود!

۸۰ روز گذشت و «بساط اعتراضات» علیه جمهوری اسلامی جمع نشد! آیا باج دادن به آمریکا مشکل علی خامنه‌ای را حل می‌کند؟!



تجمع بسیجیان برای اعلام حمایت از علی خامنه‌ای

انگار هیچ کشوری نمی‌فهمد FATF مضر است و فقط ما می‌فهمیم! روزنامه اطلاعات هشدار داده ادامه این وضعیت می‌تواند ژئوپلیتیک منطقه را به ضرر جمهوری اسلامی واژگون کند و جبران آن شاید ناممکن باشد.

با اینهمه اما شماری از عوامل نظام از جمله نزدیکان رهبر جمهوری اسلامی استنباط دیگری از شرایط دارند و معتقدند آمریکا و شرکای آن به دنبال تقویت اعتراضات برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند.

آمریکا به دنبال براندازی است

علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی سیاسی خامنه‌ای در نوشتاری با عنوان «ماهیت، منشاء و ابعاد اغتشاشات ۱۴۰۱» می‌نویسد «مجموعه‌ای از کشورها با محوریت آمریکا و انگلیس و همکاری فعال رژیم سعودی یکطرف و جمهوری اسلامی ایران در طرف دیگر، در صدد اختلال در نظام دینی و تلاش برای براندازی نظام اسلامی برآمدند.»

این در حالیست که گروهی از عوامل ارشد نظام پیش‌بینی کرده بودند اگر فصل زمستان برسد سرمای اروپا و کمبود گاز سبب می‌شود آنها برای مذاکره دست‌شان را به سمت جمهوری اسلامی دراز کنند! این اما فقط یک توهم آرزومندانه بود و چنین اتفاقی نیفتاد. در چنین شرایطی حتی از دورن نظام درباره‌ی وضعیت قرمز به مقامات ارشد هشدار داده می‌شود.

واقعیت ایران و آنچه در جامعه در تحرک است اما نه برنامه‌ریزی آمریکا و آلمان برای براندازی است و نه توطئه‌های اسرائیل برای «اغتشاش» در ایران! مردم ایران هستند که واضح‌تر از هر زمان دیگری اعلام می‌کنند جمهوری اسلامی و «کل نظام» را نمی‌خواهند. در همین ارتباط، محسن میردامادی دبیرکل سابق حزب جناح اصلاح‌طلب «مشارکت» گفته «مردم ایران نه فقط از اصلاح‌طلبان بلکه از همه چیز عبور کرده‌اند!»

این اعتراف در شرایطی است که از سوی بخشی از جریان «اصلاح‌طلب» متوهمانه برای نجات و پوست‌اندازی نظام موضوع اصلاح اساسی در ساختار «حکمرانی» و «رفراندوم» مطرح می‌شود! بدون آنکه توضیح دهند پس در دو دهه اصلاحات مشغول چه کاری بودند و حالا می‌خواهند چه «اصلاح» و «تحولی» در «ساختار» و «حکمرانی» نظامی به وجود بیاورند که حاکمیت خدا بر زمین است و خود را به کسی پاسخگو نمی‌دانند!

مذاکرات برجام بر تداوم اعتراضات در ایران و حمایت از خواسته‌های آزادیخواهان مردم متمرکز شده است. وی همچنین تأکید می‌کند که آمریکا ارسال تسلیحات نظامی از سوی جمهوری اسلامی به روسیه از جمله پهنادهای انتحاری را زیر نظر دارد.

کلودیا تنی عضو کمیته خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در تویییتی می‌نویسد «من به ایستادن در کنار مردم شجاع ایران ادامه خواهم داد، زیرا آنها حقوق و آزادی خود را در برابر یک رژیم تئوکراتیک وحشی طلب می‌کنند. جهان باید متحد شود و رژیم ایران را به خاطر اقدامات شنیع علیه مردم مورد حسابرسی قرار بدهد.»

یک منبع دیپلماتیک روسی می‌گوید دولت بایدن به دنبال «بهبودی» است تا «از آب گل‌آلود ماهی بگیرد و مذاکرات اتمی را از مسیر خارج کند.» سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز لاف زده و گفته است ایران از موضع نیاز مذاکره نمی‌کند!

در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا می‌شود دلیل حمایت آمریکا از اعتراضات «فشار به جمهوری اسلامی برای گرفتن امتیاز از ایران در مذاکرات است.» حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی پس از آنکه ایتالیا سفر وی به آن کشور را «جایز» ندانست و آن را لغو کرد، به بلگراد پایتخت صربستان سفر کرده و با اشاره به «مداخلات خارجی و جنگ ترکیبی» علیه جمهوری اسلامی گفته است «آمریکا و چند کشور غربی به دنبال ایجاد آشوب و اغتشاش در ایران بودند و یکی از اهداف آمریکا وادار کردن ایران به دادن امتیازات بزرگ در میز مذاکرات بود.»

استنباط تخیلی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی این است که آمریکا همچنان دنبال مذاکره است اما برای معامله اتمی «امتیازات بزرگ» می‌خواهد! اتفاقاً علی خامنه‌ای هم دو هفته پیش از این خطاب به آنها که راه حل عبور از بحران برای نظام را «مذاکره با آمریکا» می‌دانند گفته بود «مذاکره مشکل ما با آمریکا را حل نمی‌کند، بلکه باج دادن به آمریکا مشکل را حل می‌کند که البته به یکبار باج دادن هم قانع نیستند و هر بار باج جدیدی خواهند خواست.»

مسئله نیوستن به FATF است!

روزنامه «اطلاعات» با اشاره به قرارداد گازی دولت قطر با آلمان و چین با اعتراض و کنایه می‌نویسد «رقیبان بازار ما را تصاحب کردند و ما هنوز درگیر FATF مانده‌ایم...»

● رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران: دولت جو بایدن به جای مذاکرات برجام بر تداوم اعتراضات در ایران و حمایت از خواسته‌های آزادیخواهان مردم متمرکز شده است.

● کلودیا تنی عضو کمیته خارجی مجلس نمایندگان آمریکا: من به ایستادن در کنار مردم شجاع ایران ادامه خواهم داد، زیرا آنها حقوق و آزادی خود را در برابر یک رژیم تئوکراتیک وحشی طلب می‌کنند.»

● یک منبع دیپلماتیک روسی می‌گوید دولت بایدن به دنبال «بهبودی» است تا «از آب گل‌آلود ماهی بگیرد و مذاکرات اتمی را از مسیر خارج کند.»

● علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی سیاسی خامنه‌ای در نوشتاری با عنوان «ماهیت، منشاء و ابعاد اغتشاشات ۱۴۰۱» می‌نویسد «مجموعه‌ای از کشورها با محوریت آمریکا و انگلیس و همکاری فعال رژیم سعودی یک طرف و جمهوری اسلامی ایران در طرف دیگر، در صدد اختلال در نظام دینی و تلاش برای براندازی نظام اسلامی برآمدند.»

● محسن میردامادی دبیرکل سابق حزب اصلاح‌طلب «مشارکت» گفته «مردم ایران نه فقط از اصلاح‌طلبان بلکه از همه چیز عبور کرده‌اند!»

● این اعتراف در شرایطی است که از سوی بخشی از جریان «اصلاح‌طلب» متوهمانه برای نجات و پوست‌اندازی نظام موضوع اصلاح اساسی در ساختار «حکمرانی» و «رفراندوم» مطرح می‌شود! بدون آنکه توضیح دهند پس در دو دهه اصلاحات مشغول چه کاری بودند و حالا می‌خواهند چه «اصلاح» و «تحولی» در «ساختار» و «حکمرانی» نظامی به وجود بیاورند که حاکمیت خدا بر زمین است و خود را به کسی پاسخگو نمی‌دانند!

● ۸۰ روز از آغاز خیزش انقلابی در ایران می‌گذرد. رهبر جمهوری اسلامی به خودش امیدواری داده بود «بساط شرارت» جمع خواهد شد! اما نشد!

● گسترش اعتراضات و اعتصابات در ایران موقعیت جمهوری اسلامی در مذاکرات اتمی را آنقدر ضعیف کرده که طرفین غربی و بطور خاص مقامات دولت آمریکا و آلمان رسماً اعلام می‌کنند دیگر به فکر مذاکرات «احیای برجام» نیستند و تمرکز آنها روی اعتراضات مردم در ایران است.

● رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران برای سومین بار طی هفته‌های اخیر تأکید کرد دولت جو بایدن بجای

نگاهی دوباره به انقلاب مشروطیت ایران (۳)

کیهان لندن شماره ۱۱۳۸-۱۱۳۴ (آذر تا دی ۱۳۸۵)

احمد احرار

و آقا میرزا سید محمد طباطبائی به حضرت عبدالعظیم بروند، به هر طریقی که صلاح دانند حاج شیخ فضل الله نوری وسایر همراهنانش را به شهر برگردانند و ترضیه بخواهند که بعد از این به میل ایشان رفتار شود. آقایان مذکور و دو نفر از وکلا حاضر شدند بروند. عصر، یک ساعت و نیم به غروب مانده به طرف زاویه مقدسه رهسپار گردیدند. بعد از زیارت و ادای فریضه به باغ کربلائی عباسعلی که منزل حاج شیخ و همراهنانش بود وارد گردیدند... حاج شیخ وسایر علما نهایت پذیرایی را برای ورود علما به جا آوردند... بعد از صرف شربت، آقای آقا سید عبدالله مجتهد شروع به مطلب نمود که سبب این حرکت ناگهانی شما در این مکان برای چه بود؟ بی خبر چرا آمدید؟ دلیل این حرکت خود را بیان نماید. حاج شیخ جواب داد اگر باز مطلبی غیر از این دارید، بفرمائید تا یک مرتبه بگویم زیرا که آمدن من به اینجا مقدمه طولانی دارد. آقا سید عبدالله جواب دادند طولانی یا مختصر، فعلاً این جواب را بدهیم تا به سایر مطالب برسیم.»

پاسخ شیخ فضل الله مفصل است و مشتمل بر دو بخش: یکی دلایل حرکت او برضد مشروطیت؛ دیگر دلیل بست نشینی او در حضرت عبدالعظیم.

علت بست نشینی خود را، عدم امنیت ذکر می کند و مدعی می شود که چون «شورشیان» قصد جانش را داشته اند ناگزیر از ترک خانه خود و تحصن در حضرت عبدالعظیم شده است. اما در باب جدا شدن خود از صف مشروطه خواهان و برافراشتن علم مشروطه طلبی می گوید: «تأسیس اساس این مجلس با اقدامات و اهتمامات من و شما بود که این کار عمده را به همراهی یکدیگر از پیش برداشتیم.. از انتخاب وکلا و برقراری مجلس هرچه لازمه کار بود کردید و من در بعضی موارد می دیدم خبط کرده اید، با گوشه و کنایه حالی شما می کردم به یک عذری متعذر می شدید... این کار و امورات همین طور در شدت و ضعف بود تا زمانی که قانون اساسی و نظامنامه داخلی و بعضی قوانین دیگر دیده شد که با شرع مقدس اسلامی مخالف بود. کراً اگر گفتیم ما طبقه مسلمانان که دارای کتاب و قوانین آسمانی هستیم چرا از روی قانون قرآن رفتار نکنیم و از روی قانون آلمان و انگلیس وضع قانون نمائیم؟ کسی به این حرفهای من اعتنایی نکرد بلکه در روزنامه ها مرا توهین کردند... جماعتی از این مردم زبان بدگویی و بدنویسی بر ما گشودند... در مجالس متعدده در دفع من سخن گفتند. در مساجد و مدارس جمعیت کردند. در تیبیه و تبعید من حرف زدند، آخر الامر جماعتی مخصوص کمر قتل مرا بستند...»

آقا میرزا سید محمد قصدش این بود که در اینجا بعضی مطالب مطرح نشود بلکه ترتیب دوستی و همکاری داده حاج شیخ نوری را به طرف شهر حرکت دهند. اظهار داشتند خوب است دنباله حرف را دراز نکنیم. نوعی باید کرد که تولید فتنه و فساد نشود. اگر از بنده بشنوید با همراهی یکدیگر به شهر برویم، هر مطلبی که دارید در مجلس عنوان نمائید. من عهد و شرط می نمایم، التزام و سند هم می دهم که با آقای آقا سید عبدالله جداً در پیشرفت مقاصد و مطالب ایستادگی کرده مقاصد مهمه شما برآورده شود.

شیخ در جواب اظهار نمودند از شما و آقای آقا سید عبدالله خواهش و تمنا دارم چون مجلس مطالب شما را به خوبی می پذیرد اگر ممکن است استدعا نمائید از من چشم پپوشند و بگذاردند در آخر عمر در آستان حضرت عبدالعظیم عمری را صرف زیارت و توشه آخرت کنم.»



میرزا حسن خان اسفندیاری (محتشم السلطنه)

حضرت عبدالعظیم و طرح شرایط و پیشنهادات تازه کشید، متوجه شد که این رشته سر دراز دارد و بهتر است او هدف کشمکش و برخورد با تقاضاهای ملی نباشد.

مأموریت امیرخان سردار پسر وجیه الله میرزا برای بازگرداندن حضرات از زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم را به عذر این که این کار مربوط به حاکم تهران است و دولت نباید در آن مداخله می کرد، بهانه قرار داد و از حکومت تهران استعفا کرد. در این مرحله از انقلاب، لفظ «مشروطه» هنوز مطرح نبود. شعار انقلاب یا جنبش، کلمه «عدلیه» بود آن هم به معنای وسیع کلمه و نه به معنای دادگستری چون قضاوت، قسمت عمده اش به صورت شرعی و در محدوده اختیارات روحانیون بود. مردم در برابر ظلم حکومتگران ملجأ و مرجع تظلم می خواستند و بدین سبب ابتدا درخواست «عدلیه» شد، بعد گفتند «عدالتخانه»، آخر الامر لفظ کنستیتوسیون (Constitution) توسط فرنگ رفته ها در میان آمد که آن را ترجمه کردند به مشروطه.

مجلس هم، بعد از آن که فرمان شاهانه صادر شد هنوز نام مشخصی نداشت. ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان می نویسد صدر اعظم می گفت شورای اسلامی باید باشد، اما سید حسن بروجرودی گفت شورای ملی باید باشد. پس از مذاکرات بنا شد مشیرالملک (حسن پیرنیا، مشیرالدوله بعدی) و محتشم السلطنه (حسن اسفندیاری، بعدها رئیس مجلس شورای ملی) در مجلسی دیگر نشسته گفتگو کنند. نتیجه مذاکرات این شد که مجلس شورای ملی باشد.

کلمه آزادی و مساوات و برابری حقوق مردم (از مسلمان و غیر مسلمان) در برابر قانون، در مراحل بعدی به میان آمد و از همانجا بود که افتراق و اشتقاق ظهور کرد و مشروطه طلبان در برابر مشروطه خواهان قرار گرفتند.

میرزا هاشم خان محیط مافی مدیر روزنامه وطن، از روزنامه نگاران اوایل مشروطیت که با شیخ فضل الله نوری مراد نزدیک داشته است، گفت و گوی شیخ فضل الله را با آقایان طباطبائی و بهبهانی، هنگامی که شیخ در حضرت عبدالعظیم تحصن گزیده و بر ضد مشروطیت موضع گرفته بود، در خاطرات خود آورده است. سیدین سندی (بهبهانی و طباطبائی) متفقاً به دیدن شیخ می روند تا او را از رخ شیطان پائین بیاورند. میرزا هاشم خان می نویسد:

«از طرف مجلس مقرر شد که آقایان سید عبدالله (بهبهانی)

زلف ایاز، مایه اختلاف وزیر تجارت و حاکم تهران

احتشام السلطنه می نویسد:

«غلامحسین نام، جوانی که معروف بود طرف میل و علاقه و محبوب سعدالدوله وزیر تجارت است در حالی که با لباس و آرایش خارج از ترتیب و شکل و موی و رفتار بی قاعده در کوچه ها قدم می زد، مأمورین حکومت دستگیرش می کنند، علاءالدوله اصرار زیادی در جلوگیری از بعضی حرکات زشت و مخالف اخلاق عمومی داشت و به سختی از این گونه رفتار ممانعت می نمود.

ظاهراً ابتدا مأمورین حکومتی جوان مزبور را دستگیر می کنند و علاءالدوله با تذکراتی آزادش می نماید. در مرتبه ثانی آن جوانک نور چشم سعدالدوله توسط مأمورین دستگیر می شود، به دستور علاءالدوله، بدون ملاحظه، زلفهایی که زینت او بود تراشیدند و چوب زیادی به او زدند و محبوسش کردند. از طرف سعدالدوله اقدامات مختلف برای استخلاص غلامحسین خان می شود. حتی از قراری که خود برادرم می گفت (یادآور باشیم که علاءالدوله برادر احتشام السلطنه بود) دویست تومان و یک عصای منبت کاری برای او می فرستند. علاءالدوله پیشکشی ها را قبول نمی کند و پسرک را با این شرط که دیگر مرتکب حرکات زشت نشود و با سر و وضع جلف در مرئی و منظر عمومی ظاهر نگردد، آزاد می نماید. لکن با تراشیدن زلف «ایاز!» تخم دشمنی و نفاق را در دل سعدالدوله می کارد.

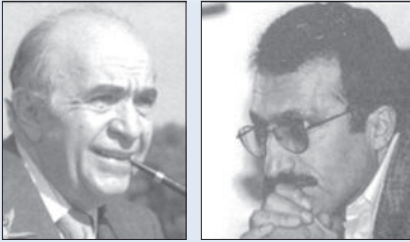
چند روز بعد، قند در تهران گران شد، علاءالدوله قند فروشها (تجار واردکننده قند و سقط فروشان) را احضار و دلیل گرانی قند را سؤال کرد. چون دید بدون دلیل و برای سود و صرفه بیشتر اجحاف نموده و گرانفروشی می کنند چند نفر از رؤسای ایشان را چوب زد. سعدالدوله که وزیر تجارت بود و از علاءالدوله هم باطناً ناراضی و دنبال بهانه می گشت تا تلافی «بریدن زلف ایاز» یعنی غلامحسین خان بچه بی بریش خود را کرده باشد، آتش فتنه را برافروخت و چوبکاری تجار قندفروش را پیراهن عثمان کرد و هیاهو بلند شد. مردم هم البته موقع را غنیمت شمرده همدست و همصدا شدند. علمای اعلام که عموماً حسابهایی با دولت و دربار داشتند و محل مراجعه تجار و مردم نیز بودند، موقع را از دست نداده شروع به اجتماع در مسجد شاه و با بهانه دیگر در حضرت عبدالعظیم تحصن نمودند، و سخن از تشکیل «عدالتخانه» به میان آوردند.

دولت، امیرخان سردار پسر سپهسالار، جوان فتنه جو عصاره فساد و تباهی را برای بازگرداندن حضرات مأمور کرد و او با قبول و تعهد جمیع پیشنهادات جماعت که به صحه و تصویب شاه و دولت هم رسید، آقایان را به تهران بازگرداند. و بعد چون شاه و صدر اعظم در انجام تعهدات و اجرای پیشنهادات عامه، قدمی برنداشتند و بالعکس به فشار و تعدی و فساد افزودند، مجدداً علماء و تجار و توده مردم به حرکت درآمدند و جمعی به عنوان خروج از ایران و مهاجرت به عتبات عالیات به حضرت معصومه - قم (ع) و چندین هزار نفر به تحصن در سفارت انگلیس رفتند تا شاه به جای عدالتخانه ناگزیر از عزل صدر اعظم و اعطای فرمان مشروطیت و قبول تشکیل مجلس شورا و تغییر نظام حکومتی گردید.

علاءالدوله وقتی کار اجتماع علما و تجار به تحصن در

صادق خلخالی برای محاکمه سریع و اعدام نخست‌وزیر پیشین دست به کار شده بود، در حالی که:

معمای به نام هویدا (۱۳)



نوشته دکتر عباس میلانی

هویدا خود را برای دفاع مستدل در برابر دادگاه آماده می‌کرد!

بازشم

نامه محرمانه‌ای که هویدا به زبان انگلیسی نوشته بود و از زندان به بیرون فرستاد امیدهای او را به بهره‌گیری از تیم ورزیده وکلای مدافع و حتی کمک روحانیونی مانند فلسفی واعظ منعکس می‌کند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفنکس» در اساطیر نام يك موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخ صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

آیا هویدا واقعا چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست‌وزیری به مدت سیزده سال يك معماست؟ قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند.

چنان که قبلا نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحب‌نظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشنتر شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.



هویدا در دادگاه خلخالی

به جوخه اعدام بسپرد و آنها نیز هر چه زودتر، خبر واقعه را به اطلاع مردم ایران و جهان برسانند. اما در هجدهم فروردین، حدود ساعت دو بعد از ظهر، ناگهان درهای زندان را از درون بستند. دیگر هیچکس، از جمله خبرنگارانی که به دلیلی در درون صحن زندان بودند، حق خروج نداشت. سیمهای تلفن هم همه قطع شد. محض احتیاط، خلخالی دستگاههای تلفن را در داخل یخچالی پنهان کرد.

این حرکات حیرت‌آور را نباید به حساب ملاحظات امنیتی گذاشت. کسی نگران حمله کماندویی نبود. این در بستنها و تلفن قطع کردنها همه نتیجه مستقیم رقابتهای شدیدی بود که میان جناحهای مختلف قدرت در نظام اسلامی در گرفته بود. خلخالی خود بی‌پروا انگیزه اصلی این اقدامات شگرف را باز می‌گوید. می‌گفت نمی‌خواست دولت موقت بازرگان بداند که او کار محاکمه هویدا را از سر گرفته است. بازرگان از همان آغاز با خلخالی و درک وی از عدالت اسلامی مخالف بود. سه هفته قبل از شروع دادگاه دوم هویدا، روزی از سر تصادف بازرگان و خلخالی هر دو در اتاق انتظار منزل آیت‌الله خمینی منتظر دیدار رهبر انقلاب بودند. در این فاصله، گفتگو میانشان درگرفت. محور بحث کیفیت کار دادگاههای انقلاب بود. دیری نباید که گفتگو به مشاجره بدل شد و لحظاتی بعد به آستانه زد و خورد رسید.

البته حتی پیش از این مشاجره و کشمکش، بازرگان و برخی از همکارانش مترصد برچیدن بساط دادگاههای انقلاب بودند. می‌گفتند کار این دادگاهها آبروی انقلاب را در سرتاسر جهان برده است. می‌خواستند هویدا را

فاسد پیشین را بردوش گرفته بود.

از قضا خلخالی برای اثبات فساد اخلاقی هویدا از حکایتی سخت گویا بهره جست. به همان زبانی که وجه مشخص همه آثار اوست، می‌گفت هویدا در زندان «خیلی می‌خوابید، ولی لخت مادرزاد که این عمل او چند بار مورد اعتراض پاسداران قرار گرفت.» در ایران، مردان معمولا برهنگی بدن را، حتی اگر بدن خودشان هم باشد، به آسانی برمی‌تابند. نادرند کسانی که برهنه بخوابند. ریشه این واقعیت را باید در احکام سنت و مذهب و در مفاهیمی چون حجب و حیا سراغ کرد. در مقابل، در غرب، معیار اصلی تعیین این که هر کس چگونه می‌خواهد راحتی فردی است و لاغیر. انقلاب اسلامی، دستکم برای بسیاری از نیروهای مذهبی، نوعی جنگ فرهنگی بود. در يك سو اخلاق تازه‌ای بود که رژیم پهلوی را تجسم آن می‌دانستند. می‌گفتند ریشه در الگوها و ارزشهای غربی دارد و با ارزشهای سنتی اسلام معارضه می‌کند.

در سوی دیگر طرفداران سنت مذهبی بودند. اگر تاریخ انقلاب را از این منظر، و به سان رویارویی این دو نیروی فرهنگی، بنگریم، آنگاه به گمانم به این نتیجه می‌رسیم که شکایت خلخالی از هویدا صرفا جنبه‌ای فردی و خصوصی نداشت، بلکه مصداق طیف وسیع مسایل بود که هویدا را از فاتحان انقلاب متمایز و متفاوت می‌کرد.

در آن روزها، زندان قصر به «مهمانخانه مرگ» بدل شده بود. همواره مشتت خبرنگار در اطراف درهای زندان در انتظار بودند تا دادگاه انقلاب شمار تازه‌ای از سران رژیم را

در فصلی از کتاب «معمای هویدا» که دکتر عباس میلانی آن را «دریاچه یخزده کاکیتوس» نام نهاده است آخرین تلاش امیر عباس هویدا و پایان کار او در دادگاهی به ریاست صادق خلخالی تصویر و تحلیل شده است. «کاکیتوس» در اثر جاودانی «دانته» دریاچه‌ایست یخزده و نهمین حلقه دوزخ.

خلخالی روایتش را از دادگاه دوم هویدا با وصف آن چه خود آن روز برای ناهار خورده بود می‌آغازد. روز هجدهم فروردین ۱۳۵۸ بود. خلخالی حدود يك بعد از ظهر به زندان قصر رسید. گرسنه بود. به آشپزخانه زندان رفت. غذایی باقی مانده بود. اما شنید که، «آن روز غذا باقالبی پلو با شوید بود.» می‌گفت، «من نان و پنیر خوردم» و به تهیه زمینه دادگاه پرداختم.

گرچه در خاطرات به راستی آشفته او، لذات غذا خوردن همواره مقامی برجسته دارند، اما نمی‌تواند و نباید ابعاد نمادین و سیاسی اشارت خلخالی به نان و پنیر را، آن هم در دو سطر اول روایتش از دادگاه دوم هویدا، نادیده گرفت.

می‌دانیم که در زبان فارسی، «نان و پنیر» هم وصفی ساده است و هم تمثیلی پربار. به عبارت دیگر، همان طور که مثلا لنگ جوجه را تمثیلی از غذای اغنیا می‌دانیم، نان و پنیر را هم نشانی از افتادگی و فروتنی و سادگی زندگی می‌شناسیم. بدین سان می‌بینیم که وصف خلخالی از دادگاه دوم هویدا با نوعی تمثیل و ادای سیاسی می‌آغازد. انگار می‌خواهد بگوید که او چون فردی برخاسته از صف خلق، بار قضاوت و داوری در باره یکی از نوکران حکام برافزاده

۳- به نظرم شما باید در پی یافتن تیمی از وکلایی باشید که در این نوع کارها تبحر دارند. آنجل با کسی در این مورد صحبت کرده؛ بهتر است با او تماس بگیرید.

۴- از دوستانمان که در بازار و در محافل مذهبی تماسهایی دارند بپرس که آیا می‌توانیم (علاوه بر وکلا) یک آدم وارد در زمینه مسایل مذهبی پیدا کنیم. آیا او فکر می‌کند فلسفی حاضر است در این زمینه کاری بکند؟ (در دادگاه، و اگر این مقدور نیست، خارج از دادگاه؟) (تلویزیون - مطبوعات؟)

۵- چند نکته را می‌خواهم در اینجا توضیح بدهم: چرا مرا در ۱۷ آبان بازداشت کردند. این توطئه‌ای بود به دست زاهدی (که البته با شریف امامی و امینی شروع شد) و نیز افرادی در ارتش که شاه را متقاعد کنند که کاسه کوزه همه اتفاقات ۱۵ سال اخیر را بر سر من بشکنند. قرار بود شاه ادعا کند که از اوضاع بی‌خبر بود و چطور مردم به او اطمینان خاطر می‌دادند. روز از نو روزی از نو. این فکر احمقانه‌ای بود. مردم آن را به عنوان راه حل نپذیرفتند. فراموش نکن چطور بعد از استعفای من مطبوعات و نمایندگان مجلس حملاتشان را به من آغاز کردند.

زاهدی و دار و دسته‌اش می‌خواستند مرا قربانی کنند و شاه بالاخره تسلیم شد. (آموزگار کمک کرد.)

۶- چرا و چه وقت از وزارت دربار استعفا کردم. شنبه ۱۸ شهریور یعنی روز بعد از جمعه سیاه، وقتی که تعداد زیادی از مردم کشته شدند. این راه حل نبود. به شاه این را گفتم و استعفا دادم. چند روز بعد وقتی از محل مسکونی رسمی خودم خارج شدم او وزیر دربار تازه‌ای آورد. (تاکید ها همه در اصل اند) من با کاری که کردند مخالف بودم.

۷- به نظرم این دو نکته اطلاعاتی را دوستان ما در بازار و در محافل مذهبی می‌توانند به طور علنی یا در خلوت طرح کنند.

۸- آدمهای زیادی بازداشت شده‌اند - وزرا، ارتشیه‌ها، کارمندان - مدتها طول کشید تا وقت دادگاه همه آنها تعیین شود. در واقع تمام رژیم سابق را باید پاکسازی کنند و این شامل حال دو میلیون آدم می‌شود.

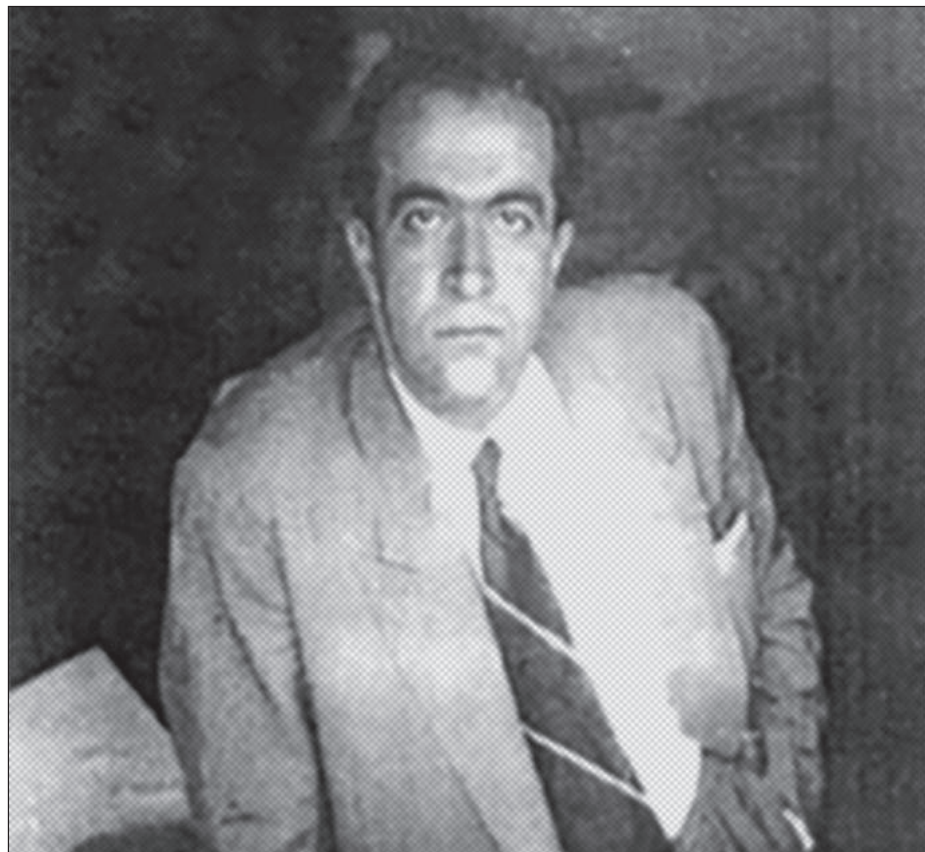
۹- به نظرم باید ببینم دادگاه چه وقتی شروع خواهد شد و در مورد وکلا چه باید کرد - در این رابطه با آنجل تماس بگیر. ۱۰- نتیجه تقاضای شخصیت‌های بین‌المللی چه بود؟ به نظرم از طریق نخست وزیر سابق لبنان، تقی‌الدین صلح، می‌توانیم از شیعیان لبنان و دیگر مسلمانان استفاده کنیم - که حیاتی اینجا بفرستند. به نظرم آنجل در این باره خبر دارد و باید با او تماس گرفت. نمی‌دانم چه وقت برخورد خواهد گشت. (تاکید در اصل است.)

۱۱- در یادداشتی خلاصه خبرها را به من بده - اینجا از همه چیز بی‌خبرم.

۱۲- در مورد «کانال» لطفاً به آنجل بگو هر کاری که لازم است بکند.

«کانال» مورد اشاره در بند ۱۲ نامه یکی از زندانبانان هویدا بود. به ابتکار خویش با خانواده هویدا تماس گرفت. می‌گفت در ازای حق الزحمه مناسب، واسطه تماس هویدا با خانواده‌اش خواهد شد. البته خانواده هویدا دیگر در آن زمان نسبت به اینگونه پیشنهادات بدگمان شده بود. چندین نفر دیگر هم پیشتر باب چنین مرادوه‌هایی را گوشوده بودند. می‌گفتند از محافظان هویدا هستند، اما در عمل حقه باز از آب در می‌آمدند و معلوم می‌شد سودایی جز تلکه کردن خانواده نگران در سر نداشتند. ولی «کانال» به وعده خود وفا کرد. در ازای هر پیامی که می‌رساند، مزدی می‌گرفت. البته حرص چندانی هم نداشت. بالاترین مزدی که که طلب کرد یک دستگاه تلویزیون رنگی بود و به همین خاطر اسم رمزش «کانال» شد.

این نامه انگار در عین حال خطاب به نسله‌های آینده نیز نوشته شده بود. در آن، هویدا آشکارا می‌خواست نقشی در تعیین جایگاه تاریخی خویش بازی کند. می‌خواست در برخی زمینه‌های مهم، روایت خویش را از رخدادها پر



امیر عباس هویدا - در سال ۱۹۴۵، هنگامی که عازم پاریس بود تا نخستین ماموریت سیاسی خود را آغاز کند

اهمیت زندگی‌اش را به ثبت برساند. بالاخره این که از متن و لحن نامه می‌توان به روحیه او در زندان پی برد. می‌توان انتظاراتش از آینده را باز شناخت و طرحی را که برای دفاع از خود در انداخته بود باز شکافت. مضمون نامه آشکارا نشان می‌دهد که هویدا در زندان دست از تلاش برنداشته بود. برای نجات جان خود سخت می‌کوشید. پیشتر دیدیم که یک بار دیگر هم نامه‌ای از زندان خارج کرده بود. نامه اول لحنی مایوس و نومید داشت. اما در نامه دوم بارقه‌ای از امید سراغ می‌توان کرد. بر خلاف نامه قبل که به فرانسه بود، این بار یادداشتش را به انگلیسی نوشته بود. گاه عبارات متن مغلوط و مغشوش بودند. این لغزش‌ها را باید به حساب این واقعیت گذاشت که نامه در شرایطی سخت خطرناک، و به احتمال قوی در عین عجله، نوشته شده بود. در برگرداندن متن به فارسی، تلاش در اصلاح سیاق عبارات نکردم و کوشیدم متن هر جمله را به فارسی برگردانم. متن نامه چنین است:

۱- پاراگرافی (به رنگ قرمز) به یادداشت‌م اضافه کردم و در آن خواهش کردم هر چه زوتر متون مربوط به محاربه و بهتان را به دستم برسانید. شرح و عنوان آیه‌های لازم را برای تشریح به دادگاه لازم دارم. در عین حال ممنون خواهم شد اگر لیست کتابهای مذهبی‌ای را که در مدافعاتم به دردم می‌خورد برابم بفرستید. اینجا می‌توانم از اینها خواهش کنم کتابها را برابم بخرند.

۲- تلاش دارم هر چه زوتر دادستان کل را ببینم و با او در مورد آینده صحبت کنم و متن کیفرخواست را از او بگیرم.

حتما در دادگاهی علنی، و طبق موازین بین‌المللی محاکمه کنند، برخی حتی مدعی‌اند کار تدارک چنین دادگاهی آغاز شده بود. قرار بود یک وکیل فرانسوی کار دفاع از هویدا را به عهده گیرد. بعضی می‌گویند این وکیل

حقوق دانی به نام «لوبلان» بود و بعضی دیگر معتقدند که «ادگارفور» که خود زمانی نخست وزیر فرانسه بود، دفاع از هویدا را عهده‌دار شده بود. می‌گویند وکلا چمدان سفر را هم بسته بودند و در فرودگاه منتظر اجازه پرواز بودند. فریدون هویدا که پس از برافتادن رژیم پهلوی در اروپا مانده بود، فعالانه می‌کوشید افکار عمومی غرب را به نفع یک دادگاه عادلانه برای برادرش بسیج کند. موفقیت‌های چشمگیری هم در این زمینه حاصلش شد. از «جرزی کوزینسکی» در آمریکا تا شمار گسترده‌ای از روشنفکران فرانسه و تمام نخست‌وزیران پیشین زنده آن کشور نامه‌های سرگشاده‌ای به مقامات ایرانی نوشتند و نجات جان هویدارا خواستار شدند.

واپسین نامه

هویدا در زندان از چند و چون این تلاش خبر داشت. خود نیز برای نجات جان خود فعال بود. در اواسط فروردین توانست، هر طور شده، نامه دیگری را مخفیانه از زندان به خارج بفرستد، نامه به خط خودش بود و سند مهمی بایش دانست. اهمیت آن را به چند نکته تأویل می‌توان کرد. نخست آن که نامه در شرایطی سخت خطرناک نوشته شده بود. ارسالش به خارج از زندان هم کار آسان و بی‌خطری نبود. به علاوه، این نامه واپسین دستخط هویدا است. در عین حال سند مکتوبی است که در آن، او از چند و چون دستگیری‌اش در دوران شاه سخن گفته و مقصران و محرکان اصلی این ماجرا را، دستکم از منظر خود، معرفی کرده است.

اختصاصی؛ یک هواپیمای نظامی روس تجهیزات سرکوب در فرودگاه مهرآباد تهران تخلیه کرد



تصویر آرشیوی از توپولف نیروی هوایی روسیه

● هواپیمای توپولف (با شماره RFFV۹۷۱) حامل ادوات سرکوب بود و تعدادی مستشار روس مسافر آن بودند. این هواپیما شبانه تخلیه شد و عصر یکشنبه ۱۳ آذرماه تهران را به مقصد مسکو ترک کرد.

● ادوات سرکوب شامل موتور، لباس ضدشورش و کلاهخود، بیسیم، سپر، شوکر برقی، اسلحه «پینت بال» و گلوله‌های ساچمه‌ای و انواع گاز اشک‌آور هستند.

● بیشتر کارین ژان پی‌یر سخنگوی کاخ سفید گفته بود «مسکو احتمالاً در مورد سرکوب اعتراضات به تهران مشاوره می‌دهد چرا که روسیه خود تجربه زیادی در سرکوب تظاهرات خیابانی دارد».

منابع مطلع یکشنبه شب ۴ دسامبر (۱۳ آذرماه) به کیهان لندن گزارش دادند یک فروند هواپیمای توپولف روسی متعلق به نیروی هوایی این کشور صبح شنبه ۱۲ آذرماه در فرودگاه مهرآباد تهران به زمین نشست.

این هواپیما (با شماره RFFV۹۷۱) از نوع توپولف (TU-۱۵۴M) حامل ادوات سرکوب بود و تعدادی مستشار روس مسافر آن بودند. این هواپیما شبانه تخلیه شد و عصر یکشنبه ۱۳ آذرماه تهران را به مقصد مسکو ترک کرد.

ادوات سرکوب شامل موتور، لباس ضدشورش و کلاهخود، بیسیم، سپر، شوکر برقی، اسلحه «پینت بال» و گلوله‌های ساچمه‌ای و انواع گاز اشک‌آور هستند.

در طول توقف این هواپیما و هنگام تخلیه بار محوطه فرودگاه کاملاً قرق شده بود و فقط نیروهای سپاه پاسداران و دو سه افسر ارشد نیروی انتظامی در محل حضور داشتند. با تداوم اعتراضات در ایران اواسط آبان نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت ملی روسیه به تهران آمد و با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی دیدار کرد. پیش از این مقامات آمریکایی در واکنش به احتمال همکاری روسیه و جمهوری اسلامی در سرکوب خیزش انقلابی مردم ایران واکنش نشان داده بودند.

کارین ژان پی‌یر سخنگوی کاخ سفید گفته بود «مسکو احتمالاً در مورد سرکوب اعتراضات به تهران مشاوره می‌دهد چرا که روسیه خود تجربه زیادی در سرکوب تظاهرات خیابانی دارد».

علیه معترضان را رد کرده و کشورهای غربی را متهم نموده که عامل تحریک معترضان‌اند و اعتراضات مسالمت‌آمیز آنها را به اغتشاشات خشونت‌بار تبدیل کرده‌اند.

خانواده نیکا شاکرمی یکی از آنهاست که اعلام کردند پیکر دخترشان توسط نیروهای حکومتی ربوده شد.

در گزارش ABC نیوز به ربودن پیکر رضا حقیقت‌نژاد روزنامه‌نگار مخالف جمهوری اسلامی به محض رسیدن به ایران نیز اشاره شده است. وی سال‌ها در پراگ با «رادپو فردا» همکاری می‌کرد اما پس از آنکه به دلیل بیماری درگذشت، خانواده او خواستند پیکرش به ایران منتقل شود اما در فرودگاه نیروهای امنیتی آن را ربودند!

بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری، از آغاز خیزش سراسری در ایران دست‌کم ۴۴۸ نفر از جمله ۶۰ کودک جان



اعتراضات در مهاباد

باختند. هرچند به نظر می‌رسد تعداد واقعی آنها بیشتر از اینها باشد.

برخی منابع گفته بودند حکومت پیکر مه‌رمان سماک را که در انزلی کشته شده بود نیز تحویل نمی‌دادند و برادر او به زور آن را از بیمارستان تحویل گرفته و تا صبح در اتومبیل نگهداشته و در خیابان‌ها می‌چرخیده تا به دست نیروهای امنیتی نیفتد و صبح فردا بتوانند وی را به خاک بسپارند. در این گزارش همچنین اشاره شده خانواده کیان پیرفلک نیز شبانه به دنبال یخ می‌گشتند تا پیکر بی‌جان کودک را به سردخانه منتقل نکنند.

مخالفان حکومت می‌گویند نهادهای امنیتی از هر راهی برای ترساندن مردم به عنوان «جنگ روانی» استفاده می‌کنند و هیچ حد و مرزی نمی‌شناسند.

گزارش‌های دریافتی از ایران حاکیست مقامات امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در ازای تحویل پیکر شهروندان جانباخته، وثیقه نیز دریافت می‌کنند و خانواده‌ها را زیر فشار قرار می‌دهند در صورت اطلاع‌رسانی، برگزاری مراسم پرجمعیت با حضور مردم و اعتراض و انتقاد به حکومت، وثیقه آنها توقیف و مصادره خواهد شد!

پایگاه خبری «کردپا» به نقل از یک منبع مطلع گزارش داده است «خانواده سلیمان شکری مجبور شده در مقابل پرداخت ۹۰ میلیون تومان به اطلاعات سپاه پیکر فرزندانشان را تحویل بگیرند».

به گفته این منبع مطلع، پدر سلیمان شکری فوت کرده و به دلیل وضعیت مالی نامناسب خانواده، وجه درخواستی از سوی مردم بوکان جمع‌آوری و به اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) پرداخت شده تا آنها پیکر فرزند را به خانواده تحویل دهند.

بازتاب بین‌المللی دزدیدن پیکر جانباختگان توسط جمهوری اسلامی؛

نظام می‌خواهد خاکسپاری آنها کانون اعتراض نشود ولی برعکس نتیجه می‌گیرد!

● ای‌بی‌سی نیوز گزارش داد مقامات جمهوری اسلامی متهم به دزدیدن پیکر معترضان از بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها شده‌اند تا با این کار از برگزاری مراسم خاکسپاری توسط خانواده‌ها جلوگیری کنند چرا که این مراسم به یکی از کانون‌های اعتراضات تبدیل شده است.

● خانواده‌های سوگوار می‌گویند این تاکتیک جدید حکومت اقدامی نگران‌کننده برای ترساندن مردم است.

● پایگاه خبری «کردپا» به نقل از یک منبع مطلع گزارش داد «خانواده سلیمان شکری مجبور شده در مقابل پرداخت ۹۰ میلیون تومان به اطلاعات سپاه پیکر فرزندانشان را تحویل بگیرند».

ربودن پیکر جانباختگان خیزش سراسری در ایران و یا تحویل ندادن آنها به خانواده‌های سوگوار و در مواردی دفن مخفیانه آنها توسط نیروهای امنیتی بازتاب بین‌المللی پیدا کرده است.

ای‌بی‌سی نیوز سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) گزارش داد مقامات جمهوری اسلامی متهم به دزدیدن پیکر معترضان از بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها شده‌اند. آنها با این کار تلاش می‌کنند از برگزاری مراسم خاکسپاری و گرامیداشت کشته‌شدگان توسط خانواده‌ها جلوگیری کنند چرا که این مراسم به یکی از کانون‌های اعتراضات تبدیل شده است.

خانواده‌های سوگوار می‌گویند این تاکتیک جدید حکومت اقدامی نگران‌کننده برای ترساندن مردم است.

سازمان ملل پیشتر هشدار داده بود که مقامات جمهوری اسلامی از تحویل پیکر جانباختگان خودداری کرده و یا آزادی آنها را مشروط به سکوت خانواده‌ها کرده‌اند. جمهوری اسلامی اتهامات مربوط به نقض حقوق بشر

اعزام آخوندهای شبه نظامی «داوطلب» برای همکاری با بسیجی‌ها و سپاهی‌ها در سرکوب اعتراضات مردم!



تجمع آخوندها برای تجدید بیعت با علی خامنه‌ای در

که توسط شهروندان شناسایی می‌شوند و مشخصات آنها بطور وسیع در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، سبب نگرانی این افراد و حکومت شده است. حتی ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهند آخوندها از ترس مردم در کوچه و خیابان عبا و عمامه را در می‌آورند و در کیف می‌گذارند تا با لباس معمولی در شهر تردد کنند. حالا با این طرح، آخوندها و طلبه‌ها بیش از پیش در برابر مردم قرار داده می‌شوند.

این در حالیست که تداوم اعتراضات و ترس و نگرانی از آینده حکومت به ریزش‌ها در میان مذهبی‌ها دامن زده و اساسا معلوم نیست چقدر نیرو برای مقابله با مردم «داوطلب» شود! در همین ارتباط، مدتی است که بعضی نهادهای عقیدتی و امنیتی مستقیم و غیرمستقیم برای روحانیون نیز کلاس‌های بصیرت برگزار می‌کنند!

حکومت برای مقابله با ریزش‌های داخلی در بدنه سرکوبگران نیز آخوندها و مداحان را بسیج کرده است. آنها قرار است در شهرستان‌ها برای پرسنل نیروی انتظامی و بسیجی‌ها کلاس‌های قرآن و موعظه‌های معنوی برگزار کنند تا انگیزه آنها تقویت و بصیرت انقلابی آنها قوی‌تر شود که بتوانند مردم معترض را کتک بزنند و حتی به قتل برسانند! یکی از برنامه‌های حکومت در استان‌هایی که با کمبود نیروی سرکوبگر مواجه است، تقویت ارتباط و همکاری آخوندها و نیروهای بسیج است. با اینهمه شواهد نشان می‌دهد که این نیروها نیز به شدت دچار تردید شده و شتاب ریزش آنها بیش از امکانات حکومت برای جایگزینی آنان است!

آنان است!

شماری از آخوندها و طلاب حوزه‌های علمیه در شهر قم و سایر شهرستان‌ها به صورت داوطلب برای تقویت نیروهای سرکوبگر به شهرستان‌های مختلف اعزام می‌شوند. شماری از آخوندهای داوطلب روز ۱۵ آذرماه در مراسم «تجدید بیعت با ولایت» که در حوزه علمیه قم برگزار شد با یونیرم نظامی و عمامه شرکت کردند!

حوزه علمیه قم با ادامه اعتراضات و گسترش آن به نواحی مختلف کشور حتی شهرستان و روستاهای دور دست امکان اعزام نیرو برای رژیم جهت سرکوب مردم وجود ندارد. در چنین شرایطی حکومت مجبور شده از پرسنل حراست نهادهای دولتی و کارگران داوطلب کارخانجات و آخوندها کمک بگیرد.

درباره آخوندهای شبه نظامی که قرار است به اسم تبلیغات در «ایام فاطمیه» اعزام شوند، ادعا شده است! آنها اما قرار است با گشت‌ها با مردم و «جهاد تبیین» مقابله با «اغتشاشات» و ناامنی و یا شعارنویسی و پرتاب کوکتل مولوتف به مراکز حکومتی یا مقرهای بسیج و حسینیه‌ها مقابله کنند!

در هفته‌های اخیر با گسترده‌تر شدن کارزار «عمامه‌پرانی» و پرتاب کوکتل مولوتف به سمت چندین حوزه علمیه و مراکز بسیج و دفاتر نمایندگان و ائمه جمعه و گوشمالی آخوندها در گوشه و کنار شهرهای مختلف، نگرانی از تشدید برخورد مردم با طلاب و آخوندها و وابستگان رژیم

● درباره آخوندهای شبه نظامی که قرار است به اسم تبلیغات در «ایام فاطمیه» اعزام شوند، ادعا شده است! آنها اما قرار است با گشت‌های «رضویون» برای مقابله با «اغتشاشات» و ناامنی و یا شعارنویسی و پرتاب کوکتل مولوتف به مراکز حکومتی یا مقرهای بسیج و حسینیه‌ها مقابله کنند!

● در هفته‌های اخیر با گسترده‌تر شدن کارزار «عمامه‌پرانی» و پرتاب کوکتل مولوتف به سمت چندین حوزه علمیه و مراکز بسیج و دفاتر نمایندگان و ائمه جمعه و گوشمالی آخوندها در گوشه و کنار شهرهای مختلف، نگرانی از تشدید برخورد مردم با طلاب و آخوندها و وابستگان رژیم که توسط شهروندان شناسایی می‌شوند و مشخصات آنها بطور وسیع در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، سبب نگرانی این افراد و حکومت شده است.

● تداوم اعتراضات و ترس و نگرانی از آینده حکومت به ریزش‌ها در میان مذهبی‌ها دامن زده و اساسا معلوم نیست چقدر نیرو برای مقابله با مردم «داوطلب» شود! در همین ارتباط، مدتی است که بعضی نهادهای عقیدتی و امنیتی مستقیم و غیرمستقیم برای روحانیون نیز کلاس‌های بصیرت برگزار می‌کنند!

● یکی از برنامه‌های حکومت در استان‌هایی که با کمبود نیروی سرکوبگر مواجه است، تقویت ارتباط و همکاری آخوندها و نیروهای بسیج است. با اینهمه شواهد نشان می‌دهد که این نیروها نیز به شدت دچار تردید شده و شتاب ریزش آنها بیش از امکانات حکومت برای جایگزینی

شیوه جدید سرکوب

دانشجویان؛

گروگانگیری مدرک تحصیلی و

افزایش ۱۰ برابری هزینه برای

دریافت مدرکی که متعلق به

خود دانشجویان است!



تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، آبان ۱۴۰۱

در این متن با بیان اینکه «به نظر می رسد در حوزه آموزش در مقایسه با دیگر حوزه‌ها در کشور، می‌توان امید بیشتری به کمک گرفتن از سازوکارهای رسمی و صنفی برای به نتیجه رساندن مطالبه خود به دور از جدال‌های سیاسی و قدرت داشت» آمده که «در شرایط حال حاضر کشور، بخشی از مسئولین عالی رتبه به هیچ عنوان به دنبال ایجاد بحران و التهاب جدید در سطح جامعه به خصوص در قشر دانشجویی نیستند و در صورتی که متوجه حساسیت و اهمیت موضوع برای دانشجویان شوند، می‌توان امیدوار بود که مدیران مربوط را وادار به لغو این تصمیم که بیش از پیش موجب برانگیختن خشم و ایجاد موجی از یأس و ناامیدی در بین جوانان می‌شود، کنند.»

در بخش دیگر نیز آمده که «شاید بزرگترین تهدید ابلاغ چنین مصوبه‌ای را بتوان نهادینه شدن رویه شوم و نامبارک نادیده‌انگاری اصول اولیه حقوقی و اخلاقی از جمله امکان پیش‌بینی‌پذیری آینده برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانست، به گونه‌ای که اگر وزارتخانه برای جبران کمبود بودجه رو به چنین کاری بیاورد، با این استدلال که افزایش هزینه‌های دانشگاه‌ها فراتر از نرخ تورم است هر ساله باید شاهد افزایش نجومی این هزینه‌ها باشیم.»

هرچند دانشجویان امیدوارند بتوانند دولت را وادار به عقب‌نشینی از این ابلاغیه کنند اما به نظر می‌رسد گروگانگیری مدرک تحصیلی در ادامه دیگر تصمیم‌های جمهوری اسلامی برای محدود ساختن دانشجویان گرفته شده است. چند روز پیش از این ابلاغیه نیز آیین‌نامه انضباطی جدیدی صادر شده که بر اساس آن مجازات‌هایی برای فعالیت دانشجویان در دانشگاه، خارج از دانشگاه و حتی فضای مجازی تعیین شده است.

پیش از این نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را در دستور کار قرار دادند که بر اساس آن دانشجویان معترض که در ارزیابی نمایندگان مجلس شورای اسلامی «هنجارشکن» شناخته شده‌اند به ۱۰ سال ممنوع‌الخروجی از کشور محکوم شوند. یکی دیگر از مجازات‌های در نظر گرفته برای دانشجویان اینست که کل شهریه دوره تحصیل را یکجا پرداخت کنند وگرنه اخراج می‌شوند.

اینهمه نشان می‌دهد پایداری دانشجویان و همراهی آنها با خیزش ملی آزادیخواهی علیه جمهوری اسلامی، سبب وضع قوانینی شده که آنها را ترغیب به ترک تحصیل و خروج از کشور کند!

جنبش دانشجویی طی دو ماه و نیم گذشته با



غیرممکن می‌کند. بر اساس این ابلاغیه هزینه دریافت مدرک برای هر ترم تحصیلی در مقطع کارشناسی و کاردانی رشته‌های علوم انسانی بیش از پنج میلیون و ۹۷۴ هزار تومان است. اگر دانشجو مدرک کارشناسی خود را طی هشت ترم گرفته باشد، برای دریافت مدرکی که متعلق به خودش است باید حدود ۴۸ میلیون تومان پرداخت کند!

همچنین این رقم برای دریافت مدرک در مقطع کارشناسی ارشد علوم انسانی برای هر ترم ۱۰ میلیون و ۶۸۰ هزار تومان و در مقطع دکترا تخصصی علوم انسانی ۱۷ میلیون و ۴۷۱ هزار تومان اعلام شده است. با این تعرفه یعنی برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد حدود ۶۵ میلیون و برای دکترا حدود ۱۰۰ تا ۱۷۰ میلیون پرداخت کرد!

این ارقام برای رشته‌های علوم پایه، فنی و پزشکی به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. علی شریفی زارچی استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی بیوانفورماتیک و هوش مصنوعی دانشگاه صنعتی «شریف» در واکنش به این ابلاغیه در حساب توئیترش نوشته که «سازمان امور دانشجویان ظرف یک روز هزینه آزاد کردن مدرک دانشگاه را چند برابر کرد و این افزایش را به دانشجویان فعلی هم تعمیم داد. به عبارت دیگر، از دانش‌آموزان و دانشجویان صمیمانه تقاضا کرده قید تحصیل در ایران را از همان ابتدا بزنند و راهی دانشگاه‌های خارج کشور شوند.» او در ادامه اشاره کرد که بر اساس این ابلاغیه «مثلا دانش‌آموخته دکتری رشته فنی باید حدود ۲۰۰ میلیون تومان بدهد تا مدرک خود را آزاد کند، رقمی که ۴ سال دیگر ممکن است چند برابر شود.»

افزایش قیمت دریافت مدرک تحصیلی با اعتراضات گسترده دانشجویان روبرو شده و به سرعت کمپینی برای اعلام مخالفت با این ابلاغیه تشکیل شده است. کانال تلگرامی این کمپین که بیش از ۱۷ هزار و ۱۴۰ عضو را در کمتر از سه روز با خود همراه کرده، توماری جهت امضا در دسترس دانشجویان قرار داده است.

در متن این تومار آمده که «ما بنا داریم با استفاده از سازوکارهای مدنی و رسانه‌ای ممکن در داخل کشور تلاش کنیم وزارتخانه را ملزم به عقب‌نشینی از این تصمیم و بازگشت به شرایط گذشته کنیم و در آینده اگر بنا به تغییری در جداول هزینه باشد، ضمن اطلاع رسانی به موقع و نه ناگهانی، هزینه‌های جدید با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی جامعه و توان مالی همه دانشجویان باشد.»

این ابلاغیه در عمل برنامه دانشجویانی را که قصد داشتند برای تحصیلات تکمیلی به خارج کشور بروند با مشکل جدی روبرو خواهد کرد.

به سرعت کمپینی برای اعلام مخالفت با این ابلاغیه تشکیل شده و کانال تلگرامی این کمپین بیش از ۱۷ هزار و ۱۴۰ عضو را در کمتر از سه روز با خود همراه کرده است.

به نظر می‌رسد گروگانگیری مدرک تحصیلی در ادامه دیگر تصمیم‌های جمهوری اسلامی برای محدود ساختن دانشجویان گرفته شده است.

اما همه این سرکوب‌ها نتوانسته دانشجویان را از اعتراضات و اعتصاب در دانشگاه بازدارد و همچنان دانشگاه‌های مختلف کشور شاهد اعتراضات گسترده دانشجویی است.

هزینه دریافت یا «آزادسازی» مدرک تحصیلی برای دانشجویان در ایران از شش تا ده برابر نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. این اقدام که شیوه جدیدی برای سرکوب دانشجویان است با اعتراض گسترده روبرو شده است.

وزارت علوم در ابلاغیه‌ای جدید و عجیب اقدام به افزایش ۶ تا ۱۰ برابری هزینه به اصطلاح «آزادسازی» مدرک تحصیلی دانشجویان کرده است. این ابلاغیه در عمل برنامه دانشجویانی را که قصد داشتند برای تحصیلات تکمیلی به خارج کشور بروند با مشکل جدی روبرو خواهد کرد.

بر اساس این ابلاغیه که به امضای هاشم داداش‌پور رئیس سازمان دانشجویان وزارت علوم رسیده، اگر دانشجویی پس از پایان مقطع تحصیلی در داخل کشور قصد ادامه تحصیل در دانشگاه‌های خارج از کشور را داشته باشد باید برای «آزادسازی مدرک تحصیلی» خود هزینه سنگینی را به وزارت علوم بپردازد تا مدرک تحصیلی او آزاد شود!

در همین رابطه وبسایت تجارت نیوز نوشته «حالا دانشجویانی که قصد مهاجرت دارند، علاوه بر تحمل سختی‌های اقتصادی و غیراقتصادی مهاجرت، باید هزینه گزافی را هم برای گرفتن مدرک تحصیلی» به وزارت علوم پرداخت کنند.

در ابلاغیه وزارت علوم هزینه «آزادسازی مدرک تحصیلی» برای دانشجویان با توجه به منطقه و رشته آنها متفاوت است، اما سطح مبالغ تعیین‌شده در همه مناطق کشور و همه رشته‌های تحصیلی چشم‌پوشی قابل توجهی داشته که در عمل دریافت مدارک را برای بسیاری از دانشجویان

دانشجویان ایرانی و غیرایرانی در دهه‌ها دانشگاه جهان؛ همبستگی با مردم و انقلاب ایران



بازداشت‌شدگان تا پایان پنجم آذر ۱۸۲۰۶ نفر اعلام شده که حدود ۶۰۰ دانشجو در میان آنها شناسایی شده است. همچنین شماری از جانب‌اختگان اعتراضات سراسری دانشجو بوده‌اند؛ از جمله آیلار حقی دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه تبریز، محمدحسن ترکمان دانشجوی مدیریت بازرگانی دانشگاه بابل و حمیدرضا روحی دانشجوی مهندس عمران دانشگاه «شهر قدس» تهران.

جنبش دانشجویی ایران که بیش از دو دهه توسط جریان اصلاح‌طلب برای پیشبرد اهداف این جناح حکومتی مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت، در سال‌های اخیر تحول یافت و از جنبشی در خدمت حکومت به جنبشی مخالف با نظام تبدیل شد. دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراضات سراسری دی ۹۶ تجمعاتی برگزار کردند و شعار معروف و تاریخی «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» را سر دادند.

دانشجویان همچنین در خیزش ملی هفته‌های گذشته که با جان باخت مهسا امینی جوان ۲۲ ساله به دست مأموران گشت ارشاد آغاز شده، نیز بار مهمی از این خیزش انقلابی را بر دوش کشیده‌اند. آنها در بیش از ۱۴۳ دانشگاه کشور تجمع و تحصن برگزار کردند.

سرکوب دانشجویان به یکی از محورهای اقدامات نیروهای امنیتی، قضایی و لباس‌شخصی‌ها تبدیل شده است. بخشی از این سرکوب سازمان‌یافته نیز با تعلق و توبیخ دانشجویان از سوی حراست و کمیته انضباطی پیش می‌رود. اینهمه در حالیست که دانشجویان از پایداری خود برای پیشبرد انقلاب ملی کوتاه نیامده و پی در پی با صدور بیانیه‌هایی بر ایستادگی تا رسیدن به اهدافشان تأکید می‌کنند.

در یکی از تازه‌ترین برنامه‌ریزی‌ها برای سرکوب دانشجویان، رسول جلیلی رئیس دانشگاه صنعتی «شریف» تهران اعلام کرده که کارکنان حراست این دانشگاه با جذب نیرو از یک شرکت امنیتی خصوصی افزایش پیدا کرده‌اند. رسول جلیلی در یک جلسه با موضوع «حال این روزهای دانشگاه صنعتی شریف» با بیان این خبر گفته که «ورود هرگونه اطلاعات به کمیته انضباطی باید از کانال حراست دانشگاه باشد.»

او با تأکید بر اینکه «تلاش می‌کنیم آرامش را هرچه زودتر به شریف برگردانیم»، گفته «برای این منظور تعدادی نیروی موقت به حراست دانشگاه اضافه شده است که البته این نیروها از طریق فراخوان جذب نشده‌اند و صرفاً از طریق یک شرکت، تأمین نیرو کرده‌ایم و این افراد تحت نظارت حراست دانشگاه فعالیت می‌کنند.»

برنامه‌هایی بود که در دانشگاه‌های شهرهای مختلف برگزار شد. دانشجویان با سر دادن شعارهایی چون «زن، زندگی، آزادی» و خواندن ترانه‌های اعتراضی که در سه ماه گذشته برای انقلاب ایران ساخته شده، با مردم درون کشور همراهی کردند. در برخی از این برنامه‌ها، دانشجویان نام و عکس کشته‌شدگان اعتراضات سراسری به‌ویژه کودکان جانب‌اخته را به نمایش گذاشتند تا درباره سرکوب خشونت‌بار و کودک‌کشی از سوی جمهوری اسلامی اطلاع‌رسانی شود. یکی دیگر از محورهایی که در این برنامه‌ها مورد توجه قرار گرفت اطلاع‌رسانی درباره صدها دانشجوی بازداشت‌شده در ایران بود.

این برنامه‌ها در پاسخ به فراخوانی برگزار شد که بیشتر در قالب امضای بیانیه از سوی شماری از دانشگاهیان ایرانی تبار با نام «دانش‌پژوهان طرفدار آزادی» از بیش از ۱۵۰ دانشگاه سراسر دنیا منتشر شده بود. امضاکندگان این بیانیه نوشته بودند با گردهمایی در دانشگاه‌ها، اتحاد و حمایت خود را از مردم آزادخواه ایران اعلام خواهند کرد.

در متن بیانیه آمده که شعار «زن زندگی آزادی»، پاسخ مردم ایران در ۷۵ روز گذشته به نقض غیرقابل تصور حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

آنها همچنین با تأکید بر حضور گسترده و پرشمار دانش‌آموزان و دانشجویان در این اعتراضات و سرکوب مرگبار این گروه از نوجوانان و جوانان ایرانی و اخراج اساتید از دانشگاه‌ها به‌دلیل حمایت از دانشجویان خود، درباره لزوم اعلام حمایت جامعه دانشگاهی از این شجاعت نوشته‌اند: «مانویسندگان و امضاکندگان این بیانیه از جامعه دانشگاهی می‌خواهیم که صدای همبستگی خود را با ایرانیان بلند کنند. دانشگاه‌ها در طول تاریخ نقش مهمی در مبارزه با رژیم‌های ظالم در سراسر جهان داشته‌اند. جنبش‌هایی مانند گرین‌پبور در سال ۱۹۶۰، جنبش دانشجویی فرانسه در سال ۱۹۶۸ و دانشگاه برکلی کالیفرنیا در سال ۱۹۸۵ به قدرت و تأثیر صدای واحد جامعه علمی و دانشگاهی شناخته می‌شوند.»

امضاکندگان این بیانیه در ادامه تأکید کرده‌اند: «وحدت صدای دانشگاهیان و استفاده از جایگاهی که ما به عنوان دانشگاهیان در اختیار داریم برای ترویج ارزش‌های دموکراتیک بر تعاملات جهان با ایران تأثیر می‌گذارد و جهان را به سوی صلح و برابری پیش می‌برد.»

بر اساس آخرین گزارش‌ها از ۲۶ شهریور تا دهم آذر ۴۶۲ نفر در اعتراضات ایران جان خود را از دست داده‌اند که ۶۴ نفر از آنها کمتر از ۱۸ سال سن داشتند. تعداد

● دانشجویان در دهه‌ها شهر جهان با سر دادن شعارهایی چون «زن، زندگی، آزادی» و خواندن ترانه‌های اعتراضی که در سه ماه گذشته برای انقلاب ایران ساخته شده، با مردم درون کشور همراهی کردند.

● یکی دیگر از محورهایی که در این برنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته بود اطلاع‌رسانی درباره صدها دانشجوی بازداشت‌شده در ایران بود.

● جنبش دانشجویی ایران که بیش از دو دهه برای پیشبرد اهداف جریان اصلاح‌طلب مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت، در هفته‌های گذشته بار بزرگی از پیشبرد انقلاب ملی را بر دوش گرفته است.

در سومین ماه از انقلاب ایران و در حالی که جنبش دانشجویی در داخل کشور بار مهمی از پیشبرد انقلاب ملی را بر دوش می‌کشد، صدها دانشجو، پژوهشگر و استاد دانشگاه در شهرهای مختلف جهان بطور همزمان با برگزاری نشست و تجمع از مردم و انقلاب ایران حمایت کردند. شماری از دانشگاهیان ایرانی‌تبار با نام «دانش‌پژوهان طرفدار آزادی» از بیش از ۱۵۰ دانشگاه سراسر دنیا پیشتر با امضای توماری فراخوان برگزاری برنامه سراسری در دانشگاه‌های جهان را داده بودند.

دانشجویان ایرانی و غیرایرانی روز چهارشنبه، نهم آذر ۱۴۰۱، به شکل همزمان در بیش از ۱۵۰ دانشگاه جهان برای حمایت از اعتراضات سراسری مردم در داخل ایران، برنامه‌های مختلفی برگزار کردند. برگزاری نشست، تجمع، نمایش از جمله

➔ فعالیت فراگیر در بیش از ۱۴۰ دانشگاه کشور توانسته نقش برجسته‌ای در پیشبرد خیزش انقلابی مردم ایفا کند. حدود ۶۰۰ دانشجو در این فاصله بازداشت شدند و هزاران دانشجو توسط نهادهای امنیتی و حراست دانشگاه احضار و تهدید شدند. همچنین حکم ممنوع‌الورود شدن دانشجویان به دانشگاه و تعلیق از یک ترم تحصیلی نیز برای دانشجویان زیادی اتفاق افتاده است.

شماری از جانب‌اختگان اعتراضات سراسری نیز دانشجو بوده‌اند از جمله آیلار حقی دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه تبریز، محمدحسن ترکمان دانشجوی مدیریت بازرگانی دانشگاه بابل و حمیدرضا روحی دانشجوی مهندس عمران دانشگاه «شهر قدس» تهران.

اما همه این سرکوب‌ها نتوانسته دانشجویان را از اعتراضات و اعتصاب در دانشگاه بازدارد و همچنان دانشگاه‌های مختلف کشور شاهد اعتراضات گسترده دانشجویی است.

قاتلان مردم «کمیته حقیقت‌یاب» تشکیل دادند!

وزیر کشور جمهوری اسلامی: طبیعتاً در کمیته حقیقت‌یاب ما «اغتشاشگران» نماینده ندارند!



تظاهرات ضدحکومتی در تهران

وحیدی در پاسخ به این پرسش که در کمیته حقیقت‌یاب آیا احزاب و جریان‌های سیاسی حضور دارند نیز عنوان کرد: «خیر، بحث سیاسی نیست، بلکه بحث اغتشاشی بوده که ما باید بر اساس آن ریشه‌ها، عوامل موثر و بازیگران این صحنه را پیدا کنیم بنابراین دستگاه‌هایی که در این کار صاحب نقش هستند، در این کمیته حضور دارند!»

مقامات ارشد جمهوری اسلامی سرکوب‌خشن و مرگبار مردم توسط نیروهای امنیتی را انکار می‌کنند و در این هفته‌ها حتی یک مورد مسئولیت کشته شدن معترضان را قبول نکرده‌اند و مدام با دروغ و تبلیغ انگشت اتهام را به سوی «عوامل تروریست» و «داعشی‌ها» و «مزدوران خارجی» دراز می‌کند.

با اینهمه مردم خود را برای ادامه اعتراضات و اعتصابات در روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ آذرماه در سراسر کشور آماده می‌کنند و فراخوان‌هایی در این مورد از روزهای قبل منتشر شده که بازتاب بین‌المللی داشته و از جمله خبرگزاری رویترز به آن پرداخته است. این موضوع حکومت را به شدت نگران کرده است. در همین ارتباط شورای امنیت جمهوری اسلامی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد «با هرگونه تجمع غیرقانونی برخورد می‌شود» و «نهادهای امنیتی و اطلاعاتی اجازه نخواهند داد تا عده‌ای آشوبگر بیش از این امنیت عمومی جامعه را به خطر بیندازند و لذا با هرگونه اختلال در نظم عمومی و تجمع غیرقانونی در هر سطحی و مکانی برخورد قاطع و بدون اغماض صورت خواهد گرفت.»

در بیانیه شورای امنیت جمهوری اسلامی همچنین آمده «دشمن تغییر فاز داده و از فشار حداکثری به جنگ ترکیبی روی آورده است.» جمهوری اسلامی از مردم به عنوان «دشمن» نام می‌برد و اعتراضات آنها را به نیروهای خارجی نسبت می‌دهد.

آمار حساب شده‌اند!

موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با اشاره به انتشار اخباری مبنی بر صدور حکم اعدام برای بازداشتی‌ها از جمله جوانان زیر ۱۸ سال یا کشته شدن معترضان گفته «اخباری که در فضای مجازی منتشر می‌شود باید «اصل را بگذاریم بر اینکه دروغ است مگر اینکه در ادامه نهادهای امنیتی و قضایی حقیقت یک مسئله‌ای را اعلام کنند!»

این نماینده یکشنبه ۱۳ آذرماه به این‌ها گفته «از تعداد افراد بازداشت شده هیچ آمار نداریم!» این دروغ و انکار بسیار نگران‌کننده است زیرا علاوه بر نهادهای سرکوبگر از جمله نیروی انتظامی و نیروهای سپاه و بسیج که یونیفورم به تن دارند، لباس شخصی‌ها که مشخص نیست مربوط به کدام ارگان‌اند مردم را در خیابان‌ها می‌ربایند و حتی معلوم نیست شهروندان را به کجا منتقل می‌کنند!

در این میان، بعد از آنکه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تشکیل «کمیته حقیقت‌یاب» در مورد سرکوب‌ها در ایران را تصویب کرد جمهوری اسلامی اعلام کرد اجازه فعالیت چنین کمیته‌ای را در کشور نخواهد داد! قاتلان مردم گفتند «خودمان کمیته حقیقت‌یاب تشکیل می‌دهیم.»

در همین ارتباط، خبرنگار خبرگزاری ایلنا از سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی پرسیده چه کسانی در این کمیته حضور دارند و آیا از معترضان هم نماینده‌ای در آن هست؟ که او پاسخ داده «معترضان در واقع نماینده خاصی ندارند، به اضافه اینکه در حال حاضر عمدتاً و بیشتر با اغتشاش مواجه بودیم تا اعتراض؛ اتفاقاً اغتشاشگران نگذاشتند اگر کسانی هم حرف منطقی دارند، بتوانند حرف منطقی‌شان را بزنند لذا طبیعتاً اغتشاشگران نمی‌توانند نماینده خاصی داشته باشند!»

● موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی: باید اصل را بگذاریم که اخبار فضای مجازی دروغ است مگر اینکه در ادامه نهادهای امنیتی و قضایی حقیقت یک مسئله را اعلام کنند!

● غضنفرآبادی گفته از «تعداد افراد بازداشت شده هیچ آمار نداریم!» انکار و دروغ درباره این موضوع بسیار نگران‌کننده است زیرا علاوه بر نهادهای سرکوبگر از جمله نیروی انتظامی و نیروهای سپاه و بسیج که یونیفورم به تن دارند، لباس شخصی‌ها که مشخص نیست مربوط به کدام ارگان‌اند مردم را در خیابان‌ها می‌ربایند و حتی معلوم نیست شهروندان را به کجا منتقل می‌کنند.

● خبرنگار ایلنا از سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی پرسیده چه کسانی در کمیته حقیقت‌یاب حکومت حضور دارند و آیا از معترضان هم نماینده‌ای در آن هست؟! او پاسخ داده «معترضان در واقع نماینده خاصی ندارند، به اضافه اینکه در حال حاضر عمدتاً و بیشتر با اغتشاش مواجه بودیم تا اعتراض!»

● اینهمه در حالیست که مردم خود را برای ادامه اعتراضات و اعتصابات در روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ آذرماه در سراسر کشور آماده می‌کنند و فراخوان‌هایی در این مورد از روزهای قبل منتشر شده که بازتاب بین‌المللی نیز داشته و از جمله خبرگزاری رویترز به آن پرداخته و همین حکومت را بیش از پیش نگران کرده است.

با گذشت نزدیک به سه ماه از آغاز خیزش سراسری در ایران نهادها و مقامات مسئول هیچ آمار دقیقی از تعداد شهروندان دستگیرشده اعلام نکرده‌اند. این در حالیست که حتی شورای امنیت جمهوری اسلامی نیز تعداد کشته‌شدگان را ۲۰۰ نفر اعلام کرده و در بیانیه‌ای مدعی شده نیروهای امنیتی که در جریان سرکوب‌ها کشته شدند نیز در همین

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

قضایی و حتی صدور احکام اعدام برای معترضان نتوانسته آنها را به خانه براند، همچنان در حال فرافکنی و بیان ادعاهای غیرواقعی هستند.

این در حالیست که عبور از دعوای زرگری و نمایشی از سوی جناحین و دیدارهای مقامات و چهره‌های جناحین مختلف حکومتی نشان می‌دهد، دست‌کم بخش قابل توجهی از مقامات، نظام را لبه پرتگاه سقوط دیده و برای نجات نظام فساد و غارت خود علیه مردم به تکاپو افتاده‌اند.

در همین ارتباط آذر منصوری دبیرکل حزب حکومتی و اصلاح طلب «اتحاد ملت ایران» از دیداری با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی در روز یکشنبه ۱۳ آذرماه خبر داده است. او در یادداشتی که در وبسایت «امتداد» منتشر شده گفته راهکارهایی از جمله آزادی

جناحین نظام به دنبال ترفندهای تکراری برای پایان اعتراضات؛ مردم ایران در حال انقلاب علیه جمهوری اسلامی



تظاهرات ضدحکومتی در تهران؛ منبع: AFP

معترضان، اصلاح قانون اساسی، تشکیل مجلس مؤسسان و... را برای عبور از بحران کنونی و «اصلاح حکمرانی» با او در میان گذاشته است.

آذر منصوری گفته این نشست با حضور شماری از فعالان سیاسی و به دعوت دفتر دبیر شورای عالی امنیت نظم انجام شده و سه راهکار «کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت» با هدف پر کردن شکاف‌ها میان حاکمیت و مردم ارائه شده است، از جمله پذیرش خطاها از سوی حکومت و گفتگو با مردم به عنوان نخستین قدم در روند بهبود اوضاع حاکم به دبیر شورای عالی امنیت ارائه شده است.

دبیرکل این حزب حکومتی افزوده که در پایان نیز مسئله اصلاح قانون اساسی و «کاهش عواملی که حقوق ملت را تضعیف می‌کند» به عنوان «راهکار سوم و بلندمدت» با علی شمخانی در میان گذاشته شده و «تشکیل مجلس مؤسسان» در این شرایط را راهگشا دانسته است.

این فعال سیاسی توضیح نداده که اگر منظور از این پیشنهادات ایجاد اصلاحاتی در ساختار جمهوری اسلامی است، منظور از «مجلس مؤسسان» چیست و بال اصلاح‌طلب نظام به دنبال تأسیس چه چیزی در درون جمهوری اسلامی است! تلاش‌ها و ترفندهای جناحین حکومت در حالیست که مردم برای برگزاری ادامه اعتراضات و اعتصابات آماده شده و شعارهای آنها نشان می‌دهد که «مطالبه اقتصادی» خود را زیر تغییرات ساختاری طبقه‌بندی کرده‌اند: فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی! مردم به دنبال پروژه اصلاحات که بیش از دو دهه بنیهی ملت و مملکت را بر باد داد نیستند بلکه عزم خود را برای برانداختن این نظام که علت همه مشکلات و بحران‌ها و خیانت‌ها و جنایت‌ها در کشور است جزم کرده‌اند.

شده، مقررات مربوط به حجاب اجباری است. در حالی که روز یکشنبه دادستان کل کشور مدعی شد گشت ارشاد تعطیل شده اما همزمان تأکید کرد که قوه قضاییه به برخورد با مورد حجاب ادامه خواهد داد.

برخی دیگر نیز موضوع فرارندوم را مطرح کردند. محمد دهقان معاون حقوقی ابراهیم رئیسی در واکنش به طرح موضوع فرارندوم گفت که «اگر روزی بحث فرارندوم اقتضا شود، با نظر رهبر انقلاب و تصویب دو سوم نمایندگان هر موضوعی در کشور قابل پیگیری است. اما در زمان اغتشاش که دشمنان پیگیری موضوعی هستند مطرح کردن برخی از مسائل شاید به صلاح کشور نباشد هرگونه تغییر در مسائل کشور باید در یک زمان با ثبات و آرامش صورت گیرد.»

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز روز شنبه و یک روز پیش از برگزاری نشست مشترک با مقامات ارشد نظام در سخنانی متناقض تأکید کرده بود که «قانون اساسی ما اصولی ثابت و غیرقابل تغییر دارد و هیچ بن‌بستی در آن وجود ندارد!»

محمدباقر قالیباف همچنین تأکید کرده که «هیچ سندی معتبرتر از قانون اساسی در کشور نداریم!» وی افزود: «در بحث حکمرانی نو، تمرکز ما باید بر اجرای قانون اساسی باشد نه تغییر مفاد آن!» قانون اساسی جمهوری اسلامی حاکمیت را به آسمان و «الله» وصل می‌کند و علاوه بر اینکه اصل ولایت مطلقه فقیه در آن تضمین شده و حاکمان را پاسخگو در برابر مردم می‌داند بلکه در اصلی دیگر هم نظام و هم خود این قانون را «تغییرناپذیر» دانسته است!

مقامات جمهوری اسلامی حتی در شرایطی که خیزش مردم وارد مرحله انقلابی شده و سرکوب گسترده مسلحانه و

● سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفته هم نمایندگان دولت و هم نمایندگان مجلس معتقدند بهترین راه برای مقابله با اغتشاشات و برقراری ثبات در کشور توجه به مسئله اقتصادی و رفع دغدغه‌های معیشتی مردم است!

● در دیدار اصلاح‌طلبان با شمخانی راهکارهایی از جمله آزادی معترضان، اصلاح قانون اساسی، تشکیل مجلس مؤسسان و... برای عبور از بحران کنونی و «اصلاح حکمرانی» مطرح شده است!

● محمدباقر قالیباف گفته که «هیچ سندی معتبرتر از قانون اساسی در کشور نداریم!» وی افزود: «در بحث حکمرانی نو، تمرکز ما باید بر اجرای قانون اساسی باشد نه تغییر مفاد آن!»

در سومین ماه از انقلاب ملی، رئیس قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی با اعلام اینکه هیچ تغییری در قانون اساسی ایجاد نمی‌شود ادعا کردند مردم ایران در پی «مطالبات اقتصادی» هستند. پیشتر برخی چهره‌های نظام ایجاد تغییراتی در قانون اساسی را به عنوان «راهکار» و در واقع ترفندی برای خاموش کردن اعتراضات سراسری در کشور پیشنهاد کرده بودند. تغییر قانون اساسی بارها از جمله در زمان محمد خاتمی هم مطرح شد ولی خود وی بعداً آن را «خیانت» نامید!

در حالی که فراخوان‌های گسترده‌ای برای اعتراضات و اعتصابات سه روزه از ۱۴ تا ۱۶ آذرماه منتشر شده و صدها نفر طی سه ماه گذشته جان باخته و هزاران نفر زخمی و بیش از ۱۸ هزار نفر بازداشت شده‌اند، نشست مشترکی میان دولت‌مردان ابراهیم رئیسی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با اعتراضات برگزار شده است.

این نشست روز یکشنبه ۱۳ آذرماه ۱۴۰۱ و پشت درهای بسته برگزار شد اما اظهارات یکی از نمایندگان مجلس اسلامی نشان می‌دهد مقامات قوه مجریه و مقننه جمهوری اسلامی با گذشت ۱۱ هفته از اعتراضات معتقدند و چه بسا وانمود می‌کنند و یا مایل‌اند باور کنند که «مطالبات اقتصادی» مردم را به خیابان کشانده است!

نظام‌الدین موسوی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی پس از این نشست به خبرنگاران گفته در این جلسه علاوه بر رؤسای قوای مجریه و مقننه، وزرای اطلاعات، صنعت، معدن و تجارت و رئیس سازمان برنامه و بودجه از طرف دولت و رؤسای کمیسیون فرهنگی، برنامه و بودجه و شش نماینده نیز از طرف مجلس سخنرانی کردند.

نظام‌الدین موسوی گفته در این نشست موضوعاتی چون بودجه ۱۴۰۲ و برنامه هفتم توسعه مورد بحث قرار گرفته و بخشی از آن نیز به خیزش ملی مرتبط بوده که موسوی آن را «اغتشاشات» خوانده است. او گفته که «هم نمایندگان دولت و هم نمایندگان مجلس تأکید کردند که بهترین راه برای مقابله با اغتشاشات و برقراری ثبات در کشور توجه به مسئله اقتصادی و رفع دغدغه‌های معیشتی مردم است.»

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی افزوده که «همچنین حاضران تأکید کردند که دشمن در جنگ ترکیبی گسترده علیه جمهوری اسلامی تا حدود زیادی شکست خورد و با بی‌توجهی قاطبه مردم مواجه شد، اما این به آن معنی نیست که در کشور اعتراض از وضع موجود وجود ندارد و مردم ضمن اعتقاد به نظام گلایه‌های بحق از وضعیت اقتصادی کشور دارند.»

در حالی درک و فهم نمایندگان مجلس و دولت‌مردان رئیسی از خیزش مردم در سه ماهه گذشته صرفاً «مطالبات اقتصادی» است که طی روزهای اخیر از سوی برخی مقامات کنونی و پیشین جمهوری اسلامی بحث تغییر در قانون اساسی به عنوان «راهکار» جهت به خانه راندن مردم و پایان اعتراضات مطرح شده است. یکی از قوانینی که درباره تغییرات آن اظهاراتی

اصل «مساعی لازم» و قصور عامدانه‌ی جمهوری اسلامی در انجام

تعهدات بین‌المللی (بخش دو)



کیهان لندن kayhan.london ©

عنوان بخش غیرقابل انفکاک حقوق بین‌الملل عمومی، سعی و اهتمام لازم برای تعهدات بر همه قواعد و قوانین ملی پیشی می‌گیرد. یک مثال می‌تواند این موضوع را بهتر توضیح دهد. به فرض یک دولت با داعیه اسلامی بودن قوانین و سیستم حقوقی و سیاسی خود نمی‌تواند کوتاهی در انجام سعی و مراقبت لازم برای تعهدات بین‌المللی خود را توجیه نماید. باید یادآوری کرد که گسترش مفهوم اهتمام لازم نه تنها با بسط قواعد حقوق بین‌الملل ملازمه داشته بلکه ریشه‌های فلسفی عمیق و قابل توجهی نیز می‌تواند برای آن توضیح داد. به موجب اندیشه فلسفی لیبرال، حیطه‌های برخورداری از آزادی در به رسمیت شناختن و احترام به آزادی‌های دیگران و خودداری از ایجاد اذیت و آسیب برای یکدیگر تعریف می‌شود. این جنبه اهتمام لازم در مواردی توسط دیوان‌های بین‌المللی تصدیق شده است. مثال در قضیه شرکت محصولات کشاورزی آسیا علیه سریلانکا، مرکز بین‌المللی حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری اعلام داشت که تعهدات مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاری‌های داخلی به این دلیل مهم است که مانع از ایجاد آسیب برای دیگران می‌شود. مزایای این مفاهیم لیبرال به ساده‌ترین شکل ممکن در این تفکر خلاصه شود که با انجام دقت و مراقبت ضروری و لازم برای تعهدات متقابل، می‌توان میزان بهره‌گرفتن از همکاری با یکدیگر را افزایش داد، از هزینه‌ها کاست، و تصویری از زندگی صلح‌آمیز ترسیم نمود که با پایداری نیز همخوانی داشته باشد. بنابراین اهتمام لازم، همانگونه که پیشتر توضیح داده شد، هم نوعی تعهد است و هم محدودیت ←

در پیگرد قانونی خلافکاران نیز باید حساب پس دهند. هر دو بعد این مسئولیت و حساب پس دادن، در تعهد دولت به عنوان یک عضو دارای حق حاکمیت در نظام بین‌المللی ریشه دارد. البته این مسئولیت به اقدامات غیرقانونی فرد خلافکار مربوط نیست، بلکه به دلیل قصور دولت در انجام مراقبت لازم در انجام تعهدات خود معنی پیدا می‌کند. این وظیفه دولت برای اتخاذ مراقبت و اهتمام لازم در تعهدات بین‌المللی، بنابراین هم در برگزیده تعهدی حقوقی است و هم نوعی محدودیت به اقدامات حاکمیتی دولت‌ها برای احترام گذاشتن به قواعد و هنجارهای مورد قبول رفتار بین‌المللی، به ویژه آن قواعدی است که در حقوق بین‌الملل قراردادی مانند منشور ملل متحد بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است. بنابراین هرچند دولت‌ها از حق حاکمیت برابر به موجب حقوق بین‌الملل برخوردارند، به همان میزان متعهد به برقراری سعی و مراقبت لازم هم نسبت به تعهدات خود و هم احترام به قواعد بین‌المللی‌اند. این دو بعد تعهد حقوقی و محدودیت به حاکمیت دو رکن اصلی مفهوم اهتمام لازم را شکل می‌بخشند.

بطور طبیعی پیچیده‌تر شدن روابط بین‌الملل و مراودات میان کشورها ابعاد دقیق‌تری بر مفهوم اهتمام لازم افزود. در این رابطه هرچه مفهوم حاکمیت دولت در جامعه بین‌المللی جای پای محکم‌تری پیدا کرد، الزام به انجام ساز و کارهای ضروری و دقت نظر به انجام تعهدات بین‌المللی به عنوان ضابطه رفتار هم بیشتر جایگاه خود را در حقوق بین‌الملل باز کرد. این جایگاه تا آنجا ارتقاء یافته که به

● منطق نهفته در باید و نبایدهای بین‌المللی نشان از این واقعیت دارد که دولت‌ها در انجام اهتمام لازم تعهداتی دارند که اگر از آنها قصور ورزند هم در قبال کوتاهی خود مسئول‌اند، و هم به علت زیان‌هایی که آن قصور برای جامعه ایجاد می‌کند، باید پاسخگو بوده و حساب پس دهند. در این شرایط است که حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل بی‌واسطه با اصل «مساعی لازم» ارتباط پیدا می‌کند.

محمود مسائلی - قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی به دلیل تحولات بی‌سابقه‌ای که در نظام بین‌المللی و نوظهور آن زمان پدیدار شدند، ضرورت ترغیب دولت‌ها برای توجه به همکاری‌های لازم جهت حیات مسالمت‌آمیز را ضروری می‌ساخت. پیشگامان اندیشه‌های حقوق بین‌الملل مانند هوگو گروسوس، اولین گام را نه تنها در ارائه تعاریف دقیق از موضوعات و اصول حقوق بین‌الملل برداشتند، بلکه برای ترغیب دولت‌ها جهت اجرای موثر تعهدات خویش نیز راهکارهایی توضیح دادند.

اصل «اهتمام لازم» و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

- این اقدامات بطور عمده در برگزیده مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال قصور آنها برای اجرای تعهدات بین‌المللی بود. در جنگ و صلح، به عنوان مثال، گروسوس این بحث را به مرکز اندیشه‌های حقوق بین‌الملل می‌کشاند که دولت‌ها نه تنها برای قصور در تعهدات خود مسئول هستند، نسبت به عدم تمایل و یا ناتوانی

خود نسبت به اجرا و پیشبرد مفاد میثاق می‌بایست دقت کافی و اهتمام لازم را به عمل آورند.

رویه‌های قضایی نیز اهمیت اصل اهتمام لازم توسط کشورها در تعهدات بین‌المللی خویش را تأیید کرده‌اند. به عنوان مثال، پیشتر دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری در قضیه لوتوس در سال ۱۹۲۷ بیان داشته بود که اهتمام لازم به عهده کشورهاست و در صورت کوتاهی در انجام آن، دولت‌ها مسئول‌اند. قضیه از این قرار بود که یک کشتی فرانسوی به نام لوتوس و یک کشتی ترکیه‌ای به نام بوز کورت در دریای آزاد با یکدیگر تصادف کردند. کشتی بوز کورت غرق شد و هشت شهروند ترکیه کشته شدند. در ترکیه، افسر نهبان لوتوس و ناخدای کشتی ترکیه به قتل عمد متهم شدند. دولت فرانسه اعتراض کرد و خواستار آزادی ناخدای کشتی و یا انتقال پرونده وی به دادگاه فرانسه شد. در نهایت دو کشور موافقت کردند که این اختلاف را به دیوان بین‌المللی دائمی دادگستری ارجاع دهند. یکی از قضات دادگاه در نظریه خود مفهوم اهتمام لازم را برجسته ساخته و توضیح داد که «به خوبی ثابت شده است که یک کشور موظف است از احتیاط لازم برای جلوگیری از ارتکاب اعمال جنایتکارانه علیه ملت دیگر یا مردمش در قلمرو خود را برقرار سازد».

دادگاه بین‌المللی دادگستری نیز که بعد از جنگ جهانی دوم جانشین دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری گردید، در قضیه «شرایط پذیرش یک کشور برای عضویت در سازمان ملل متحد (به موجب ماده ۴ منشور)» به این تعهد با نگاهی دقیق‌تر پرداخته است. قاضی ژوزه آوارز در نظریه مشورتی خود اهمیت اصل اهتمام لازم را به روشنی بیان داشته است: «چنین مفهومی در چندین معاهد و همچنین توسط گروه‌های بین‌المللی مختلف، مانند گروه مالکیت صنعتی، بیان شده است که هر کشوری آزاد است به آن پایبند باشد، و این تبعیت برای شروع بهره‌مندی کشور از حقوق خود و انجام تعهدات کافی است». در حقیقت قاضی آوارز اصل اهتمام لازم را شرط ضروری مشارکت در جامعه بین‌المللی دانسته و آنرا در مرکز تعهدات کشورها قرار داده است. پیشتر نیز در قضیه کانال کورفو که در سال ۱۹۴۹ به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع شد، بر اهمیت مفهوم اهتمام لازم تأکید شده بود. این اولین پرونده حقوق بین‌الملل عمومی بود که در دادگاه بین‌المللی دادگستری در مورد مسئولیت دولت در قبال خسارات وارده در دریا و همچنین دکترین عبور و مرور بی‌ضرر مورد رسیدگی قرار گرفت. اختلاف نظر حقوقی میان بریتانیا و آلبانی، بر اساس قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت ملل متحد به دادگاه ارجاع شد. دادگاه تعهد کشورها و اصل اهتمام لازم برای پیشبرد آنرا توضیح داد: «تعهد هر دولت مبنی بر عدم استفاده آگاهانه از قلمرو خود برای اعمال خلاف حقوق سایر کشورها». و سپس این رای را صادر کرد که «دولت آلبانی در قبال دولت بریتانیا موظف است در رابطه با نقض تعهدات بین‌المللی خود غرامت بپردازد».

یکی از واضح‌ترین مثال‌های مربوط به اهتمام لازم به اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل متحد باز می‌گردد که در سال ۲۰۰۰ طی قطعنامه شماره ۶۳/۵۵ در ارتباط با سوء استفاده از تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات صادر شد. این قطعنامه با یادآوری فضایی که تکنولوژی اطلاعات برای فعالیت‌های مجرمانه فراهم آورده است، دولت‌ها را فرا می‌خواند تا اقدامات ضروری برای جلوگیری از اینگونه سوء استفاده‌ها را انجام دهند.

با ابراز نگرانی از اینکه پیشرفت‌های تکنولوژیک

معاهده حقوق دسترسی به یک راه حل مؤثر نیز به عهده دولت‌ها است. وظیفه اهتمام لازم نسبت به تعهدات معاهده حقوق بشر، بطور صریح و ضمنی توسط نهادهای نظارتی حقوق بشری مربوطه مورد توجه قرار گرفته است. نهادهای منطقه‌ای همچنین به تعهدات مربوط به بررسی دقیق دولت‌ها پرداخته‌اند. وظایف دولت‌ها برای اعمال حاکمیت بر رفتار شرکت‌ها موضوع اصول راهنمای سازمان



دکتر محمود مسائلی

ملل در زمینه تجارت و حقوق بشر ۲۰۱۱ است. کمیته حقوق بشر در گزارش شماره ۳۱/۸۰ مفهوم اهتمام لازم را نقطه محوری و متمرکز حقوق بشر معرفی کرده است. در این گزارش با عنوان ماهیت تعهدات حقوقی عمومی تحمیل شده بر کشورهای طرف میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بطور مفصل اهمیت اهتمام لازم را توضیح داده و تأکید می‌کند که هیچ کشوری نمی‌تواند به بهانه قوانین داخلی خود مفهوم اهتمام لازم را نادیده انگارد. علت برتری مفهوم اهتمام لازم بر قوانین داخلی نیز، بر اساس همان گزارش، مبتنی بر متن ماده ۲۷ مقاله نامه حقوق معاهدات سال ۱۹۶۹ است که به موجب آن یک دولت عضو معاهده نمی‌تواند به مفاد قوانین داخلی خود به عنوان توجیهی برای عدم اجرای یک معاهده استناد کند. این کمیته در تفسیر ماده ۲ ناظر بر تعهد کشورها برای تضمین حقوق برابر برای همه، توضیح می‌دهد که «کشورهای عضو برای انجام تعهدات قانونی خود اقدامات مقتضی قانونی، قضایی، اداری، آموزشی و سایر موارد را اتخاذ می‌کنند». این اقدامات مصادیق همان مفهوم ضروری مصادیق اهتمام لازم در اجرای تعهدات بین‌المللی کشورهاست. کمیته بیشتر توضیح می‌دهد که تکالیف قانونی مندرج بند یک از ماده ۲ میثاق دارای ابعادی منفی و مثبت است. کشورهای عضو باید از نقض حقوق شناخته شده توسط میثاق خودداری کنند. هرگونه محدودیت در هر یک از این حقوق فقط باید طبق مقررات مربوطه میثاق مجاز باشد. «در صورت ایجاد چنین محدودیت‌هایی، دولت‌ها باید این ضرورت را نشان دهند که اقداماتی را که انجام می‌دهند متناسب با اهداف مشروع باشد تا از حمایت مستمر و مؤثر حقوق میثاق اطمینان حاصل شود». این تصریحات روشن توسط کمیته حقوق بشر نشان می‌دهد که دولت‌ها به موجب تعهدات

رفتارها برای حفاظت از خیر همگانی، و همچنین لازمه حیات صلح‌آمیز و عاری از مرافعه و درگیری‌ها. در نظریه دیوان حل اختلاف در این قضیه، اهمیت مفهوم مساعی لازم از مرزهای حقوق قراردادی فراتر رفته و آنرا در مرکز حقوق بین‌الملل عرفی قرار داده است: «تعهد دولت در چنین شرایطی بر اساس قوانین بین‌الملل عرفی این است که برای محافظت از افراد یا شرکت‌های بیگانه از ضررهای سرمایه‌گذاری تلاش لازم را انجام دهد». بنابراین باید دقت کافی را در درک دقیق مفهوم اهتمام لازم با منافع جامعه بین‌المللی در همه موضوعات رفتاری در نظر داشته باشیم.

اما می‌توان مهمترین کاربرد مفهوم اهتمام لازم را در حقوق بشر توضیح داد. بر اساس سه عنصر احترام، اجرا، و پیشبرد حقوق بشر، دولت‌ها باید به حقوق ذاتی مردمان خود احترام گذاشته، در مسیر اجرای حقوق بشر نیز همه کوشش‌ها و مساعی خویش را برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق شهروندان توسط دیگران را به عمل آورند، و پیشبرد حقوق بشر را در همه زمینه‌ها به عهده گیرند. در این ارتباط می‌توان به قطعنامه مجمع عمومی در سال ۱۹۹۸ با عنوان «اعلامیه حقوق و مسئولیت افراد، گروه‌ها و ارگان‌های جامعه برای ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به رسمیت شناخته شده جهانی» اشاره کرد که در بند دو از ماده ۲ این وظایف را هم برای مردم و هم دولت‌ها بر می‌شمارد:

هر کشوری مسئولیت و وظیفه اصلی برای حفاظت، ترویج و اجرای کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را به عهده دارد، از جمله با اتخاذ اقداماتی که ممکن است برای ایجاد همه شرایط لازم در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سایر زمینه‌ها ضروری باشد. به عنوان ضمانت‌های قانونی مورد نیاز برای اطمینان از اینکه همه افراد تحت صلاحیت آن، به صورت فردی و همراه با دیگران، می‌توانند از تمام آن حقوق و آزادی‌ها در عمل برخوردار شوند (بند یک)، هر دولت اقدامات قانونی، اداری و سایر اقدامات لازم را اتخاذ خواهد کرد تا اطمینان حاصل شود که حقوق و آزادی‌های یادشده در این اعلامیه بطور مؤثر تضمین شده است.

بر اساس این تصریحات روشن، مفهوم اهتمام لازم می‌بایستی در همه ابعاد حقوق بشر بین‌الملل گسترش یابد و از آنجا که دولت‌ها امکانات و توان اجرای آنرا دارند، باید مهمترین وظیفه دقت و مساعی ضروری را به عهده گیرند. کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش سال ۲۰۱۴ اهمیت مفهوم اهتمام لازم را به روشنی توضیح داده است. نظر به جایگاه معتبر جهانی این کمیسیون، بخش‌هایی از این گزارش به بدون دخل و تصرف در اینجا نقل می‌شود.

مفهوم اهتمام لازم با همه معاهدات حقوق بشری سازمان ملل متحد به میزان‌های متفاوتی مرتبط است. با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مرتبط است و کشورهای عضو باید «همه اقدامات مناسب» را برای «دستیابی تدریجی» به این حقوق انجام دهند. با این حال، دولت‌ها همچنین در رابطه با حقوق مدنی و سیاسی تعهداتی دارند که دقت لازم را انجام دهند. به عنوان مثال، در انجام وظیفه جلوگیری از اقدامات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، وظیفه بررسی ناپدید شدن توسط مراجع غیردولتی و وظیفه احترام گذاشتن و اطمینان از برخورداری افراد از حقوق مدنی و سیاسی بطور کلی و در صورت نقض، دسترسی به یک راه حل مؤثر به عهده دولت‌ها است. وظیفه اهتمام لازم نسبت به تعهدات

آیا جو بایدن به «گزینه نظامی» و آخرین راه علیه جمهوری اسلامی نزدیک می‌شود؟

عبدالرحیم موسوی: گلوله‌های جنگ ترکیبی گاهی اصابت می‌کند!

با تأکید بر گسترش همکاری‌های آمریکا و اسرائیل برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای، از توافق طرفین درباره تشکیل گروه‌های تخصصی با هدف مقابله با اقدامات تهدیدآمیز جمهوری اسلامی خبر داد.

او تأکید کرده بود ارتش اسرائیل به اقدامات قاطعانه علیه «استقرار جمهوری اسلامی در منطقه» ادامه خواهد داد. واکنش جمهوری اسلامی به افزایش فشارهای بین‌المللی از جمله صدور قطعنامه در شورای حکام آژانس، چیزی نیست جز توسعه برنامه‌های غیرمجاز اتمی از جمله آغاز غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در تأسیسات فردو و نطنز و استقرار سانتریفیوژهای پیشرفته برای افزایش غنی‌سازی که همه این اقدامات به فشارهای بیشتر منجر می‌شود! همچنین تنش‌های دریایی از جمله حمله با پهپادهای انتحاری به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس نیز افزایش پیدا کرده است. منابع غیررسمی نزدیک به شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی مرتب وقوع انفجارها در اسرائیل را برجسته می‌کنند و حامیان نظام بطور مستقیم و غیرمستقیم مدعی‌اند پشت این انفجارها جمهوری اسلامی قرار دارد. عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۰

● رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا: «صادقانه باید گفت اگر این تنها راه ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای باشد، اتفاقی است که خواهد افتاد. اما هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم».

● عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی: «توطئه‌های دشمنان در جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی» شکل متفاوتی دارد و «گلوله جنگ ترکیبی از جنس صدا، تصویر و کلام است و گاهی گلوله این جنگ، اصابت می‌کند، اثرات مخربی نیز برجای می‌گذارد، اما ما حتا متوجه آن نمی‌شویم».

همزمان با پایان رزمایش مشترک اسرائیل و آمریکا با محور «شبیه‌سازی حمله به تأسیسات اتمی داخل ایران» رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه ایالات متحده، اعلام کرد جو بایدن برای استفاده از گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی در صورت شکست مذاکرات با تهران آماده است.

مالی در مصاحبه با «فارین پالیسی» (سیاست خارجی) اظهار داشت: «جو بایدن گفته در صورت شکست دیپلماسی و فشار و تحریم‌ها، آماده است با استفاده از گزینه نظامی علیه جمهوری

امکانات جدیدی برای فعالیت‌های مجرمانه، به ویژه سوء استفاده مجرمانه از فناوری اطلاعات ایجاد کرده است... با تأکید بر ضرورت پیشگیری از سوء استفاده مجرمانه از فناوری اطلاعاتی... دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که قوانین و رویه‌های آنها پناهگاه‌های امن را برای کسانی که بطور مجرمانه از فناوری‌های اطلاعاتی سوء استفاده می‌کنند، از بین می‌برد... همکاری‌هایی میان مجریان قانون در تحقیق و تعقیب پرونده‌های بین‌المللی سوء استفاده جنایی از فناوری اطلاعات باید بین همه کشورهای زیربسط هماهنگ شود.

هرچند که اینگونه قطعنامه‌ها ضرورتاً قابلیت اجرایی موثر حقوقی و پشتوانه‌های ضروری و الزام‌آور اجرایی ندارند، اما باز هم تأکیدی بر سعی و کوشش برای انجام اقداماتی هستند که با حیات و مقتضیات جامعه بین‌المللی همراه باشد. در این حوزه مشخص تکنولوژی ارتباطات، به دلیل اهمیت و حساسیت بالایی که این تکنولوژی‌ها برای جامعه بین‌المللی و مردم دارد، باید قواعدی وضع شود که منافع عمومی را با مخاطراتی مواجه نسازد. و در این ارتباط، دولت‌ها که بازیگران اصلی جامعه بین‌المللی هستند، می‌بایست اهتمام لازم را برای حفاظت از اینگونه تکنولوژی‌ها در برابر سوء استفاده به کار گیرند. همراه با این اهمیت از حفاظت از منافع عمومی، دولت‌ها نباید آگاهانه اجازه چنین سوء استفاده‌هایی را داده، و یا با اهمال زمینه‌های آنرا فراهم آورند. منطق نهفته در باید و نبایدهای بین‌المللی نشان از این واقعیت دارد که دولت‌ها در انجام اهتمام لازم تعهداتی دارند که اگر از آنها قصور ورزند هم در قبال کوتاهی خود مسئول‌اند، و هم به علت زیان‌هایی که آن قصور برای جامعه ایجاد می‌کند، باید پاسخگو بوده و حساب پس دهند. در این شرایط است که حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل بی‌واسطه با اصل «مساعی لازم» ارتباط پیدا می‌کند. حال، از آنجا که سوء استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی آسیب‌های جدی به جامعه وارد می‌سازد، در عمل، و در حقیقت، حقوق بنیادین مردم را در مخاطره قرار می‌دهد. در نتیجه، دولت‌ها به موجب تعهدات بین‌المللی برای حفاظت از حقوق شهروندان خود، و اساساً اعضای خانواده بشری، می‌بایست اهتمام لازم را برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها به خرج دهند. کوتاهی در این وظیفه موجب مسئولیت می‌شود.

دستور العمل اجرایی استرالیا برای مدیریت استراتژیک فضای مجازی، این ابعاد حقوق بشری مربوط به سوء استفاده از ابزارهای اطلاعاتی را برجسته ساخته و در بخش ششم آن دستورالعمل به خطرات سوء استفاده اشاره می‌کند: «افزایش دسترسی به اینترنت می‌تواند مزایای بسیاری به همراه داشته باشد. با این حال، افزایش دسترسی همچنین امکان سوء استفاده از اینترنت را برای محدود کردن حقوق بشر و فرصت‌های مشارکت دموکراتیک افزایش می‌دهد.» از این رو دولت و نهادهای غیردولتی می‌بایست وظیفه مراقبت از حقوق مردم را فراهم آورند: «استرالیا دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی را تشویق خواهد کرد تا اطمینان حاصل کنند که از فناوری و فضای سایبری مطابق با تعهدات حقوق بشر استفاده می‌شود.» استراتژی امنیت فضای مجازی کانادا که توسط دولت این کشور تهیه شده است نیز تعهداتی مشابه آنچه دولت استرالیا انجام داده است، اما محکم‌تر و قانونی‌تر به عهده دولت می‌گذارد: «استراتژی امنیت سایبری کانادا سنگ بنای تعهد دولت ما برای ایمن، امن و مرفه نگه داشتن کانادا از جمله فضای سایبری ما است.»



رژه خیابانی سپاه تهران

آذر در مصاحبه‌ای با اشاره به حضور ناوهای ارتش در آب‌های آزاد و استقرار نیروی زمینی در مرزها ادعا کرده برای هرگونه واکنش آماده‌اند. وی اما هشدار داده «توطئه‌های دشمنان در جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی» شکل متفاوتی دارد. او در توضیح این شکل متفاوت گفته «گلوله جنگ ترکیبی از جنس صدا، تصویر و کلام است و گاهی گلوله این جنگ، اصابت می‌کند، اثرات مخربی نیز برجای می‌گذارد، اما ما حتا متوجه آن نمی‌شویم.» عبدالرحیم موسوی همچنین هشدار داده است «امروز حملات دشمن به جایگاه رهبر معظم انقلاب است!» این بخش از صحبت‌های موسوی از خبرگزاری تسنیم حذف شده است. مردم ایران در اعتراضات سراسری که از اواخر شهریورماه پس از قتل حکومتی مهسا امینی شروع شده و همچنان ادامه دارد، شعارهای صریح و آشکار علیه کل نظام و شخص علی‌خامنه‌ای سر می‌دهند.

اسلامی ایران] به عنوان آخرین راه موافقت کند.» وی در پاسخ به این پرسش که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تا چه اندازه با تولید یک سلاح اتمی فاصله دارد، گفت: «جواب دادن به این پرسش سخت است چون این یعنی چقدر به مواد شکاف‌پذیر غنی‌شده در سطح تسلیحاتی نزدیک هستند... همانطور که قبلاً گفته‌ایم، فقط چند هفته است!»

این مقام آمریکایی توضیح داد «ما تحریم می‌کنیم، اعمال فشار می‌کنیم، دیپلماسی به کار می‌بندیم اما اگر کارایی نداشت و جواب نداد رئیس جمهوری گفته است که به عنوان آخرین راهکار با گزینه نظامی موافقت خواهد کرد، چرا که صادقانه باید گفت اگر این تنها راه ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای باشد، اتفاقی است که خواهد افتاد. اما هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم.» پیش از این نیز ژنرال آویو کوخاوی رئیس ستاد ارتش اسرائیل،

مراسم سوگواری جانبازان آزادی ایران، کانون اعتراضات ضد حکومتی؛ نماینده خامنه‌ای در تبریز: به فضل الهی بحران فروکش کرده!



خانواده‌های داغدار و دادخواهان در جریان مراسم خاکسپاری و یادبود جانبازان علیه حکومت و قاتلان مردم شعار می‌دهند

بسیجی‌ها گازوئیل ریخته بودند، لیز خوردند و به شدت مجروح شدند.

در انزلی بعد از مراسم خاکسپاری مهران سماک جوان ۲۷ ساله، دست‌کم یک بسیجی توسط افراد ناشناس کشته شده است. کانون حقوق بشر ایران اعلام کرد مسئول کشته شدن مهران سماک، سرهنگ «جعفر جواهردی» و «محمد پورخوش‌سعادت» هستند. همزمان ویدئوهایی از تجمع اعتراضی مردم انزلی منتشر شد که در آن شعار «مرگ بر جواهردی قاتل» سر می‌دهند. مهران سماک که همبازی دوران مدرسه سعید عزت‌اللهی در تیم انزلی بود شب بعد از مسابقه فوتبال با آمریکا با اصابت گلوله به سرش کشته شد. هرچند ریشه این اعتراضات ناراضی‌گسترده مردم از وضعیت زندگی و شرایط موجود در کشور است و محور آن جوانانی هستند که هیچ چشم‌اندازی برای آینده خود نمی‌بینند و حتا قادر به تأمین نیازهای اولیه زندگی نیستند اما روزنامه بدنام «کیهان تهران» با دروغ و ریا می‌نویسد «تجربه نشان داد اغتشاشات اخیر آشوب مرفهان بی‌درد علیه انقلاب مستضعفان است!» اشاره این روزنامه به افزایش تلفات نیروهای امنیتی از بین بسیجی‌ها و آخوندهایی است که به گفته‌ی این روزنامه منفور در خانه‌های محقر آجری زندگی می‌کردند و بدون چشم‌داشت به پول برای انقلاب به جان مردم افتادند!

واقعیات و شواهد انکارناپذیر نشان می‌دهد که سرکوب اعتراضات نه تنها برای حکومت بی‌نتیجه بوده بلکه خشم و خشونت مردم را تشدید کرده است. واقعیتی که هم در شعارها و هم در رویدادهایی که در گوشه و کنار شهرها اتفاق می‌افتد قابل اثبات است.

در چنین شرایطی حجت‌الاسلام محمدعلی آل‌هاشم نماینده‌ی علی‌خامنه‌ای در آذربایجان شرقی (امام جمعه تبریز) مانند برخی مقامات دیگر نظام با خوش‌خیالی می‌گوید: «به فضل الهی و تلاش نیروهای انتظامی، امنیتی و بسیجی و در کنار آنها همراهی مردم این بحران فروکش کرده است!»

ما با نام و خون شهدا تأسیس شده‌اند بنابراین چنین اتفاقاتی در آن به انقلاب ضربه‌ای نمی‌زند!» او تأکید کرده «دانشگاه‌ها باید زیر پرچم ولایت عمل کنند.» محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد در ادعاهای بی‌پایه و خوددرآوردی می‌گوید اعتراضات سراسری «در ظاهر مربوط به حجاب و سبک زندگی است اما درواقع یک نزاع تمدنی است که تمدن ۳۵۰ ساله غرب در مقابل سرزمین ما که نماینده تمدن چندهزار ساله است برخاسته است!» او می‌افزاید: «کنش‌های شورشگرانه جوانان متأثر از سبک زندگی غربی است.» حال آنکه مردم ایران اعم از سالمند و جوان خواهان یک زندگی عادی در آزادی و آرامش و رفاه هستند که ربطی به «شرق» و «غرب» ندارد و خواست و حق انسانی است که توسط جمهوری اسلامی از آنها سلب شده است!

در حال حاضر وضعیت در ایران طوریست که در طول هفته در چندین شهر مراسم خاکسپاری و سوگواری برای جانبازان خیزش آزادی ایران برپاست. این مراسم از جمله سوم و شب هفت و چهلم جانبازان به محل اعتراض در هر شهر تبدیل شده است.

اینهمه در حالیست که تعداد جانبازان انقلاب ملی ایران برای آزادی به حدود ۴۶۰ شهروند رسیده که اکثریت آنها جوانان هستند و شمار بسیاری کودک در میان آنها دیده می‌شود. در مقابل، تعداد تلفات نیروهای سرکوبگر نیز رو به افزایش است و به حدود ۸۰ نفر رسیده. احمد صالحی اهل ساری یک بسیجی بود که هنگام مأموریت در استان سیستان و بلوچستان کشته شد! مراسم تدفین او ۱۲ آذر در شهر ساری برگزار شد.

حسن مختارزاده یک آخوند بسیجی اهل قم است که خبرنگاری «حوزه» گزارش داده در بیمارستان است و در کما فرو رفته! در این گزارش آمده او با برادرش سوار بر موتور از «مأموریت مقابله با اغتشاشگران تهران در سعادت‌آباد» باز می‌گشتند که چون مردم در مسیر حرکت کاروان موتوری

● با اعلام فراخوان اعتصاب از سوی دانشجویان چند دانشگاه حجت‌الاسلام کاظم صدیقی امام جمعه تهران گفته «در بعضی دانشگاه‌ها حرمت شکنی کردند؛ دانشگاه‌های ما با نام و خون شهدا تأسیس شده‌اند بنابراین چنین اتفاقاتی در آن به انقلاب ضربه‌ای نمی‌زند!»

● محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد در ادعاهای بی‌پایه و خوددرآوردی می‌گوید اعتراضات سراسری «در ظاهر مربوط به حجاب و سبک زندگی است اما درواقع یک نزاع تمدنی است که تمدن ۳۵۰ ساله غرب در مقابل سرزمین ما که نماینده تمدن چندهزار ساله است برخاسته است!» حال آنکه مردم ایران خواهان یک زندگی عادی در آزادی و آرامش و رفاه هستند که ربطی به «شرق» و «غرب» ندارد و خواست و حق انسانی است که توسط جمهوری اسلامی از آنها سلب شده است!

● روزنامه بدنام «کیهان تهران» با دروغ و ریا می‌نویسد «اغتشاشات اخیر آشوب مرفهان بی‌درد علیه انقلاب مستضعفان است!»

با گذشت حدود ۸۰ روز از آغاز خیزش سراسری در ایران و با گسترش اعتصابات، سنگینی بحران برای جمهوری اسلامی بیش از پیش افزایش یافته است.

همزمان با اعتصابات کامیونداران و کارگران در واحدهای صنعتی در شرایطی که برای اعتراضات و اعتصابات از ۱۴ تا ۱۶ آذر نیز فراخوان سراسری داده شده، دانشجویان برخی دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و نوشیروانی بابل در بیانیه‌ای اعلام کردند از روز ۱۲ تا ۱۶ آذرماه اعتصاب خواهند کرد.

در این میان، اعتصاب دانشجویان و واکنش مقامات و مسئولان نظام مواجه شده است. در خطبه‌های نماز جمعه تهران (۱۱ آذرماه) حجت‌الاسلام کاظم صدیقی بدون اشاره به شعارهای شاخص مردم علیه نظام و علی‌خامنه‌ای گفت «در بعضی دانشگاه‌ها حرمت شکنی کردند... دانشگاه‌های

سوی دولت و ادامه پرداخت یارانه نقدی تا پایان سال ۱۴۰۱ گفته که «علت تعویق در ارایه کالابریگ الکترونیک سردرگمی دولت است که از همان زمان آغاز به کار نه از میزان درآمد آتی خود خبردار بود و نه از میزان توان خود در مورد وعده‌هایی که می‌داد اطلاعی داشت و اصلاً نمی‌دانست آیا قادر خواهد بود که به تکلیف خود در مورد انتشار کالابریگ الکترونیک عمل کند یا اینکه به دلیل فقدان زیرساخت‌ها و امکانات فعلی توان اجرای این سیاست در محدوده زمانی که اعلام شده را ندارد.»

مرتضی افقه معتقد است که دولت با دو مشکل اساسی روبروست؛ نخست اینکه دولت سیزدهم دولتی کم‌تجربه، اما آرمان‌خواه و پر از وعده است و دوم آنکه بدون در نظر گرفتن کسری بودجه و تامین کمبودهای درآمدهای نفتی (که تا پیش از شدت گرفتن تحریم‌ها این کسری‌ها از طریق فروش نفت حاصل می‌شد) شاهد آتیم که این کسری‌ها بیش از قبل شده است و جایگزین‌هایی هم که برای درآمدهای نفتی مدنظر داشتند تامین نشده‌اند. دولت دچار یک سردرگمی عجیب در توان اداری و اجرایی و نیز در برآورد از درآمدهای احتمالی خود شده است.

در این میان اما فاصله میان درآمدها و هزینه‌های خانوار آنقدر زیاد است که به عقیده برخی کارشناسان حتی اگر دولت کوپن توزیع کند هم نمی‌تواند بحران معیشتی ایجاد شده در خانوارهای کم درآمد را حل کند یا حتی کاهش دهد. به عقیده کارشناسان تصمیمات دولت از بنیان غیرکارشناسی و دارای ایرادهای اساسی است و با عوض کردن صورت مسئله، مشکلی حل نخواهد شد.

در این رابطه حمید حاج‌اسماعیلی کارشناس بازار کار معتقد است اینکه دولت روش را عوض کند و تبدیل به کوپن کند، شرایط را عوض نمی‌کند. چون آنچه ما از آن غفلت کردیم و کمتر در نظرات کارشناسی و بازرگری و حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی در خصوص سوبسیدها و یارانه‌ها در نظر گرفتیم، نگاه‌ها و نیازهای جدیدی است که مردم متناسب با شرایط اجتماعی فعلی و شرایط جدید جهانی نیاز دارند و آن را باید برای آن‌ها تامین کنیم. این کارشناس تأکید کرده دولت باید به جای تمرکز روی پرداخت یارانه‌ها و توسعه کمی آنها، روی رفع تحریم‌ها و مهار تورم برنامه‌ریزی داشته باشد.

اینهمه در حالیست که فقر و فلاکت در ایران به سرعت در حال گسترش است. آمارهایی که به تازگی از بودجه خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۰ منتشر شده نشان می‌دهد بیش از ۷۴ درصد از قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران کشور در سه دهک ثروتمند درآمدی قرار دارند و نشان‌دهنده شکاف و فاصله عمیق میان مسئولان عالی‌رتبه و دهک‌های درآمدی پایین جامعه دارد.

بررسی خانوارهای شهری در ۱۴۰۰ نشان می‌دهد ۴۶ درصد از خانوارها اتومبیل شخصی نداشته‌اند. همچنین سال گذشته به‌طور متوسط ۱/۳۰ درصد خانوارهای ۱۰ دهک بدون فرد شاغل بودند که این مقدار در دهک اول (کم‌درآمدترین دهک) بالغ بر ۵۵ درصد است.

این آمارها همچنین نشان می‌دهد که در این سال متوسط هزینه سالیانه مسکن در کل کشور به ۳۳ میلیون تومان رسیده که تهران، البرز و فارس هر یک با ۶۶، ۴۱ و ۳۴ میلیون تومان در صدر استان‌های با هزینه مسکن بالا و بالاتر از متوسط کشوری قرار دارند.

این آمارها مربوط به سال ۱۴۰۰ و پیش از حذف ارز ترجیحی و موج شدید گرانی‌ها در ماه‌های گذشته است. بدون شک گزارش‌های تازه‌ای درباره درآمد و بودجه خانوار ایرانی، اختلافی قابل توجه با آمارهای مربوط به سال گذشته دارد.

روزهای سخت‌تری برای خانواده‌های تنگ‌دست و کم‌درآمد در پیش است



که فرصت‌سوزی برای توافق هسته‌ای باعث شده است که کار بانک مرکزی نیز برای مهار انتظارات در بازارها سخت باشد.»

احسان ارکانی عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی نیز به دلایل و ریشه‌های کسری بودجه این روزها اشاره کرده و معتقد است که یکی از دلایل مهم کسری بودجه امسال این بوده که آنچه به عنوان سهم نفت در منابع درآمدی قرار گرفته، تحقق نیافته است. جدا از کسری بودجه به دلیل گنجاندن ارقام توهمی درآمد ناشی از صادرات نفت خام در شرایط تحریم، دیگر موارد گنجانده شده در قانون بودجه که از سوی نمایندگان تصویب شد نیز بحران‌زا بود؛ حذف ارز ترجیحی یا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی از این موارد است. کاهش شدید منابع ارزی دولت سیزدهم و مجلس شورای اسلامی را به این نتیجه رساند که ارز با نرخ دولتی برای واردات نهاده‌های دامی و مواد اولیه را حذف کنند.

حذف این ارز هر چند دست دولت را برای پرداخت هزینه‌های جاری در کوتاه‌مدت باز کرد اما به دلیل افزایش هزینه تولید، موجی از افزایش قیمت‌ها به ویژه در گروه خوراکی‌ها و دارو را در پی داشت. به بیان دیگر دولت بار تأمین کسری بودجه را به دوش میلیون‌ها خانوار تنگ‌دست حقوق‌بگیر و کم‌درآمد تحمیل کرد.

در همان قانون بودجه‌ای که به دولت اجازه حذف ارز ترجیحی را داده بود، دولت موظف بود با پرداخت یارانه در قالب کوپن الکترونیکی یا کالابریگ الکترونیکی، فشار ناشی به دهک‌های پایین درآمدی را جبران کند؛ دولت ابتدای سال اعلام کرد که به دلیل فراهم نبودن بسترهای لازم، به مدت سه ماه مبلغ ناچیزی به عنوان یارانه نقدی به خانوارهای دهک اول تا نهم درآمدی پرداخت و بعد کالابریگ الکترونیک را توزیع می‌کند. اکنون اما در نهمین ماه سال هنوز نتوانسته سازوکار توزیع کالابریگ را به سرانجام برساند و حالا گفته می‌شود احتمالاً این طرح از سال آینده اجرایی شود!

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز درباره تأخیر توزیع کالابریگ الکترونیک از

● شماری از کارشناسان افزایش قیمت دلار و سکه را در شرایط کنونی اقتصادی کشور و کسری بودجه شدید، اقدامی از سوی دست پنهان بازار ارزیابی می‌کنند.

● عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی معتقد است که یکی از دلایل مهم کسری بودجه امسال این بوده که آنچه به عنوان سهم نفت در منابع درآمدی قرار گرفته، تحقق نیافته است!

● بطور متوسط ۱/۳۰ درصد خانوارهای ۱۰ دهک بدون فرد شاغل است که این مقدار در دهک اول (کم‌درآمدترین دهک) بالغ بر ۵۵ درصد است.

در هفته‌ای که گذشت قیمت ارز و طلا در بازار ایران همچنان افزایشی بود بطوری که قیمت سکه در رکوردی تاریخی به بیش از ۱۷ میلیون ۳۰۰ هزار تومان رسید و دلار به ۳۶ هزار و ۴۰۰ تومان رسید. کسری بودجه دولت در نیمه دوم سال، آثار خود را در بازارهای مختلف نشان می‌دهد. در این میان گزارش‌ها از گسترده شدن بیشتر فقر و فلاکت و عمیق‌تر شدن فاصله طبقاتی در کشور حکایت دارد.

قیمت سکه در بازار ایران روز پنجشنبه، دهم آذرماه، ۳۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد و به ۳۶ هزار و ۴۰۰ تومان رسید. به این ترتیب دلار طی هشت ماه نخست امسال با حدود ۴۰ درصد افزایش قیمت روبرو شده است.

قیمت هر یورو در بازار آزاد ۳۸ هزار و ۱۵۰ تومان و قیمت پوند هم ۴۴ و ۳۰۰ هزار تومان اعلام شد که بیشترین قیمت‌ها در تاریخ معاملات ریال با این دو ارز است.

قیمت سکه در عصر روز پنجشنبه دهم آذر در بازار ایران به بیش از ۱۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده و حتی خبرگزاری‌های حکومتی نیز که همواره آمارهای افزایش قیمت را سانسور می‌کنند ناچار شدند گزارش‌هایی از افزایش عجیب قیمت سکه ارائه کنند.

خبرگزاری دولتی ایرنا، صبح روز پنجشنبه دهم آذر در گزارشی قیمت هر قطعه سکه طلا با ۳۰۰ هزار تومان افزایش نسبت به روز گذشته ۱۷ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان معامله شد. این گزارش افزوده که سکه تمام بهار آزادی طرح قدیم نیز با ۱۵۰ هزار تومان افزایش ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خرید و فروش شد.

همزمان رسانه‌های اقتصادی ایران پیش‌بینی کرده‌اند که در هفته‌های آینده قیمت دلار و ارز روند افزایشی خواهد داشت.

وبسایت تجارت‌نیوز در اینباره نوشته که «برخی کارشناسان بازارهای مالی معتقدند این افزایش حباب سکه آلارم افزایش قیمت دلار در آینده را می‌دهد و به نظر می‌رسد این تحلیل با توجه به روند رو به افزایش قیمت دلار و ورود این اسکناز آمریکایی به کانال‌های بالاتر، درست باشد.»

شماری از کارشناسان افزایش قیمت دلار و سکه را در شرایط کنونی اقتصادی کشور و کسری بودجه شدید، اقدامی از سوی دست پنهان بازار ارزیابی می‌کنند که می‌خواهد بخشی از کسری بودجه را با دریافت ریال بیشتر بابت سکه و ارز جبران کند.

بخش دیگری از کارشناسان معتقدند دولت به دلیل کسری منابع ارزی نمی‌تواند مانند دوره‌های پیشین با ارزیابی در بازار از افزایش بیشتر قیمت ارز جلوگیری کند و در نتیجه پیش‌بینی می‌شود که قیمت ارز افزایشی باقی بماند.

روزنامه دنیای اقتصاد چاپ تهران در گزارشی آورده است: «به نظر می‌رسد مهم‌ترین عاملی که در یک سال اخیر باعث ثبات بازار ارز شده بود، امیدواری به لغو تحریم‌ها در خلال مذاکرات بود. هرچند که روی کاغذ همچنان امیدواری به لغو تحریم‌ها وجود دارد، اما برخی کارشناسان معتقدند

تحریم جشنواره حکومتی «سینما حقیقت»؛ فیلم مژگان اینانلو در جشنواره وین به نمایش درآمد اما خودش در زندان است!



● شماری از هنرمندان در بیانیه‌ای با تحریم جشنواره حکومتی «سینما حقیقت» نوشتند: در این شرایط غم‌انگیز و تاسفبار، برگزاری جشن و جشنواره فیلم مستند را نادیده انگاشتن غم مردمی می‌دانیم که صاحبان راستین فرهنگ و هنزند.

● فیلم «هزاران زن» ساخته مژگان اینانلو به جشنواره فیلم وین راه یافته و نمایش داده شد اما این فیلمساز در زندان بسر می‌برد.

● شمار زیادی از سینماگران در دو ماه گذشته بازداشت، احضار، ممنوع‌الکار و ممنوع‌الخروج شدند. اینهمه اما سبب پایان حمایت سینماگران و اهالی فرهنگ از مردم معترض نشد.

جمعی از سینماگران و اهالی فرهنگ با انتشار بیانیه‌ای جشنواره «سینما حقیقت» را تحریم کرده و خواستار مجازات عاملان سرکوب و کشتار مردم و آزادی روزنامه‌نگاران و هنرمندان زندانی شدند.

جمعی از فیلمسازان، اهالی فرهنگ و مخاطبان سینمای مستند با انتشار بیانیه‌ای با اشاره به سرکوب وحشیانه مردم معترض توسط حکومت اعلام کردند که جشنواره «سینما حقیقت» را تحریم می‌کنند.

در این بیانیه آمده که «بیش از دو ماه است مردم معترض ایران مورد وحشیانه‌ترین حملات سرکوب قرار گرفته‌اند. بسیاری از مردم دلسوز، خبرنگاران و اهالی فرهنگ و هنر در زندان به سر می‌برند و کودکان و جوانان بسیاری جان خود را از دست داده‌اند.»

در ادامه بیانیه آمده که «در این شرایط غم‌انگیز و تاسفبار، برگزاری جشن و جشنواره فیلم مستند را نادیده انگاشتن غم مردمی می‌دانیم که صاحبان راستین فرهنگ و هنرند. ما جمعی از سینماگران، اهالی فرهنگ و هنر و مخاطبان خاص و عام شانزدهمین جشنواره فیلم «سینما حقیقت»، ضمن ابراز همبستگی با مردم شریف و داغدار ایران، هرگونه حضور و شرکت آنلاین در این دوره از جشنواره را تحریم می‌کنیم.»

سینماگران و فعالان فرهنگی در این بیانیه با تأکید بر لزوم آزادی همه معترضان دربند و برگزاری دادگاه عادلانه برای مجازات عاملان و آمران کشتار مردم بی‌دفاع ایران، نوشته‌اند که «تا زمانی که آزادی بیان برای روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، گزارشگران، فیلمسازان سینمای مستند و دیگر اقشار جامعه وجود نداشته باشد؛ جامعه ایران رنگ آزادی، برابری و نشاط نخواهد دید.»

این بیانیه توسط بیش از ۱۵۰ نفر از فیلمسازان سینمای مستند و اهالی فرهنگ از جمله همایون امامی، ناهید رضایی، مهوش شیخ‌الاسلامی، پژمان طهرانیان، آیدا مرادی آهنی، محمد گذرآبادی، احمد کیارستمی، محسن آرم و رضا حائری امضا شده است.

همزمان کانون سینماگران مستقل ایران (iifma) روز پنجشنبه ۱۰ آذر در افتتاحیه جشنواره فیلم وین خواستار آزادی مژگان اینانلو کارگردان و مستندساز ایرانی شدند. فیلم «هزاران زن» ساخته مژگان اینانلو به این جشنواره راه یافته و نمایش داده شد اما این فیلمساز در زندان بسر می‌برد. مژگان اینانلو از جمله سینماگرانی است که پس از اعلام حمایت از

خیزش ملی و مردم معترض بازداشت شد.

کانون سینماگران مستقل ایران (iifma) هفته گذشته در خارج از کشور و به دلیل افزایش فشارها بر سینماگران تشکیل شد. این کانون همچنین با اعلام حمایت از بیانیه تحریم جشنواره حکومتی «سینما حقیقت» از سوی شماری از هنرمندان و اهالی فرهنگ نوشته که «بیانیه فیلمسازان نام‌آور سینمای مستند و اهالی فرهنگ و هنر برای تحریم جشنواره حکومتی سینما حقیقت دلگرم کننده و روحیه‌بخش است. کانون فیلمسازان مستقل ایران حمایت خود را از این اقدام شایسته اعلام می‌دارد و دست این سینماگران آگاه و اندیشمند را به گرمی می‌فشارد و امیدوار است که با تحریم و متوقف ساختن همه ابزارهای ضد فرهنگی جمهوری اسلامی بتوانیم به دریای پر خروش اعتصابات سراسری هم میهنان آزاده خود بپیوندم.»

شانزدهمین جشنواره «سینما حقیقت» قرار است ۱۸ آذرماه با شعار «حقیقت بهترین راهنماست» آغاز شود. تحریم آن از سوی شماری از هنرمندان و سینماگران یکی از مهمترین خیرهای حوزه سینما در روزهای گذشته بوده است.

در چنین شرایطی حسین مسگران مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان از اکران رایگان فیلم‌های جشنواره «سینما حقیقت» در زاهدان خبر داد: «طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده ۱۶ فیلم در این جشنواره به نمایش گذاشته می‌شود که ۳۳۰ خاطره، آسک، اسرار دریاچه و پنهان شدگی بخشی از این فیلم‌هاست که در سالن اشراق اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان به نمایش گذاشته می‌شود.»

از ابتدای خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی تا کنون ده‌ها سینماگر از مردم ایران حمایت کردند. شماری از زنان سینماگر تصاویر بی‌حجاب خود را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند. در این میان شماری از سینماگران بازداشت، احضار، ممنوع‌الکار و ممنوع‌الخروج شدند. اینهمه اما سبب پایان حمایت سینماگران و اهالی فرهنگ از مردم معترض نشد.

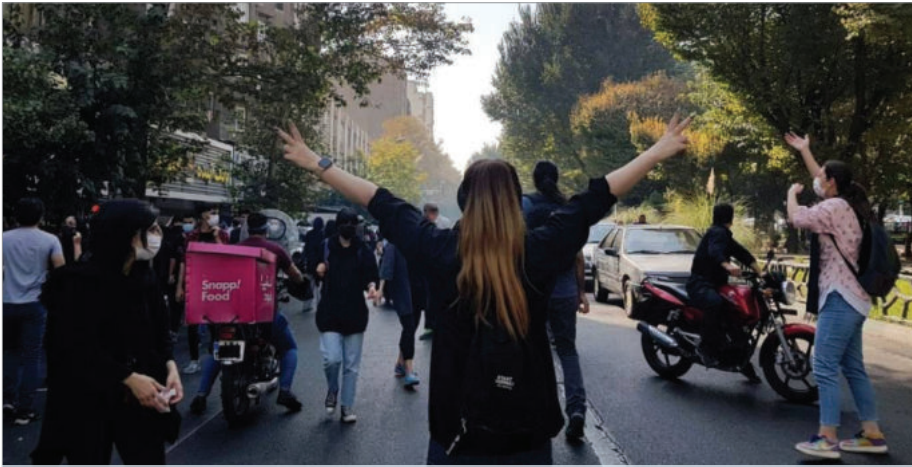
هفته گذشته نیز اعضای هیئت‌مدیره و بازرسان کانون نمایشنامه‌نویسان و مترجمان تئاتر ایران به دلیل درخواست‌شان از نیروی انتظامی برای پرهیز از خشونت در برابر معترضان بازخواست شده‌اند و در نتیجه «در همراهی با مردم استعفا داده‌اند.

در بخشی از بیانیه این هنرمندان آمده است: «ماه تباہ شده‌ایم، چرا که دولت‌ها یکی پس از دیگری آمدند و گریه از این کلاف سردرگم مدیریت فرهنگی باز نشد. به‌راستی از تئاتر ایران چه مانده است؟ از هنر درام‌نویسی و بالندگی آن در این مرز و بوم چه مانده است؟ از شرافت و آزادی و حق‌خواهی چه مانده است؟ ما چه داریم که به آیندگان بسپاریم؟»

خانه سینما نیز که پیشتر از تشکیل پرونده، بازداشت یا ممنوع‌الخروج شدن دست‌کم ۱۰۰ سینماگر از ابتدای خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی تا کنون خبر داده بود، هفته گذشته در بیانیه‌ای تهدید کرد «در اعتراض به ادامه خشونت‌ها علیه مردم ایران و به دلیل احضار و بازداشت پی در پی اعضای خود هشدار می‌دهد در صورتی که تهدیدها و بازداشت‌ها پایان نیافته و سینماگران بازداشت شده آزاد نشوند، از اعضای خود خواهد خواست دست به اعتصاب زده، از همکاری با پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی خودداری کرده و در برابر سازمان سینمایی تحصن کنند.»

در این بیانیه آمده که در چند روز گذشته با وجود رایزنی‌های خانه سینما و اعلام پیگیری سازمان سینمایی برای آزادی سینماگران نه تنها نتیجه‌ای به دست نیامد بلکه منجر به احضارها و بازداشت‌های جدیدی هم شد. خانه سینما اتهام‌هایی نظیر «اقدام علیه امنیت ملی»، «تشویش اذهان عمومی»، «نشر اکاذیب» و «همراهی با رسانه‌های بیگانه» را که به سینماگران منتسب می‌شود غیرواقعی دانسته و معتقد است «سینماگران تنها تاوان مدیران کارناבל را می‌دهند که در این سال‌ها امکان گفتگو و مکالمه واقعی با مردم را ایجاد نکرده‌اند. زندان جای هنرمند نیست و هیچکس به دلیل ابراز عقیده نباید در زندان بماند.»

جمهوری اسلامی در حال بررسی حجاب اجباری! مردم: چه با حجاب چه بی حجاب میریم به سوی انقلاب!



اعتراضات ضدحکومتی در ایران

خدمات به این افراد، نیازی به تصویب قانون و ابلاغ ندارند و بی حجاب باید از گرفتن خدمات اجتماعی محروم شود.» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی اما به «برچیده شدن گشت ارشاد» که خواسته جناح اصلاح طلب حکومت است چراغ سبز نشان داده و گفته: «حفظ حجاب در یک چهارچوب مشخص، یک قانون در جمهوری اسلامی است و ما نمی توانیم توقف اجرای قانون را داشته باشیم. پس اصل اینکه رعایت حجاب قانون است و باید رعایت شود، شکی در آن نیست و هرچقدر هم فضای کشور ملتهب باشد، نمی توان نسبت به این موضوع، بی تفاوت بود. اکنون باید بحث بر سر این باشد که مدل اجرای این قانون و اقلیت جامعه به چه صورت باشد. بنده، مدل و ساختار گشت ارشاد را موفق ندیدم و این حرف را به واسطه اتفاقاتی که در کشور افتاد، نمی زنم، بلکه پیش از این حوادث به آن رسیده بودم، چون آن مدل، نقطه آخر اجرای قانون است.» مقامات جمهوری اسلامی در حالی زرمزه تغییر یا بازنگری در قوانین و مجازات های مربوط به حجاب را مطرح می کنند و برخی چهره های اصلاح طلب هم خواهان اختیاری شدن حجاب در ایران هستند که موضوع مردم ایران در اساس ساختار معیوب و فاسد و تباه و جنایتکار جمهوری اسلامی است نه صرفا موضوع حجاب و حقوق نقض شده ی زنان در قوانین جمهوری اسلامی!

هرچند خیزش انقلابی کنونی مردم علیه جمهوری اسلامی از ۲۶ شهریور و با جان باختن مهسا امینی بر اثر ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد در ارتباط با موضوع عدم رعایت حجاب اجباری آغاز شد، اما شعارهای مردم در بیش از دو ماه و نیم گذشته و پیش از آن بطور شاخص از پاییز ۹۶ همواره «کل نظام» جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و این موضوع در اعتراضات مرتب تکرار می شود تا حکومت و وابستگانش دچار سوء تفاهم نشوند که می شود نظام را با شل کردن حجاب نگه داشت!

همچنین در شرایطی که مردم شعارهایی چون «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» و «مرگ بر دیکتاتور» سر می دهند، این را نیز متوجه هستند که ممکن است جمهوری اسلامی با همکاری اصلاح طلبان حتا با عناوین جدید با تغییر و «تحول» در برخی مقررات مربوط به حجاب، با اینهمه کشتار و جنایات فجیع به دنبال به خانه راندن معترضان و پایان دادن به این خیزش انقلابی باشد. به همین دلیل طی هفته های گذشته شعار داهیانیه «چه با حجاب، چه بی حجاب، میریم به سوی انقلاب» نیز از سوی مردم سر داده شده است.

«ما نیازمند روش های نوینی برای مجازات انگاری و دفاع از آرمان های حوزه پوشش و عفاف و حجاب هستیم و عملیاتی شدن این مصوبه ۸۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه عفاف و حجاب در دستورکار مجلس نیز قرار دارد.»

در دانشگاه ها نیز جلسات و نشست های به اصطلاح «آزاداندیشی» با موضوع «حجاب» برگزار شده است. در آنسو اما برخی دیگر از مقامات با تلاش و پند و نصیحت، و برخی دیگر با مواضع سفت و سخت تلاش دارند حجاب اجباری به هر شکل ممکن در جامعه حفظ شود.

رحیم پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به تازگی مدعی شده که حجاب اجباری «انتخاب» مردم بوده است. او گفته «در اعتراضات اصل مسئله معترضان حجاب نبود. تصور بنده این بود اکثر کسانی که حجاب ناقص دارند، کشف حجاب می کنند اما چنین نشد. اکنون اگر فردی بخواهد کشف حجاب کند، می تواند، اما مردم نمی خواهند!» همچنین بر اساس اسناد منتشر شده پس از هک خبرگزاری فارس در بولتن محرمانه و جنجالی این رسانه نوشته شده است که نتایج یک نظرسنجی وزارت کشور با جامعه آماری ۳۹۷۷ نفر در کل کشور نشان می دهد که ۵۱ درصد معتقدند حجاب باید اختیاری باشد و فقط حدود ۳۷ درصد بر اجباری بودن آن تأکید کرده اند. احمد صالحی رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری نیز روز پنجشنبه ۱۰ آذر گفته است درخواست هایی مبنی بر آزادی پوشش در جامعه به دست آنها رسیده است که «بر حسب وظیفه ذاتی» این مرکز به مسئولان منتقل می شود.

او بدون ارائه آمار گفته که این درخواست ها «بسیار اندک» بوده و افزوده که «باب امانت داری، صدای همه مردم ایران اسلامی است، چه صدای اقلیت و چه اکثریت. از این رو درخواست اقلیت مردم را هم ثبت و مورد رسیدگی قرار می دهد». این ابراز توجه و اعلام برای بررسی «مسئله» در حالیست که بسیاری از زنان در شهرهای مختلف بدون حجاب مورد نظر جمهوری اسلامی رفت و آمد می کند و در مواردی با مزاحمت و آزار حزب اللهی ها و لباس شخصی ها روبرو می شوند. از سوی دیگر برخی مقامات جمهوری اسلامی همچنان بر اجباری بودن حجاب اصرار دارند. در حالی که برخی زنان در هفته های گذشته بدون روسری در معابر عمومی شهرهای مختلف حاضر می شوند، یک نماینده مجلس شورای اسلامی خواستار عدم ارائه خدمات اجتماعی به این زنان شده است. علی اصغر عنابستانی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفته «از آنجایی که حجاب قانون است و برخی این قانون را زیر پا گذاشتند، دستگاه های خدماتی برای عدم

دادستان کل کشور با بیان اینکه «کشف حجاب از رنج های کنونی است» گفته که مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب اسلامی در حال کار و مطالعه بر روی مسئله حجاب هستند.

رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری گفته که درخواست هایی مبنی بر آزادی پوشش در جامعه به دست آنها رسیده که «بر حسب وظیفه ذاتی» این مرکز به مسئولان منتقل می شود.

برخی مقامات جمهوری اسلامی طی روزهای گذشته اظهار نظرهایی درباره اختیاری شدن حجاب داشته و دادستان کل کشور نیز خبر از بررسی هایی از سوی مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب داده که نتایج آن تا دو هفته دیگر قرار است مشخص شود. این در حالیست که حق پوشش اختیاری و تأمین حقوق زنان که تا با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ۴۳ سال پیش به شکل قانونی و با روش های ضدانسانی زیر پا گذاشته شده، تنها خواست مردم ایران نیست! آنها در سال های اخیر به صراحت اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی را نمی خواهند و هم اکنون نیز در خیابان ها فریاد می زنند: «چه با حجاب، چه بی حجاب، میریم به سوی انقلاب!»

با گذشت ۱۰ هفته از خیزش ملی که به عقیده بسیاری از ناظران و همچنین خود مردم به یک حرکت کاملا انقلابی تبدیل شده، دادستان کل جمهوری اسلامی خبر داد که مجلس و شورای عالی انقلاب در حال کار بر روی مسئله حجاب هستند و نتایج آن تا ۱۵ روز آینده مشخص خواهد شد. محمد جعفر منتظری دادستان کل کشور با بیان اینکه «کشف حجاب از رنج های کنونی است» گفته که مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب اسلامی در حال کار و مطالعه بر روی مسئله حجاب هستند که نتایج آن تا ۱۵ روز آینده مشخص خواهد شد؛ به گفته وی «این تصمیم سازی ها باید بر اساس تدبیر صورت بگیرد.»

به نظر می رسد آنچه دادستان کل کشور به آن اشاره دارد، تغییر شیوه مواجهه جمهوری اسلامی با موضوع «حجاب اجباری» است. او گفته که «دستگاه قضایی به دنبال تعطیلی پلیس امنیت اجتماعی نیست؛ منتهی بعد از حوادث اخیر دستگاه های امنیتی و فرهنگی به دنبال حل مدبرانه ی مسئله هستند» و «دستگاه قضایی در حال تدوین و پیش نویس لایحه مربوط به حوزه عفاف و حجاب است». احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته گفته بود که نیازمند روش های نوین در حوزه پوشش و حجاب هستیم. احمد راستینه گفت

همکاری مشترک یگان حفاظت محیط زیست و پلیس امنیت از قاچاقچیان حیوانات کشف و به پردیسان منتقل شد. «ایران» در زمان کشف دچار سوءتغذیه شدید بود و به علت جدایی زود هنگام از زادگاه خود، بسیاری از مهارت‌های بقا را فرا نگرفته بود. دامپزشکان امید چندانی به زنده ماندن «ایران» نداشتند اما او زنده ماند و پس از دو سال توانست نخستین بارداری خود را تجربه کند.

تشخیص دامپزشکان این بود که زایمان طبیعی برای «ایران» خطرناک است و به همین دلیل او سزارین شد. دست زدن تیم زایمان به تولد باعث پس زدن تولد‌ها از سوی ایران شد. دو تولد نر دیگر حاصل از این زایمان جانباختند و «پیروز» تولد نر زنده ماند.

«پیروز» که اکنون شش ماهه است، هنوز وابستگی زیادی به انسان به ویژه به علیرضا شهرداری تیمارگرش دارد. سازمان محیط زیست اعلام کرده که دلیل این وابستگی نیاز پیروز به درمان و مراقبت ویژه بوده است.

یوز ایرانی از جمله گونه‌های جانوری در حال انقراض در ایران است که طی سال‌های گذشته اشتباهات پی در پی مقامات دولتی، خطر این انقراض را افزایش داده است.

آیا جمهوری اسلامی توانایی نکشتن دو تولد یوزپلنگ پیداشده در منطقه توران را دارد؟!

سازمان حفاظت محیط زیست گفته بود «ما «پیروز» را حتماً به توران انتقال خواهیم داد اما برنامه‌ای برای رهاسازی



دو تولد یوزپلنگ پیداشده در منطقه حفاظت شده توران ماده هستند

پیام محبی رئیس جامعه دامپزشکان ایران در مورد پیدا شدن دو تولد یوز با کنایه گفته که «اینکه یک چوپان توانسته این دو تولد یوز را برد و از آنها نگهداری کند، بدون اینکه جان‌شان به خطر بیفتد، موضوع جالب و مهمی است، خصوصاً که همین چند ماه پیش مدیران محیط زیست ایران نتوانستند برای حفظ دو فرزند دیگر «ایران» کاری انجام دهند، بر این اساس به نظرم بجای این مدیران، یک چوپان را برای حفظ و احیای پروژه احیای یوزپلنگ ایرانی بگذاریم، نتیجه بهتری می‌گیریم.»

پیام محبی افزوده «مسئله اینجاست که کسانی که پایه‌گذار اصلی پروژه احیای یوز ایرانی بودند حالا اصلاً در پروژه حضور ندارند و کنار گذاشته شده‌اند، آنهایی هم که در حال حاضر بر سرکارند، مدام مشغول هستند که ثابت کنند مدیران و برنامه‌ریزان قبلی چه اشتباهاتی داشته‌اند.» رئیس جامعه دامپزشکان ایران درباره استفاده از این تولد یوزها در پروژه احیای یوزپلنگ ایرانی گفته که «هر یک روز که این تولد‌ها در بیرون از حیات وحش نگهداری شوند، یک روز از توانایی آنها برای زندگی طبیعی و در طبیعت کاسته می‌شود و این موضوع بسیار مهمی است.»

او در طبیعت نداریم. ضمن اینکه ما نمی‌خواهیم اعتبار، انرژی و هزینه سازمان را بیش از این برای «پیروز» و حتی شرایط تکثیر صرف کنیم.»

معاون محیط زیست طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست گفته بود که اولویت هزینه‌کرد برای یوزپلنگ‌هایی است که در طبیعت زندگی می‌کنند چراکه ظرفیت اعتباری ما نامحدود نیست بنابراین اولویت را به یوزپلنگ‌های ساکن در طبیعت می‌دهیم.

بنا به گفته معاون سازمان حفاظت محیط زیست نگهداری «پیروز» ماهانه ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد. او تأکید دارد که با توجه به مشورت و توصیه کارشناسان، «پیروز» احتمالاً در بهار سال آینده به پارک ملی توران برای نگهداری در فنس انتقال داده می‌شود.

این در حالیست که سازمان محیط زیست و تیمارگر «پیروز» بارها اعلام کرده‌اند که پیروز امکان رها شدن در طبیعت را ندارد و باید در شرایط اسارت نگهداری شود.

«پیروز» تنها تولد بازمانده از زایمان «ایران» است که اردیبهشت امسال به همراه دو یوز نر دیگر در توران به دنیا آمد. «ایران» تولد یوز هشت‌ماهه ماده‌ای بود که طی

● تولد‌های پیدا شده ۱۶ تا ۲۰ روزه و هر دو ماده هستند و این موضوع امید برای تولید مثل و نجات گونه‌ی در حال انقراض یوزپلنگ ایرانی را افزایش داده است.

● چندی پیش خبری درباره عدم توانایی دولت در پرداخت هزینه‌های نگهداری «پیروز» تنها تولد‌ی باقی‌مانده از «ایران» منتشر شده بود.

● یوز ایرانی از جمله گونه‌های جانوری در حال انقراض در کشور است که طی سال‌های گذشته اشتباهات پی در پی مقامات دولتی، خطر این انقراض را افزایش داده است.

دو بچه یوزپلنگ در منطقه حفاظت شده توران توسط یک چوپان پیدا شده و به پاسگاه محیط‌بانی منتقل شدند. این دو یوزپلنگ نوزاد در حالی هواداران حیات وحش را امیدوار کرده که یوزپلنگ ایرانی از خطر انقراض نجات پیدا کند که در توانایی نهادهای مسئول جمهوری اسلامی برای حفاظت از این دو تولد یوزپلنگ ابهام و تردید جدی وجود دارد. بهرام‌علی ظاهری مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان با اعلام خبر پیدا شدن دو تولد یوزپلنگ در منطقه حفاظت شده توران گفته تولد‌های پیدا شده ۱۶ تا ۲۰ روزه و هر دو ماده هستند و این موضوع امید برای تولید مثل و نجات گونه‌ی در حال انقراض یوزپلنگ ایرانی را افزایش داده است.

بهرام‌علی ظاهری توضیح داده که یک چوپان روز پنجشنبه گذشته دهم آذرماه در حین چرای دام خود در پناهگاه حیات وحش توران صدای حیوان را می‌شنود و به نزدیکی صدا می‌رود و در نهایت ۲ تولد یوزپلنگ را مشاهده می‌کند و می‌گیرد. پس از آن موضوع را در روز جمعه به محیط‌بانان گزارش می‌کند و از همان موقع جستجو برای یافتن مادر ۲ یوزپلنگ آغاز شد که تا کنون با وجود تلاش‌ها هنوز مادر تولد‌ها پیدا نشده است.

به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان گفته که زایمان یوزپلنگ به طور معمول در اوایل بهار انجام می‌شود، زیرا دمای هوا و سایر شرایط طبیعی برای رشد و نمو تولد‌ها مناسب است؛ اما زایمان یوز در نیمه دوم پاییز در طبیعت توران پدیده‌ای نادر بوده و احتمال بقای تولد‌ها را در طبیعت بسیار دشوار می‌کند.

او گفته که برای بررسی سلامت تولد یوزپلنگ‌ها، از متخصص داخلی دام کوچک دانشکده دامپزشکی، متخصص داخلی دام بزرگ سازمان محیط زیست کشور و متخصص مامایی و بیماری‌های تولیدمثل و برخی اعضای متخصص دیگر در این حوزه استفاده شده و این افراد اکنون در منطقه حضور دارند و در حال فعالیت هستند.

پیشتر «پیروز» تنها تولد باقیمانده از بارداری یک تولد یوزپلنگ ماده، امیدواری برای نجات یوز ایرانی را افزایش داده بود و حالا دو تولد یوزپلنگ ماده می‌تواند این امید را دو چندان کند.

مدیرکل حفاظت محیط زیست سمنان تأکید کرده جستجو برای یافتن مادر دو تولد‌ی یافت شده در منطقه حفاظت‌شده توران ادامه دارد و اگر مادر تولد‌ها پیدا نشود یا تولد‌ها را نپذیرد، باید در مورد نگهداری آنها به صورت دستی و تحت نظارت و مراقبت ویژه تصمیم‌گیری شود. از آنجا که چوپان به تولد‌ها دست زده و آنها را از محلی که قرار داشتند جابجا کرده، احتمال اینکه حتی در صورت پیدا شدن مادر یوزها، او تولد‌هایش را بپذیرد و حاضر به شیر دادن و مراقبت از آنها باشد خیلی پایین است.

اینهمه در حالیست که چند روز پیش خبری درباره عدم توانایی دولت در پرداخت هزینه‌های نگهداری «پیروز» منتشر شده بود. حسن اکبری معاون محیط زیست طبیعی

به درخواست خانواده، پدر کیان پیرفلک به بیمارستانی در تهران انتقال یافت؛ پدر هنوز از جان باختن کودک اش اطلاع ندارد!



میثم پیرفلک

مراسم خاکسپاری کیان در حالی برگزار شد که پدرش در بیمارستان گلستان اهواز تحت مراقب‌های ویژه بود و یک عمل جراحی ناموفق بر روی او انجام شده بود. میثم پیرفلک نیازمند عمل دوم بود تا زنده بماند و نیروهای امنیتی از این موضوع به عنوان ابزاری برای زیر فشار قرار دادن مادر کیان استفاده کردند. آنها زینب مولایی را مادر کیان پیرفلک را زیر فشار قرار دادند تا افشاکری در مراسم خاکسپاری فرزندش را پس بگیرد و اعترافات اجباری انجام دهد.

همزمان اما عموی کیان در گفتگو با روزنامه «اعتماد»، صحبت‌های مادر کیان را تأیید کرده و گفته که حرف‌های وی تمام ابعاد پنهان موضوع را نمایان کرد و واقعیت همانی است که او در مراسم خاکسپاری کودکش گفت.

سجاد پیرفلک افزوده که مادر کیان «به عنوان فردی که دقیقاً در صحنه حادثه حضور داشته در جمع هزاران نفر از مردم به صورت شفاف توضیح داد که چه اتفاقی برای کیان، پدرش و کل خانواده افتاده است.»

به گفته سجاد پیرفلک، هنگام شلیک مأموران به ماشین این خانواده، رادین برادر سه ساله کیان و مادرش، زینب مولایی را در صندلی سمت شاگرد نشسته بودند و تیرهای شلیک شده از سمت راننده به ماشین برخورد کرد و کیان هم که در سمت راننده نشسته بود تیرها به پهلوی او اصابت کرد.

عموی کیان افزود که «من فیلم‌های فاجعه را دیدم و متوجه شدم که روایت صحیح همانی است که مادر کیان مطرح می‌کند. نه رادین و نه مادرش تیر نخوردند از سوی دیگر کیان فوت کرد و پدرش هم در بیمارستان است.»

سجاد پیرفلک تأکید کرده که مادر کیان معلم هنر است و نه تنها زن بسیار روشنفکر و آگاهی است بلکه همه وقت خود را صرف تربیت فرزندانش کرده بطوری که کیان ضرورت حفاظت از محیط زیست را درک می‌کرد و در همین سن کارهای زیادی برای محیط زیست انجام می‌داد، حقوق شهروندی را درک و رعایت می‌کرد، به هنر عشق می‌ورزید، به فردیت و حریم خصوص افراد احترام می‌گذاشت، و معرفی نسلی بود که می‌شد به آنها امید داشت که بتوانند ایران را آباد و آزاد کنند.

آذرمه) به خاطر شرایط سپسیس، قدرت تنفس بیمار کاهش یافت که تیم بیهوشی بیمارستان، بیمار را به دستگاه ونتیلاتور وصل کرد و شرایط وی در حال حاضر درمان با دارو و نگهداری در آی‌سی‌یو است.»

شب حادثه پس از آنکه میثم به دلیل وخامت وضعیت جسمی به بیمارستان گلستان اهواز منتقل و کیان در بیمارستان ایده جان می‌بازد، مادر کیان از هراس اینکه مأموران امنیتی پیکر کودک‌کش را ندرزدند و پنهانی به خاک نسپارند، با کمک اقوام نزدیک پیکر کیان را از بیمارستان تحویل گرفت و به خانه برد و با گرفتن یخ از همسایه‌ها برای قرار دادن روی پیکر فرزندش تا صبح در کنار او ماند تا ساعت خاکسپاری فرا برسد.

کیان پیرفلک کودکی تیزهوش و دوست‌داشتنی و با استعداد و با آرزوهای بزرگ بود از جمله اینکه مخترع شود. بلافاصله پس از جان باختن وی ویدئوهای او که از علاقه‌اش به اختراع و رباتیک گرفته بود و ویدئوی قایقی که خودش اختراع کرده بود تا در جشنواره علمی «جابرین حیان» شرکت کند در شبکه‌های اجتماعی هزاران هزار بار چرخید و دیده شد. کیان در ویدئوی آزمایش قایق‌اش با عبارت «به نام خدای رنگین کمان» توضیحات‌اش را آغاز کرد و با «پس نتیجه می‌گیریم که کار می‌کند» به پایان برد.

«به نام خدای رنگین کمان» و «قایق» به سرعت با نام کیان پیرفلک پیوند خورد. همچنین «یخ» برای بسیاری از ایرانیان یادآور رنج بی‌پایان و توصیف‌ناشدنی و تصورناپذیر مادر کیان در شب از دست دادن فرزندش است.

شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان بیش از ۱۰ نفر در ایده با شلیک مأموران حکومتی کشته و زخمی شدند. در این میان دو کودک دیگر به نام سپهر مقصودی و آرتین رحمانی نیز جان باختند. جمهوری اسلامی در دروغی وقحانه ادعا کرد تیراندازی به سمت مردم از سوی مأموران حکومتی نبوده و یک حمله تروریستی بوده است! شهروندان اما چنین ادعایی را رد کرده‌اند و در مراسم خاکسپاری کیان پیرفلک، مادرش پشت بلندگو ماجرای شب حادثه را تعریف و تأکید کرد این حمله تروریستی نبود و مأموران حکومتی به سوی آنها و دیگر شهروندان شلیک کردند.

● به گفته پزشک معالج میثم پیرفلک «روز یکشنبه ششم آذر به خاطر شرایط سپسیس، قدرت تنفس وی کاهش یافت و تیم بیهوشی بیمارستان، او را به دستگاه ونتیلاتور وصل کردند.»

● میثم پیرفلک در حالی برای ادامه درمان به تهران منتقل شده که هنوز از جان باختن کیان کودک تیزهوش و دوست‌داشتنی خود خبر ندارد.

● عبارت «به نام خدای رنگین کمان» که کیان توضیحات درباره «قایق» اختراعی خود را با آن آغاز کرد با نام وی پیوند خورده و «یخ» نیز برای بسیاری از ایرانیان یادآور رنج بی‌پایان و توصیف‌ناشدنی و تصورناپذیر مادر کیان در شب از دست دادن فرزندش است که از پیکر وی در برابر سرعت از سوی مأموران امنیتی محافظت کرد تا صبح به خاک سپرده شود.

میثم پیرفلک پدر کیان پیرفلک به خواست خانواده و برای ادامه روند درمان از بیمارستان گلستان اهواز به بیمارستانی در تهران منتقل شد.

جواد شریعتی مدیر داخلی مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی گلستان اهواز روز شنبه ۱۲ آذرماه اعلام کرده که «با توجه به وضعیت فعلی میثم پیرفلک و بنابر درخواست خانواده وی، این مجروح برای ادامه روند درمان به پایتخت انتقال یافت.»

میثم پیرفلک در حالی برای ادامه درمان به تهران منتقل شده که هنوز از جان باختن کیان کودک تیزهوش و دوست‌داشتنی خود خبر ندارد.

میثم پیرفلک روز چهارشنبه ۲۵ آبان به همراه همسر و دو فرزند ۱۰ ساله و ۵/۳ ساله‌اش در ایده در حال عبور از خیابان بودند که اتومبیل آنها از سوی مأموران جمهوری اسلامی هدف رگبار گلوله قرار گرفت. میثم و کیان فرزند ۱۰ ساله‌اش که روی صندلی عقب سمت راننده نشسته بودند مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند. کیان جان می‌بازد و پدر همچنان با گذشت سه هفته با وجود چند عمل جراحی همچنان در شرایط ناپایدار قرار دارد.

دکتر داوود شلیل احمدی رئیس بیمارستان گلستان بیشتر در گفتگو با رسانه‌های داخلی درباره وضعیت میثم پیرفلک گفته بود که او از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و در بخش «مگا آی‌سی‌یو دو» بیمارستان گلستان بستری است.

رئیس مرکز درمانی گلستان همچنین گفته بود که عمل‌های اصلی این بیمار که شامل عمل جراحی عروق و جراحی اعصاب بود در روزهای قبل انجام شده است، ولی به خاطر حجم آسیب‌های ناشی از اصابت گلوله به بافت‌ها و استخوان‌ها، این بافت‌ها تخریب شده و موجب التهاب و عفونت در بیمار شده‌اند.

دکتر داوود شلیل احمدی افزوده بود «به همین دلیل ۲ بار و در روزهای پنجشنبه سوم و شنبه پنجم آذر ۱۴۰۱ در اتاق عمل، بررسی مجددی از لحاظ وجود عفونت در محدوده شکم انجام شد که خوشبختانه بیمار عفونت شکمی نداشت و فقط بافت‌ها و استخوان‌های تخریب شده دچار عفونت شده بودند.»

در روزهای گذشته اما وضعیت میثم پیرفلک ناپایدار شد بطوری که دکتر داوود شلیل احمدی روز دوشنبه هفتم آذر اعلام کرد که «تیم‌های پزشکی بطور جدی در حال پیگیری و درمان میثم پیرفلک هستند، اما متأسفانه روز یکشنبه ۶)

حکایت تباهکاری‌های جمهوری اسلامی؛ کمبود و قطع گاز صنایع



● قطع گاز باعث شده تا بسیاری از واحدهای پتروشیمی به ویژه متانول‌سازها «اورهال» (تعمیرات اساسی) اجباری داشته باشند.

● رضا شهرستانی عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد با اشاره به تأثیر کمبود گاز بر تولید فولاد گفته است این مشکل باعث شده که در برخی از بخش‌های این صنعت از سوخت‌های جایگزین مانند مازوت، نفت سیاه و گازوئیل استفاده شود.

● حمیدرضا عراقی مدیر عامل پیشین شرکت ملی گاز مسائلی چون کمبود تکنولوژی، کاهش سرمایه‌گذاری و اکتشاف را از جمله دلایلی دانسته که ایران با وجود غنی‌ترین منابع گاز طبیعی، نتواند حتی نیاز کشور را بطور کامل تأمین کند.

کمبود گاز در ایران سبب کاهش سهم گاز به بخش صنعت شده بطوری که انجمن تولیدکنندگان فولاد اعلام کرده گاز اختصاص یافته به این صنعت به یک سوم کاهش پیدا کرده و گاز واحدهای پتروشیمی قطع شده است.

در شرایطی که بیشتر مقامات جمهوری اسلامی از عدم کمبود گاز در کشور و قطع نشدن گاز صنایع خبر داده بودند اما سهمیه گاز اختصاص یافته به بخش صنعت با شروع فصل سرما کاهش پیدا کرده است. این در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کردند که اروپا با سرمای زمستان به دلیل جنگ روسیه علیه اوکراین با کمبود گاز روبرو خواهد شد و برای توافق اتمی مجبور به امتیاز دادن خواهد شد!

در روزهای گذشته خبرهایی درباره قطع گاز پتروشیمی‌ها منتشر شد؛ رسانه‌های داخلی از قطع گاز پتروشیمی‌ها به دلیل سرمای هوا و احتمال افزایش مصرف گاز خبر داده بودند. در این خبرها تأکید شده بود که قطع گاز باعث شده تا بسیاری از واحدهای پتروشیمی به ویژه متانول‌سازها «اورهال» (تعمیرات اساسی) اجباری داشته باشند.

در این میان، احمد مهدوی ابهری نماینده دوره‌های پنجم و هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی و در حال حاضر دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایان صنعت پتروشیمی ایران مدعی شده بود که تا کنون هیچ‌کدام از پتروشیمی‌ها با قطع گاز مواجه نشده‌اند، اما اعلام شده که آمادگی لازم برای این مسئله ایجاد شود.

در حالی که مقامات مسئول می‌کوشند تا کمبود گاز در کشور به ویژه برای صنایع را پنهان کنند اما پس از خبرهایی درباره قطع گاز در پتروشیمی‌ها، خبر دیگری از کاهش سهم گاز صنایع فولادی به یک سوم گزارش شد بطوری که در برخی شهرک‌ها و نواحی صنعتی و صنایع بزرگ کمبود و قطع گاز وجود دارد.

در همین رابطه رضا شهرستانی عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد اعلام کرده که «صنعت فولاد روزانه ۴۰ میلیون مترمکعب گاز مصرف می‌کند که متأسفانه امروز این عدد به ۱۵ میلیون مترمکعب محدود شده یعنی گاز مورد نیاز صنعت فولاد به حدود یک سوم رسیده است.»

رضا شهرستانی با اشاره به تأثیر کمبود گاز بر تولید فولاد گفته که این مشکل باعث شده که در برخی از بخش‌های این صنعت از سوخت‌های جایگزین مانند مازوت، نفت سیاه و گازوئیل استفاده شود؛ «تولیدکنندگان برای اینکه از

دلایلی دانسته که ایران با وجود غنی‌ترین منابع گاز طبیعی، نتواند حتی نیاز کشور را بطور کامل تأمین کند.

حمیدرضا عراقی معتقد است بحران گاز «بدتر از بحران آب خواهد بود» و مقامات از دولت تا نمایندگان محلی شواری اسلامی باید به فکر باشند یعنی «روی مخازن جدید، فشارافزایی مخازن موجود و هم بهینه‌سازی مصرف تمرکز کنند»

همانطور که حمیدرضا عراقی اشاره کرده، ناتوانی جمهوری اسلامی در جذب سرمایه‌گذاری سبب شده ایران در برداشت از میدان گازی مشترک با قطر، میدان پارس جنوبی، هم موفق باشد. در همین رابطه سجاد خلیلی معاون نظارت بر منابع هیدروکربوری وزیر نفت در توییت اعلام کرده که «با وجود سهم کمتر ایران از میدان پارس جنوبی، مقدار تولید روزانه آن بیشتر از همسایه جنوبی است.»

بر اساس این گزارش، میدان پارس جنوبی از بزرگترین منابع گازی مستقل جهان است که روی خط مرزی مشترک ایران و قطر در خلیج فارس و به فاصله ۱۰۰ کیلومتری ساحل جنوبی ایران قرار دارد. در سال ۶۹ با حفر نخستین چاه اکتشافی در این میدان وجود گاز تأیید شد.

سهم ایران از این میدان ۹۷۰۰ کیلومتری، ۳۷۰۰ کیلومتر است و با ذخایر ۱۴ هزار میلیارد مترمکعب حدود ۸ درصد از ذخایر کل جهان را دارد. حجم ذخایر میعانات گازی این میدان ۱۸ میلیارد بشکه برآورد شده است. توسعه این میدان در سال ۷۶ از سوی ایران آغاز شد. ظرفیت برداشت روزانه ایران ۷۰۵ میلیون مترمکعب بوده که بیشتر از قطر است.

برداشت جمعی ایران از میدان مشترک پارس جنوبی از ابتدای توسعه آن تا کنون بیش از ۲ هزار میلیارد مترمکعب بوده که با سرمایه‌گذاری بیش از ۸۰ میلیارد دلاری محقق شده، ارزش محصولات پارس جنوبی تا ابتدای بهمن ۱۴۰۰ برابر با ۳۶۰ میلیارد دلار بود.

در شرایطی که جمهوری اسلامی حتی از تولید و توزیع گاز برای نیاز داخلی کشور شکست خورده، قطر به تازگی قراردادی برای صادرات گاز به آلمان به مدت ۱۵ سال از سال ۲۰۲۶ به بعد امضا کرده است.

بحران گذر کنند چاره‌ای جز استفاده از مازوت ندارند چرا که یا باید تولید را به صورت مطلق متوقف کنند و با مشکلات محیط زیستی ایجاد شده را به تن بخرند.»

قطع و اُفت فشار گاز در چند شهرک صنعتی بزرگ دیگر نیز گزارش شده است. مدیر صنایع فلزی سازمان صمت استان خراسان نیز خبر از قطع قریب‌الوقوع گاز داده و گفته «قرار است قطعی منحصر به صنایع بزرگی باشد که مشعل دوم دارند اما در این قطعی، طبق قانون بهبود فضای کسب و کار، دولت باید ضرر ناشی از قطع انرژی را به واحدها بپردازد که البته تا کنون خبری از این موضوع در هیچ موردی در دسترس نیست.»

فرماندار هشتتود نیز گفته که «کلیه صنایع تولیدی، سردخانه‌ها، مرغداری‌ها، گاوداری‌ها، گلخانه‌ها و.. حتماً برای تهیه سوخت دوم اقدام کنند تا در مواقع بحران دچار ضرر و زیان نشوند.»

پیشتر در همین رابطه ۲۸ آبان مدیر «دیسپاچینگ» (سیستم اطلاعات و کنترل) شرکت ملی گاز ایران اعلام کرد در روزهای سرد سال، در صورت عدم کاهش مصرف گاز خانگی و تجاری احتمال قطع گاز صنایع و اعمال محدودیت بیشتر برای نیروگاه‌های کشور وجود دارد. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان نیز مهرماه امسال از قطع گاز در صنایع این کشور خبر داده بود: «پیش‌بینی می‌کنیم صنایع استان مانند سال قبل دچار چالش خواهند شد و قطعی گاز داشته باشند.»

در چنین شرایطی دیگر ادعاهای پیشین مقامات حکومتی درباره داشتن منابع کافی گاز و قطع نشدن گاز صنایع کارآیی ندارد و اظهاراتی درباره مشکلاتی که بر سر تأمین گاز وجود دارد به گوش می‌رسد.

حمیدرضا عراقی مدیرعامل پیشین شرکت ملی گاز ایران درباره کمبود گاز در کشور گفته که منحنی تولید گاز در ایران رو به نزول است و با گذشت زمان شدت کاهش تولید بیشتر می‌شود تا جایی که تا چند سال آینده کلاً اُفت می‌کند. مدیرعامل پیشین شرکت ملی گاز مسائلی چون کمبود تکنولوژی، کاهش سرمایه‌گذاری و اکتشاف را از جمله

دوشنبه ۱۴ آذرماه: اعتصابات گسترده در ده‌ها شهر ایران؛

هشدار رئیس دفتر عقیدتی سیاسی خامنه‌ای در مورد «خیزش‌های محله‌محور»



اعتصاب در بازار تبریز (تصویر سمت چپ) و گناوه (تصویر سمت راست)

اسلامی در نشست «شورای عالی قضایی» که دوشنبه صبح برگزار شد با فرافکنی چشم بستن به روی این واقعیت که معترضان و اعتصاب‌کنندگان خود مردم هستند، دستور داد «مسئولان قضایی و انتظامی و امنیتی باید کسانی که فراخوان اعتصاب می‌دهند و بازاریان و کامیونداران را تهدید می‌کنند که اگر کار را تعطیل نکنند مغازه و کامیون آنها را به آتش می‌کشند، شناسایی، تعقیب و محاکمه کنند.»

محسنی اژه همچنین تهدید کرد «با عناصری که در صد اقدامات ایذایی ضد مردمی هستند برخورد شود.» منظور اقداماتی مثل خیزش‌های محله‌محور و پرتاب کوکتل مولوتف و خرابکاری‌های شرافتمندانه است. آنهم در حالی که حسن کرمی فرمانده یگان ویژه نیروی انتظامی چهارم مهرماه ادعا کرده بود «هوشمندانه توانستیم اغتشاشات را جمع کنیم!»

حجت‌الاسلام علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی سیاسی علی خامنه‌ای در یک نوشتار بلند با عنوان «چه شد اغتشاشات فروکش کرد؟» به ارزیابی اعتراضات پرداخته است که اصلاً فروکش نکرده است! در بخشی از این گزارش آمده «محله‌محور بودن اغتشاشات این فتنه را از تمرکز روی شهرها و مرکزیت آنها تغییر جهت داد و به صورت محله‌محور عمل کرد که بتواند اقشار مختلف را درگیر نماید.»

در واکنش به اعتصابات گسترده سه روزه که دوشنبه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۱ آغاز شده است، رسانه‌های حکومتی اغلب سکوت کرده‌اند. همزمان کانال‌های تلگرامی نزدیک به اصولگرایان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ویدئوهایی از مغازه‌هایی که در سطح شهرها با اعتصاب همراهی نکردند منتشر می‌کنند و از شکست فراخوان می‌گویند! شماری از فعالان اصلاح‌طلب نیز با حکومت همصدا شده و ادعای عدم استقبال از اعتصاب را تکرار می‌کنند. این در حالیست که تا ظهر دوشنبه صدها ویدئو از اعتصاب بازاریان و کسبه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

«بی‌شرف، بی‌شرف» سر دادند. ساعتی بعد نیروهای امنیتی به گفته‌ی یکی از شهروندان که ویدئو ارسال کرده مانند «پشگل» به این بازار ریختند!

شهروندان گزارش داده‌اند دور تا دور «میدان انقلاب» (۲۴ اسفند) و «فردوسی» نیروهای امنیتی و پلیس ضدشورش مستقر شده است. در تهرانپارس (شرق تهران) و آریاشهر (فلکه صادقیه) نیز نیروهای امنیتی مستقر



بازار بزرگ تهران

هستند. در کرج (گوهردشت، فردیس، شهریار، مارلیک و مهرشهر) اعتصاب است. بازاریان و کسبه در سایر شهرها از جمله تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، کازرون، سمنجان و دیگر شهرهای کوچک و بزرگ دست به اعتصاب زده‌اند. همزمان با تداوم اعتصاب کامیونداران و تانک‌داران صدها نفر از کارگران چند واحد صنعتی نیز دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند. گسترش این اعتصابات با وجود همه تهدیدات نشان می‌دهد که حکومت بیشتر از هفته‌های اخیر کنترل اوضاع را از دست داده است. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری

● در تهران کسبه بازار بزرگ (طلافروشان و کفاشان، مشیرخلوت، سنگلج و امامزاده یحیی، کسبه پشت مسجد شاه تا پامنار)، لاله‌زار و سعدی، باغ سپهسالار و بخش‌هایی از مقوا و کاغذفروشی‌ها در ظهرالاسلام، فروشگاه‌ها در خیابان پهلوی (ولیعصر)، ستارخان و بازار مبل دلاوران، عبدالآباد و بازار آهن در اعتصاب هستند.

● در بازار چراغ‌برق حوالی ساعت ۱۰:۰۰ صبح مردم شعارهای زیادی علیه حکومت سر دادند از جمله فریاد زدند «اینهمه لشکر آمده، به جنگ رهبر آمده»، «مرگ بر دیکتاتور». آنها خطاب به نیروهای امنیتی شعار «بی‌شرف، بی‌شرف» سر دادند.

● کرج (گوهردشت، فردیس، شهریار، مارلیک و مهرشهر) در اعتصاب است و بازاریان و کسبه در تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، کازرون، سمنجان و سایر شهرهای کوچک و بزرگ دست به اعتصاب زده‌اند.

● غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی دستور داد «مسئولان قضایی و انتظامی و امنیتی باید کسانی که فراخوان اعتصاب می‌دهند و بازاریان و کامیونداران را تهدید می‌کنند که اگر کار را تعطیل نکنند مغازه و کامیون آنها را به آتش می‌کشند، شناسایی، تعقیب و محاکمه کنند.»

● حجت‌الاسلام علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی سیاسی علی خامنه‌ای در یک نوشتار بلند گزارش داد «محله‌محور بودن اغتشاشات؛ این فتنه را از تمرکز روی شهرها و مرکزیت آنها تغییر جهت داد و به صورت محله‌محور عمل کرد که بتواند اقشار مختلف را درگیر نماید.»

● رسانه‌های حکومتی اغلب سکوت کرده‌اند. همزمان کانال‌های تلگرامی نزدیک به اصولگرایان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ویدئوهایی از مغازه‌هایی که در سطح شهرها با اعتصاب همراهی نکردند منتشر می‌کنند و از شکست فراخوان می‌گویند! شماری از فعالان اصلاح‌طلب نیز با حکومت همصدا شده و ادعای عدم استقبال از اعتصاب را تکرار می‌کنند. این در حالیست که تا ظهر دوشنبه صدها ویدئو از اعتصاب بازاریان و کسبه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

از صبح روز دوشنبه ۱۴ آذرماه اعتصابات سراسری سه روزه در ایران آغاز شد. تا کنون ویدئوهای بسیاری از بسته بودن محل کار و کسب بازاریان منتشر شده و در ده‌ها شهر طبق فراخوانی که از هفته پیش اعلام شد مغازه‌ها و پاساژها کرکرها را پایین کشیده و اعتصاب کرده‌اند.

در تهران بخش‌هایی از بازار بزرگ (طلافروشان و کفاشان، مشیرخلوت، سنگلج و امامزاده یحیی، کسبه پشت مسجد شاه تا پامنار)، لاله‌زار و سعدی، باغ سپهسالار و بخش‌هایی از مقوا و کاغذفروشی‌ها در ظهرالاسلام، فروشگاه‌ها در خیابان پهلوی (ولیعصر)، ستارخان و بازار مبل دلاوران، عبدالآباد و بازار آهن در اعتصاب بسر می‌برند.

در بازار چراغ‌برق حوالی ساعت ۱۰:۰۰ صبح مردم شعارهای زیادی علیه حکومت سر داده و از جمله فریاد زدند «اینهمه لشکر آمده، به جنگ رهبر آمده»، «مرگ بر دیکتاتور». آنها خطاب به نیروهای امنیتی نیز شعار

سه‌شنبه ۱۵ آذرماه: تداوم اعتصاب بازاریان، دانشگاه‌ها و صنایع؛ رسانه‌های حکومتی: براندازان در اعتصاب شکست خوردند!



اعتصاب کارگران پتروشیمی سنندج برای دومین روز متوالی

شرکت ذوب‌آهن که در اعتصاب هستند در محوطه کارخانه شعار می‌دهند «فکر نکنی یک روزه، وعده ما هر روزه». کارگران سیمان سپاهان و پتروشیمی سنندج نیز در اعتصاب هستند.

از سوی دیگر، اعتصاب کامیونداران فعالیت بخشی از صنایع را مختل کرده است. از جمله خط مونتاژ کارخانه‌های سایپا کاشان، سایپا ساوه، پارس خودرو و سایپا مرکزی که محموله قطعات (قالب‌ها) مورد نیاز آنها برای تولید پراید، تیبا و ساینا به دلیل عدم بارگیری راننده‌ها به خط مونتاژ نرسیده است. تصاویر منتشر شده از انبارهای شرکت قالب‌های صنعتی سایپا که از شرکت‌های اصلی ساخت قالب ماشین در ایران است نشان می‌دهد محموله‌های بارگیری نشده روی زمین مانده است.

همچنین گزارش شده در بعضی شهرها واحدهای صنفی و مغازه‌ها به خاطر همراهی با مردم در اعتصابات پلمب شده‌اند. اما رسانه‌های حکومتی در اقدامی سازمانیافته و ابلاغ شده اصلا اعتصابات بازاریان و کارگران را انکار می‌کنند. آنها مدعی‌اند «براندازان در اعتصاب شکست خوردند!» اما از آنجا که همه واقعتاً را نمی‌توان لاپوشانی کرد، در بعضی گزارش‌ها به آنچه در جامعه می‌گذرد به اجبار و با اجتناب از کلمه «اعتصاب» اشاره‌های مختصری شده است. خبرنگاری ایستا می‌نویسد وضعیت تهران آرام است «با این وجود نیروهای انتظامی به شکل قابل ملاحظه‌ای در این خیابان‌ها مستقر بودند تا مانع هر نوع بی‌نظمی شوند!» در این گزارش آمده حوالی میدان «انقلاب» چند انتشارات دانشگاهی تعطیل بودند!

رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در ارتباط با اعتصابات سراسری گفته بود «کسانی که در دل و ذهن کسبه و بازاریان رعب و وحشت ایجاد کرده و آنها را تهدید می‌کنند که اگر مغازه‌شان را نبندند، آن را به آتش می‌کشند یا کسانی که کامیونداران و رانندگان زحمتکش را تهدید می‌کنند که اگر بارها را به مقصد برسانند به ماشین‌هایشان آسیب وارد می‌آورند اینها موارد و مصادیق ایذاء و آزار رساندن به مردم است و عوامل آن شناسایی و مجازات می‌شوند.»

می‌گوید، «جنبش دانشجویی ما به درستی فهمیده است آنچه که در دو ماه گذشته اتفاق افتاده صرفاً اعتراض به یک واقعه تأسف‌آور نبوده بلکه یک طراحی پیچیده جنگ ترکیبی است که از آتش تهیه اختاپوس رسانه‌ای پشتیبانی می‌شود!» با اینهمه هم او و هم سایر عوامل حکومت حتماً شعارهایی را که دانشجویان و سایر اقشار علیه علی‌خامنه‌ای و نظام سر می‌دهند شنیده‌اند.



اعتصاب کارگران پتروشیمی سنندج برای دومین روز متوالی

اعتراضات در دانشگاه‌ها آتقدر زیاد است که مسئولان دانشگاه پلی تکنیک «امیرکبیر» اعلام کردند برنامه سخنرانی معاون زنان ابراهیم رئیسی در این دانشگاه به مناسبت ۱۶ آذر «روز دانشجو» به خاطر عدم توانمندی در تأمین امنیت جانی او لغو شده است!

بسیج دانشجویی دانشگاه آریامهر «شریف» در بیانیه‌ای خواستار سرکوب شدیدتر دانشجویان شده و اعلام کرده «کوتاه آمدن در مقابل اقلیت قانون‌شکن موجب آرام شدن دانشگاه نمی‌شود و توقع قاطع‌ترین و شدیدترین برخوردها را داریم.» این در حالیست که نه تنها دانشجویان بلکه جامعه کارگری کشور نیز معترض و ملتهب است. کارگران و کارکنان

اعتراضات در دانشگاه‌ها آتقدر زیاد است که مسئولان دانشگاه پلی تکنیک «امیرکبیر» اعلام کردند برنامه سخنرانی معاون زنان ابراهیم رئیسی در این دانشگاه به مناسبت ۱۶ آذر «روز دانشجو» به خاطر عدم توانمندی در تأمین امنیت جانی او لغو شده است!

در دومین روز اعتصابات، دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، رشت، اصفهان، نیشابور، شیراز و سایر شهرها دست به اعتصاب زدند و با تعطیل کردن کلاس‌ها در محوطه دانشگاه‌ها تحصن کردند و علیه حکومت شعار دادند.

کارگران و کارکنان شرکت ذوب‌آهن که در اعتصاب هستند در محوطه کارخانه شعار می‌دهند «فکر نکنی یک روزه، وعده ما هر روزه». کارگران سیمان سپاهان و پتروشیمی سنندج نیز در اعتصاب هستند.

اعتصاب کامیونداران فعالیت بخشی از صنایع را مختل کرده است. از جمله خط مونتاژ کارخانه‌های سایپا کاشان، سایپا ساوه، پارس خودرو و سایپا مرکزی.

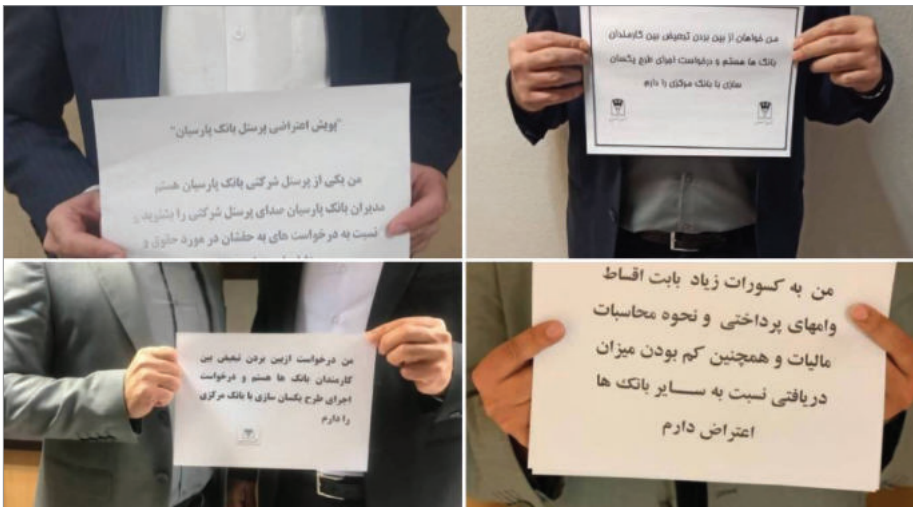
رسانه‌های حکومتی در اقدامی سازمانیافته و ابلاغ شده اصلا اعتصابات بازاریان و کارگران را انکار می‌کنند. آنها مدعی‌اند «براندازان در اعتصاب شکست خوردند!» اما از آنجا که همه واقعتاً را نمی‌توان لاپوشانی کرد، در بعضی گزارش‌ها به آنچه در جامعه می‌گذرد به اجبار و با اجتناب از کلمه «اعتصاب» اشاره‌های مختصری شده است.

سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱ در دومین روز از اعتصابات سراسری نیز در دهه‌ها شهر بازاریان و کسبه مغازه‌ها و فروشگاه‌ها

را بسته نگه داشتند، اعتصاب کامیونداران ادامه پیدا کرد، اعتصابات در دانشگاه‌ها گسترده شد و کارگران و کارکنان چند واحد و کارخانجات صنعتی نیز اعتصاب را ادامه دادند. در دومین روز اعتصابات دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، رشت، اصفهان، نیشابور، شیراز و سایر شهرها دست به اعتصاب زدند و با تعطیل کردن کلاس‌ها در محوطه دانشگاه‌ها تحصن کردند و علیه حکومت شعار دادند.

حکومت همچنان با گذشت بیش از ۸۰ روز از آغاز خیزش سراسری با تمام ظرفیت در مرحله انکار واقعتاً‌های میدانی درجا می‌زند. در همین ارتباط علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در صحن علنی مجلس با خیالپروری ناب

چهارشنبه ۱۶ آذر؛ حکومت و رسانه‌هایش اعتصابات را انکار می‌کنند: زورکی و اجباری و ویدئوها جعلی است!



پویش اعتراضی پرسنل بانک خصوصی پارسیان

برای کامیونداران» بازداشت کرده است. روزنامه دولتی «ایران» همچنین ادعا می‌کند «حتا در زاهدان که در اغتشاشات اخیر چند جمعه ناآرام را از سر گذراند، بازار رسولی این شهر فعال و کسبه و مردم مشغول داد و ستد بودند» اما روز چهارشنبه ۱۶ آذر ویدئوهای زیادی از اعتصاب کسبه در بازار رسولی زاهدان منتشر شده است.

روزنامه ایران در گزارشی دیگر به اعتصابات گسترده در دوران پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ اشاره کرده و ادعا می‌کند برخلاف آن دوران اکنون مردم دلیلی برای اعتصاب نمی‌بینند و فراخوان‌هایی که صادر می‌شد اصیل نیستند! اما واقعیت با آنچه عوامل حکومت و دستگاه تبلیغاتی نظام در رسانه‌های وابسته می‌گویند تفاوت زیادی دارد. به عنوان مثال شرکت تعاونی بازار «انقلاب» شیراز بازاریان را تهدید کرده که اگر دست به اعتصاب بزنند «مراجع ذیصلاح» و «عوامل انتظامی» اقدام به باز نمودن مغازه‌ها می‌کنند! در این میان، در سومین روز از اعتصابات سراسری پرسنل بانک پارسیان پویش اعتراضی به راه انداختند.

در این شرایط، نمی‌توان به این نکته مهم اشاره نکرد که مدت‌هاست اعتصابات سراسری به اعتراضات شبانه پیوند خورده است. حکومت از یکطرف منکر بحران می‌شود اما از طرف دیگر عوامل آن را تهدید می‌کنند! در همین ارتباط دستگاه‌های امنیتی و انتظامی شماری را به اتهام ناامن کردن بازارها بازداشت کرده‌اند. سازمان اطلاعات فراجا درباره اعتراضات حتا بیانیه داده و اعلام کرده است «بدون مداخلات با مخلان امنیت برخوردار می‌کنیم.» همه این واکنش‌های متناقض و دروغ‌ها و انکارها از سوی مقامات و نهادهای مسئول جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته به این دلیل است که چشم خود را به روی حقیقت و انقلاب آزادیخواهی که در بطن جامعه جریان دارد، بسته‌اند.

با اینهمه شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بار دیگر خواسته‌اند که قوه قضائیه با «عاملین اصلی تحریک جوانان مردم برای اغتشاش و ناامنی برخورد جدی و قانونی کند».

در این گزارش آمده اعتصابات یک پروژه «شکست خورده» و «تحقیرشده» از سوی موساد و تجزیه‌طلبان است که قرار بود با ارباب و تهدید برای بستن مغازه‌ها، امکان تجمع اشرار و اوباش جنایتکار در خیابان فراهم شود. محمدحسینی معاون پارلمانی دولت «قاضی مرگ» اگرچه اعتصابات را انکار نکرده اما می‌گوید: «اغتشاشگران و حامیان آنان در حالی دم از آزادی اختیار می‌زنند که



خودشان با توسل به زور و اجبار قصد دارند برای کسبه و بازاریان اعتصاب و تعطیلی ایجاد کنند و هر کسی که در مقابلشان مخالفت می‌کند با نهایت خشونت با او برخورد می‌کنند.»

روزنامه دولتی «ایران» نیز ادعا کرده «اعتصابات زورکی آذر جواب نداد.» در گزارش این روزنامه حتا ادعا شده ویدئوها و خبرهایی که از اعتصاب کسبه و بازاریان پخش شده «جعلی» است! اما در همین گزارش متناقض آمده اعتصاب کامیونداران به خاطر «تهدید و تخریب» و حمله به کامیونداران در جاده‌ها با سنگ و چماق بود! قوه قضائیه جمهوری اسلامی چند جوان را به اتهام «ناامن‌سازی جاده‌ها

در حالی که اعتصابات سراسری به اعتراضات شبانه پیوند خورده، حکومت از یکطرف منکر بحران می‌شود اما از طرف دیگر عوامل آن را تهدید می‌کنند! در همین ارتباط شماری از شهروندان را به اتهام ناامن کردن بازارها بازداشت کرده‌اند.

سازمان اطلاعات فراجا درباره ناعراضات در بیانیه‌ای اعلام کرده «بدون مداخلات با مخلان امنیت برخوردار می‌کنیم.»

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بار دیگر خواسته‌اند قوه قضائیه با «عاملین اصلی تحریک جوانان مردم برای اغتشاش و ناامنی برخورد جدی و قانونی کند.» روزنامه «کیهان تهران» با اشاره به پلمپ گالری و رستوران علی دایی به دلیل حمایت از اعتراضات مردم نوشت «اعتصاب اجباری و زورکی با چاشنی تهدید مغازه‌داران بخشی از عملیات اعلام شده توسط رسانه‌های تروریست فارسی‌زبان بیگانه و ارادل و اوباش برای ایجاد اغتشاش و ناامنی و تخریب در داخل ایران است.»

مقامات ارشد جمهوری اسلامی و رسانه‌های حکومتی در واکنش به اعتصاب کسبه و بازاریان و همزمان شدن آن با اعتصاب کامیونداران و کارکنان چند واحد صنعتی از جمله ذوب آهن اصفهان، سیمان سپاهان و پتروشیمی ماهشهر یا پتروشیمی یاسوج و آلومینیوم «المهدی» هرمزگان دو نکته مشترک دارند: نخست انکار کرده و سپس مدعی می‌شوند که اعتصابات «زورکی» است!

روزنامه دولتی «ایران» ادعا می‌کند «حتا در زاهدان که در اغتشاشات اخیر چند جمعه ناآرام را از سر گذراند، بازار رسولی این شهر فعال و کسبه و مردم مشغول داد و ستد بودند» اما روز چهارشنبه ۱۶ آذر ویدئوهای زیادی از اعتصاب در بازار رسولی زاهدان منتشر شد. در سومین روز از اعتصابات سراسری پرسنل بانک پارسیان پویش اعتراضی به راه انداختند.

چهارشنبه ۱۶ آذر ماه برای سومین روز مداوم اعتصابات در ایران ادامه پیدا کرد. تخمین زده می‌شود از آغاز فراخوان سه روزه دست کم در ۸۵ شهر در مناطق و نواحی مختلف در ابعادی گسترده بازاریان و کسبه از اعتصاب حمایت کرده‌اند. با وجود حضور نیروهای امنیتی و ضدشورش، شامگاه دوشنبه و سه‌شنبه اعتراضات و تجمعات نیز در شهرهای مختلف ادامه پیدا کرد.

مقامات ارشد جمهوری اسلامی و رسانه‌های حکومتی در واکنش به اعتصاب کسبه و بازاریان و همزمان شدن آن با اعتصاب کامیونداران و کارکنان چند واحد صنعتی از جمله ذوب آهن اصفهان، سیمان سپاهان و پتروشیمی ماهشهر یا پتروشیمی یاسوج و آلومینیوم «المهدی» هرمزگان دو نکته مشترک دارد: نخست انکار و سپس ادعای اینکه اعتصابات «زورکی» است!

روزنامه «کیهان تهران» با اشاره به پلمپ گالری و رستوران علی دایی به دلیل حمایت از اعتراضات مردم نوشت «اعتصاب اجباری و زورکی با چاشنی تهدید مغازه‌داران بخشی از عملیات اعلام شده توسط رسانه‌های تروریست فارسی‌زبان بیگانه و ارادل و اوباش برای ایجاد اغتشاش و ناامنی و تخریب در داخل ایران است.»

حدیث نجفی در کمال شهر استان البرز بازداشت شده بودند، به «اعدام» محکوم شده‌اند.

خبرگزاری میزان روز سه‌شنبه ۱۵ آذر این خبر را منتشر و ساعاتی بعد از سوی مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه تأیید شد. مسعود ستایشی با اعلام صدور حکم اعدام برای پنج متهم، گفته ۱۱ متهم دیگر این پرونده از جمله ۳ متهم زیر ۱۸ سال به «حبس‌های طولی‌المدت» محکوم شده‌اند. امین مهدی شکراللهی، آرین فرزام‌نیا و امیرمهدی جعفری متهمان زیر ۱۸ سال این پرونده هستند.

مسعود ستایشی گفته احکام دادگاه این پرونده بدوی است اما تأکید کرده برخی احکام صادر شده در پرونده بازداشت‌شدگان اعتراضات هفته‌های گذشته فرجام‌خواهی هم شده و احکام آنها قطعی شده است.

یکی از متهمانی که در این پرونده به اعدام محکوم شده حمید قره‌حسنلو پزشک است که به همراه همسرش فرزانه قره‌حسنلو در محل حادثه ضرب و جرح بسیجی حضور داشته است. در جلسه دادگاه نماینده دادستان گفته فرزانه قره‌حسنلو در بازجویی اعتراف کرده شوهرش یک لگد به بسیجی زده است. همچنین از ویدئویی که با موبایل از صحنه زدوخورد بسیجی گرفته شده هم به عنوان سند «کشف شده» در خانه این زوج نامبرده شده است!

در همین جلسه دادگاه که در پی آن حمید قره‌حسنلو به «اعدام» محکوم شده، قاضی بارها او را «لیدر اغتشاشات» خطاب می‌کند در حالی که هر بار این پزشک توضیح می‌دهد که مسیر به دلیل ترافیک بسته بوده و او همسرش به همین دلیل از اتومبیل پیاده شده بودند. قاضی اصرار داشته که او لیدر اغتشاشات بوده و به همین دلیل با موبایلش فیلمبرداری کرده است.

دادگاه و محکومیت این شهروندان در کرج نیز نشانه دیگری از پرونده‌سازی با هدف اعدام شهروندان معترض از سوی جمهوری اسلامی است.

همچنین توماج صالحی هنرمند و خواننده رپ در دادگاه انقلاب اصفهان، امیررضا رهنورد در دادگاه انقلاب مشهد و پرهام پروری در دادگاه انقلاب تهران با اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند.

سازمان عفو بین‌الملل هفته گذشته با انتشار بیانیه‌ای خواستار حضور نمایندگان سفارتخانه‌های خارجی در «دادگاه» معترضان بازداشت شده در جریان خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی شد.

عفو بین‌الملل با اشاره به برخی پرونده‌ها از جمله پرونده کشته شدن یک بسیجی در کرج، از کشورهایی که در ایران سفارتخانه دارند خواست تا ناظران خود را به دادگاه‌های معترضان بفرستند که در خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور نقض حقوق بشر ایران نیز هفته گذشته از تشدید سرکوب اعتراضات ابراز نگرانی کرده و گفته است که مقامات جمهوری اسلامی «کارزار» صدور حکم اعدام برای معترضان به راه انداخته‌اند.

جاوید رحمان با اشاره به تصمیم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در رابطه با نقض حقوق شهروندان معترض در هفته‌های گذشته به خبرگزاری رویترز گفته که «نگران هستم رژیم ایران نسبت به قطعنامه شورای حقوق بشر واکنش خشونت‌آمیزی نشان دهد و این ممکن است باعث خشونت و سرکوب بیشتر از طرف آنان شود.»



محسن شکاری

این مرجع قضایی رسیده بود.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه روز دوشنبه ۱۴ آذرماه گفته بود که احکام برخی از افراد متهم به «محرابه» و «افساد فی الارض» که در اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت شده‌اند قطعی شده و به زودی اجرا خواهد شد.

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی گفته که روند دادرسی و برگزاری دادگاه شماری از معترضان بازداشتی که به اعدام و زندان‌های طولانی محکوم شده‌اند «در زمان کوتاه، واقعا واقعا کوتاه» انجام شده و تأکید کرده بود که احکام به سرعت اجرا می‌شود.

علاوه بر محسن شکاری که امروز حکم اعدام او اجرا شد، سامان صیدی خواننده رپ و محمد بروغنی نیز چند روز است به سلول انفرادی منتقل شده‌اند و احتمال قتل آنها توسط حکومت زیاد است.

سامان صیدی و محمد بروغنی هفتم آبان در دادگاهی به ریاست قاضی صلواتی به همراه چهار شهروند بازداشت‌شده دیگر محاکمه و در نهایت به اعدام محکوم شدند.

بر اساس کيفرخواست صادر شده علیه این دو متهم، سامان صیدی به محاربه از طریق کشیدن کلت کمری و شلیک ۳ تیر، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور متهم شده است.

محمد بروغنی نیز به محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد قمه و حمله به همراه «اوباش» به فرمانداری پاکدشت و به آتش کشیدن فرمانداری و حمله به مأمور دولت حین انجام وظیفه و مجروح شدن این مأمور متهم است.

در حالی که این دو متهم سبب کشته شدن هیچ مأمور یا شهروندی نشده‌اند اما جمهوری اسلامی آنها را نیز مانند محسن شکاری به اعدام محکوم کرده است.

پیشتر کارشناسان و نهادهای حقوق بشری درباره اعدام گسترده شهروندان بازداشت شده برای ایجاد وحشت عمومی و پایان بخشیدن به اعتراضات هشدار داده بودند.

آمار دقیقی از اتهامات واهی «محرابه» و «افساد فی الارض» علیه شهروندان معترض که در هفته‌های گذشته بازداشت شدند در دست نیست اما گزارش نهادهای حقوق بشری نشان از صدور چنین اتهامی برای بیش از ۲۶ شهروند دارد.

در پرونده دیگری، پنج تن از افرادی که در ارتباط با اعتراضات ۱۲ آبان و مراسم چهلمین روز کشته شدن

اعدام یک شهروند معترض ۲۳ ساله به اتهام «بستن خیابان» و «زخمی کردن مأمور»!

● در پرونده تشکیل شده برای محسن شکاری او به اتهام بستن خیابان ستارخان با گارد ریل و زخمی کردن یک مأمور به «محرابه» متهم و حکم «اعدام» او صادر و اجرا شده است!

● حکم بدوی اعدام این جوان ۲۳ ساله تنها ۱۸ روز پس از بازداشت وی صادر شده و محسن شکاری چه در دوران بازداشت و بازجویی و چه در طول دادگاه از داشتن وکیل انتخابی محروم بوده و حتی در دادگاه امکان دفاع از خود نیافته است!

● جمهوری اسلامی می‌خواهد با صدور و اجرای احکام اعدام با اعتراضات مردمی که آن را نمی‌خواهند مقابله کند!

جمهوری اسلامی نخستین حکم اعدام شهروندان معترض را که در هفته‌های گذشته بازداشت شده بودند صبح امروز پنجشنبه ۱۷ آذرماه اجرا کرد. محسن شکاری جوان ۲۳ ساله به اتهام «بستن خیابان ستارخان» و «زخمی کردن مأمور» به دار آویخته شد.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی برای ده‌ها شهروند معترض با اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» کيفرخواست صادر کرده تا قاضی یا همان حاکم شرع بتواند به راحتی شهروندان را به اعدام محکوم کند. صبح امروز نخستین حکم اعدام و به عبارت دقیق‌تر قتل دولتی توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شد.

محسن شکاری جوان ۲۳ ساله در جریان اعتراضات سراسری در تاریخ سوم مهرماه در خیابان ستارخان تهران بازداشت شد. وی کمتر از ۴۰ روز بعد و در ۱۰ آبان در دادگاه انقلاب تهران به اتهام «محرابه از طریق کشیدن سلاح به قصد جان و ایجاد رعب و وحشت و سلب آزادی و امنیت مردم و همچنین جرح عمدی با سلاح سرد به مأمور بسیج حین انجام وظیفه و مسدود کردن خیابان ستارخان تهران و اخلال در نظم و امنیت جامعه» به اعدام محکوم شد.

بر اساس گزارش‌ها، حکم بدوی دادگاه مبنی بر اعدام محسن شکاری تنها ۱۸ روز پس از بازداشت صادر شده و او چه در دوران بازداشت و بازجویی و چه در طول دادگاه از داشتن وکیل انتخابی محروم بوده و حتی در دادگاه امکان دفاع از خود نیافته است.

پرونده این معترض جوان پس از فرجام‌خواهی جهت بررسی به دیوان عالی کشور ارسال و در نهایت به تأیید



انکار و تناقض درباره «تعطیلی» گشت ارشاد همزمان با تداوم انقلاب ملی فرا تر از حجاب اجباری و علیه کل نظام

اسلامی با توجه به وظیفه ذاتی خود، درخواست دارد طرح‌های علمی مبتنی بر تدبیر خود را در جهت دفع اقدامات دشمن را برای ما ارسال کند و عموم علما با سخنرانی‌ها و صدور پیام و جامعه انقلابی، مطالبات خود را در عرصه مبارزه با فعالیت‌های فرهنگی دشمن، بیشتر نمایند تا این امر پشتوانه ما در قوه قضائیه شود.»

پیشتر انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری اصلا منکر شده و گفته بود چیزی به اسم گشت ارشاد نداریم و آنچه می‌بینید پلیس امنیت اخلاقی است! انسیه خزعلی گفته است که «چیزی به اسم گشت ارشاد نداریم ما پلیس امنیت اخلاقی نداریم. گفتیم این شیوه را قبول نداریم؛ آن چیزی که در شورای انقلاب فرهنگی مصوب شد چنین مطلبی نبود.»

«برچیده شدن گشت ارشاد» خواسته‌ای بود که از سوی جناح اصلاح‌طلب پس از آغاز اعتراضات مردمی در شهر یورماه مطرح شد. در حالی که خیزش مردم و شعارهای آنها در شهرهای مختلف به روشنی و صراحت بیانگر این است که اصل نظام را نشانه گرفته و خواستار دگرگونی ساختاری هستند، اما اصلاح‌طلبان با «مطالبه‌سازی» درباره گشت ارشاد، به دنبال نجات نظام و منحرف کردن افکار عمومی بودند.

اکنون به نظر می‌رسد بخش بزرگتری از جمهوری اسلامی این راهکار اصلاح‌طلبان را قابل توجه دانسته و ادعای تعطیلی گشت ارشاد را مطرح کرده. با اینهمه گزارش‌ها نشان می‌دهد سرکوب زنان ادامه دارد و گشت ارشاد هم در بسیاری از شهرها به فعالیت خود ادامه می‌دهد و شماری از مقامات اساسا حرف دادستانی جمهوری اسلامی را تکذیب کرده‌اند.

در همین رابطه روزنامه هم‌میهن گزارش داده که هر دو در ساختمان پلیس امنیت اخلاقی بسته است و هیچ مراجعه‌کننده‌ای ندارد. ماجرا اما در روزهای گذشته و در شهرهایی غیر از تهران متفاوت بوده است؛ به‌ویژه در شهرهای مذهبی. تعدادی از زنان ساکن قم در یک‌ماه گذشته به هم‌میهن گفته‌اند، فعالیت‌های ماشین‌های گشت ارشاد در خیابان‌های این شهر بیشتر هم شده است.

هم‌میهن در ادامه نوشته که «مینا، زن ۲۵ ساله‌ای که از زمان تولد در قم زندگی می‌کند، یکی از زنانی است که یک‌ماه پیش وقتی در پارک علوی قم پیاده‌روی می‌کرد، توسط مأموران پلیس امنیت به ماشین گشت ارشاد و

و هویت برای مقابله با «بدحجابی» خبر داده بود: «اگر شخصی در معابر عمومی مثل مترو رعایت حجاب نکند؛ دوربین مترو از او عکس می‌گیرد و یک مبلغ اثرگذار جریمه می‌شود.»

اینهمه در حالیست که علی‌خان محمدی سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر معتقد است که پس از اعتراضاتی که در پی جان باختن مهسا امینی به دلیل ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد آغاز شده و همچنان دارد، این ستاد «خلاء در بحث عفاف و حجاب و آسیب‌های اجتماعی را جدی‌تر» دیده است!

سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر گفته «به دلیل اینکه خلاءها جدی‌تر و شکاف‌ها عمیق است و باید نسبت به آن توجه جدی شود؛ هم در حوزه‌های فرهنگی آموزش عالی و آموزش و پرورش و حوزه‌های فرهنگی مثل صداوسیما و هم در حوزه‌هایی که تبلیغی است. دستگاه‌های انتظامی و قضایی باید اقداماتی انجام بدهند. باید شیوه‌ها جدیدتر، به‌روزتر و دقیق‌تر باشد که بتواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد.»

تبلیغات ایدئولوژیک در زمینه حجاب چهار دهه پاسخ نداده و جامعه ایران الگوهای جمهوری اسلامی برای پوشش را پس زده است اما انجام اقدامات فرهنگی که حتما با پرداخت بودجه بیشتر به سازمان‌های بی‌خاصیت همراه است، نه تنها از سوی سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر، بلکه از سوی دادستان کل کشور هم مورد تأکید قرار گرفته است.

محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور دو روز پیش در نشست که با موضوع «تبیین ابعاد جنگ ترکیبی در اغتشاشات اخیر» برگزار شده گفته بود که «گشت ارشاد ربطی به قوه قضائیه ندارد و از همانجایی که در گذشته تأسیس شد از همانجا نیز تعطیل شد! البته قوه قضائیه نظارت‌های خود را بر کنش‌های رفتاری در سطح جامعه ادامه می‌دهد.»

به گفته دادستان کل کشور بدحجابی در کشور خصوصا در شهر مقدس قم از دغدغه‌های اصلی قوه قضائیه و «همچنین جامعه انقلابی ما است اما باید توجه داشت برخورد قضائیه در مرحله آخر بوده و اقدامات فرهنگی مقدم بر هرگونه فعالیت می‌باشد.» او افزوده که «قوه قضائیه از تمامی فعالان در عرصه فرهنگ به‌خصوص از حوزه‌های علمیه و دفتر تبلیغات

● سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر ابراز امیدواری کرده که ادامه فعالیت گشت ارشاد در یک چهارچوب نوین‌تر، با استفاده از تکنولوژی‌هایی که در این زمینه هست و با فضایی که یکطرفه نباشد، انجام شود!

● سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر معتقد است پس از اعتراضات هفته‌های اخیر، این ستاد «خلاء در بحث عفاف و حجاب و آسیب‌های اجتماعی» را جدی‌تر دیده است!

● انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری هم گفته چیزی به اسم گشت ارشاد نداریم و آنچه می‌بینید پلیس امنیت اخلاقی است!

● پایداری مردم با وجود سرکوب خشن و مسلحانه همراه با شعارهای آنها و خشمی که از کشتن صدها نفر در جامعه ایجاد شده، نشان می‌دهد این خیزش جز با سرنگونی جمهوری اسلامی پایان نخواهد یافت.

در حالی که دادستان کل جمهوری اسلامی مدعی تعطیل شدن گشت ارشاد شده بود، گزارش‌ها از ادامه فعالیت گشت ارشاد در برخی شهرها و حتی بیشتر شدن ون‌های این گشت مردم‌آزار در معابر عمومی حکایت دارند. سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر هم گفته گشت ارشاد از شیوه‌هایی نوین‌تر مانند دوربین برای ادامه فعالیت استفاده خواهد کرد.

در روزهای گذشته خبرهایی درباره تعطیلی فعالیت گشت ارشاد در ایران منتشر شد. دادستان کل کشور هم این خبر را تأیید و البته تأکید کرده بود که قوه قضائیه نظارت‌های خود را بر «کنش‌های رفتاری در سطح جامعه» ادامه خواهد داد. این سخنان موجی از اظهارات متناقض در پی داشت. علی‌خان محمدی سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر در مصاحبه‌ای با وبسایت جماران گفته است که ماموریت گشت‌های ارشاد به پایان رسیده ولی جایگزین‌هایی باید برای آن در نظر گرفته شود.

سخنگوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر همچنین ابراز امیدواری کرده که فعالیت گشت ارشاد «در یک چهارچوب نوین‌تر، با استفاده از تکنولوژی‌هایی که در این زمینه هست و با فضایی که یکطرفه نباشد، انجام شود.» پیش از آغاز خیزش ملی اخیر و در اوایل شهریورماه نیز محمدصالح هاشمی‌گلپایگانی دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز از استفاده از دوربین‌های تشخیص چهره

جمهوری اسلامی به دنبال ساکت کردن خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ایرانی خارج کشور!



همکاری با رسانه‌های معاند در حکم مشارکت در اقدام تروریستی است.»
در دو ماه اخیر ده‌ها خبرنگار در داخل ایران با اتهامات امنیتی بازداشت شدند. همچنین حکومت پیدا و پنهان خبرنگاران و فعالان سیاسی خارج کشور را با انواع و اقسام روش‌ها تهدید می‌کند.

شورای رسانه‌های دولتی آلمان «دویچه‌وله» هفتم آذرماه تداوم تهدید و تلاش برای ارباب کارمندان بخش فارسی این رسانه توسط جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد. در اطلاعیه این رسانه آمده بود کارکنان بخش فارسی و بستگانشان هنگام ورود یا خروج از کشور مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

پیش از این اعضای ائتلاف جهانی آزادی رسانه‌ها (MFC) ارباب یا تهدید از سوی مقامات جمهوری اسلامی علیه خبرنگاران ایرانی رسانه‌های بین‌المللی در خارج از ایران و همچنین بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران را محکوم کرده بودند.

این روزنامه‌نگار روز دوشنبه ۱۴ آذرماه در ویدئویی گفت «خانواده‌ام را تهدید کردند تا مرا ساکت کنند وگرنه نمی‌توانند جلوی کسانی بایستند که قصد دارند اعضای خانواده‌ام را بکشند.»
حافظی با اعلام اینکه «ساکت نخواهد شد» مقابل دفتر وزارت خارجه آلمان در شهر بونن تحصن کرده و از وزیر خارجه آلمان به خاطر رفتار دوگانه‌اش توضیح خواسته است.

علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت جمهوری اسلامی هشتم آذرماه در نشست خبری، رسانه‌های خارج از ایران و خبرنگاران و همکاران این رسانه‌ها را «تروریست» خواند. او علاوه بر خبرنگاران، همکاری هر فردی با این رسانه‌ها را از نظر دولت جمهوری اسلامی، مشمول «مشارکت در اقدام تروریستی» دانست و گفت: «رسانه‌های تروریستی که مولد حرکات تروریستی می‌شوند از طرف دولت شناسایی شدند. کسانی که با این مجموعه‌ها هرگونه همکاری داشته باشند تحت پیگرد حقوقی و قضایی قرار می‌گیرند. هرگونه

● سعید حافظی روزنامه‌نگار ساکن بونن آلمان اعلام کرد ماموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعضای خانواده او را بازداشت، بازجویی و تهدید به مرگ کرده‌اند.

● این روزنامه‌نگار روز دوشنبه ۱۴ آذرماه در ویدئویی گفت «خانواده‌ام را تهدید کردند تا مرا ساکت کنند وگرنه نمی‌توانند جلوی کسانی بایستند که قصد دارند اعضای خانواده‌ام را بکشند.»

شماری از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خارج از ایران می‌گویند اعضای خانواده آنها در داخل کشور به خاطر فعالیت‌هایشان احضار و بازجویی شده و حتا تعدادی از آنها بازداشت شده‌اند. نهادهای امنیتی از احضار و بازداشت خانواده خبرنگاران و روزنامه‌نگاران به عنوان ابزاری برای ساکت کردن آنها استفاده می‌کنند.

سعید حافظی روزنامه‌نگار ساکن بونن آلمان اعلام کرد ماموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعضای خانواده او را بازداشت، بازجویی و تهدید به مرگ کرده‌اند.

طرح آن اتفاقا از سوی دولت اصلاح طلب محمد خاتمی تدوین و در همان دولت تصویب شد و به دولت محمود احمدی‌نژاد ابلاغ شد، گرفته نشده است.

البته برخی مقامات و نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی که تصور می‌کنند با برچیده شدن ون‌های گشت ارشاد از خیابان‌ها و ادامه فعالیت این نهاد سرکوبگر به شیوه‌های دیگر، مردم اعتراضات سراسری خود را پایان داده و به خانه می‌روند، قطعا دچار خام‌اندیشی هستند. پایداری مردم در ۸۰ روز گذشته و با وجود سرکوب خشن و مسلحانه، و شعارهایی که در اعتراضات سر داده می‌شود و خشمی که از کشتن صدها نفر در جامعه ایجاد شده، نشان می‌دهد این خیزش هرقدر هم طول بکشد، اما جز با سرنوشتی جمهوری اسلامی پایان نخواهد یافت.

صحبت می‌کند.»
بر اساس گزارش روزنامه شرق، روزنامه‌نگار در ادامه پرسیده که «پس وقت صحبت از این ماجرا چه زمانی است، وقتی دادستان کل کشور خبر از تعطیلی می‌دهد؟» و صباچی گفته که «مگر من دادستان هستم؟ از خودش بپرس!»

خبرنگار شرق دوباره پرسیده که «شما مسئول روابط عمومی انتظامی تهران بزرگ هستید، این چه طرز پاسخ‌دادن است؟» و پاسخ صباچی این بود: «شما شعور نداری؟ می‌گویم از دادستانی سؤال کن!»

اینهمه نه تنها بیانگر این است که اختلاف بین مقامات مربوطه بسیار است بلکه نشان می‌دهد هنوز در جمهوری اسلامی تصمیم مشترک و مشخصی درباره گشت ارشاد که

➔ در ادامه به ساختمان پلیس این شهر برای دادن تعهد برده شد. او آنجا زنان زیادی را دید که از نقاط مختلف شهر به ساختمان پلیس آورده شده بودند و همه تایید می‌کردند، تعداد ماشین‌های گشت امنیت اخلاقی در قم بیش از زمان شروع اعتراضات در ایران شده است.»

روزنامه شرق هم نوشته که خبرنگار این روزنامه در تماس با سرهنگ صباچی مدیریت روابط عمومی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، سؤالی درباره صحت سخنان دادستان کل کشور درباره تعطیلی گشت ارشاد پرسیده است؛ سؤالی که واکنش بسیار عجیب و تند صباچی را در پی داشت. او در پاسخ به این سؤال خبرنگار «شرق» گفت: «اصلا نگویند با ما تماس گرفته‌اید، الان وقت این صحبت‌ها نیست، پلیس هر وقت صلاح بداند در اینباره

ایران در حال انقلاب علیه جمهوری اسلامی؛ جریان‌های نظام سرگرم تغییر مهره‌ها در دولت «قاضی مرگ»!



رئیس در جمع نمایندگان ولایت‌مدار مجلس شورای اسلامی در کنار علیرضا زاکانی که گفته می‌شود شهردار آینده تهران خواهد

قاسمی در حالی که به سرطان مبتلا بوده به عنوان وزیر راه و شهرسازی منصوب شده است. او در ابتدای آغاز به کار در وزارت راه و شهرسازی در شهریور گذشته به دلیل بیماری چند روز در محل کار حاضر نشد.

بحران مسکن در ایران به یکی از دلایل خوب برای مخالفان و منتقدان جناحی رستم قاسمی تبدیل شده بود و او نیز همچنان پس از گذشت یکسال از فعالیت دولت رئیسی بر وعده ساخت چهار میلیون واحد مسکونی طی چهار سال عمر دولت سیزدهم اصرار داشت!

مخالفان رستم قاسمی معتقد بودند در مدت وزارت او طرح نهضت ملی مسکن پیشرفت نداشته است. همچنین گفته می‌شد سردار پاسدار رستم قاسمی در درون وزارتخانه هم نتوانسته با گذشت یکسال هماهنگی ایجاد کند. برخی مدیران ارشد و معاونان همچنان از تیم روحانی هستند و انتصابات جدید سردار پاسدار هم رضایت‌بخش عنوان نشده بود.

رستم قاسمی یکبار دیگر هم برای چند روز متوالی در دفتر کارش حضور پیدا نکرد؛ شهریور امسال و زمانی که قاسم مکارم شیرازی بازرسی ویژه و مشاور عالی وزیر راه و شهرسازی که روابط نزدیک دوستانه و بیزینسی با رستم قاسمی داشت به اتهام فساد مالی و رشوه‌گیری بازداشت شد!

معرفی مهرداد بذریاش فعال اصولگرا برای وزارت راه و شهرسازی به مجلس شورای اسلامی معرفی شده اما بحث‌های زیادی به دنبال داشته است؛ مهرداد بذریاش نماینده پیشین مجلس و رئیس کنونی دیوان محاسبات کشور است و سابقه ریاست بر شرکت سایپا و نمایندگی ادوار مجلس را در پرونده خود دارد. البته خودش حواشی مربوطه را تکذیب کرده است. از دریافت بورسیه دکترای خارج از کشور با پارتی‌بازی و بدون شرکت در

این منبع آگاه که نام او منتشر نشد، افزوده «جای تعجب است که در زمانی که با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی همه در تدوین برنامه هفتم کمک حال سازمان برنامه باشند با این شایعات اغراض سیاسی را دنبال می‌کنند.»

با اینهمه حذف تکذیب استعفای میرکازمی احتمال برکناری یا استعفای او از دولت رئیسی را افزایش داده است.

میرکازمی وزیر نفت دولت احمدی نژاد بود که پس از ورود به هیئت دولت رئیسی شایعاتی مبنی بر هدایت وزارت نفت دولت سیزدهم توسط او مطرح و حتی وی را «پدرخوانده اقتصادی دولت رئیسی» می‌خواندند. در آنسو اما محمد مخبر دزفولی معاون اول ابراهیم رئیسی و نزدیک به به «بیت علی خامنه‌ای» چندان از وجود افرادی چون محسن رضایی و میرکازمی در تیم اقتصادی دولت سیزدهم خشنود نبود.

پیش از این در چهارم اردیبهشت محمد مخبر دزفولی معاون اول رئیس‌جمهوری در ابلاغیه‌ای محسن رضایی معاون اقتصادی و سید صولت مرتضوی معاون وقت اجرایی رئیس‌جمهوری را از ترکیب کمیسیون اقتصادی دولت حذف کرده بود. صولت مرتضوی اما به تازگی با رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مشغول فعالیت شد. حجت‌المالکی وزیر پیشین کار هم در پی تقدیم طرح استیضاح‌اش به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی استعفای زودهنگام داد.

یکی دیگر از مهره‌هایی که از تیم اقتصادی دولت رئیسی کنار رفت، سردار پاسدار رستم قاسمی بود. گفته شده او به دلیل بیماری از وزارت استعفا داده اما همچنان درباره حذف او نیز خبرهای غیررسمی زیادی منتشر شده است. پیش از این خبر ابتلای رستم قاسمی به بیماری سرطان مطرح بود. برخی گزارش‌ها حاکی از آن بود که رستم

استعفا یا برکناری مسعود میرکازمی که یکی از مهره‌های مهم دولت رئیسی (قاضی مرگ) شناخته می‌شود از سوی خبرگزاری دولت تکذیب شد اما پس از ساعاتی خبر تکذیب از خروجی این خبرگزاری حذف شد!

میرکازمی وزیر نفت دولت احمدی نژاد بود که پس از ورود به هیئت دولت رئیسی شایعاتی مبنی بر هدایت وزارت نفت دولت سیزدهم توسط او مطرح و حتی وی را «پدرخوانده اقتصادی دولت رئیسی» می‌خواندند.

با وجود خیزش انقلابی علیه نظام در سراسر کشور، همچنان عده‌ای در جمهوری اسلامی از سفره انقلاب دل نکنده و تلاش دارند در آخرین روزهای حیات نظام هم برای کسب قدرت و ثروت بیشتر تلاش کنند.

در شرایطی که انقلاب ملی علیه جمهوری اسلامی به سوی چهارمین ماه می‌رود، رقابت‌های درون جناحی در جمهوری اسلامی برای کسب قدرت و دستیابی به منابع بیشتر رانت و غارت ادامه دارد. خیرهایی از برکناری احتمالی رئیس سازمان برنامه و بودجه منتشر شده و نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم به وزیر بهداشت کارت زرد داده‌اند!

جمهوری اسلامی در موج فراگیری از اعتراضات ملی با هدف براندازی نظام گرفتار شده است؛ اعتراضات مردم با گذشته سه ماه سرکوب شدید مسلحانه و امنیتی همچنان ادامه دارد. در این میان اما عده‌ای در واپسین روزهای عمر نظام، همچنان به فکر تثبیت قدرت و برداشت بیشتر از رانت و منابعی هستند که سفره انقلاب ۵۷ برای اقلیت متصل به بدنه حاکمیت ایجاد کرده تا در این روزها نیز بتوانند به غارت ادامه دهند!

برخی رسانه‌های داخلی روز سه‌شنبه ۱۵ آذرماه ۱۴۰۱ خیرهایی درباره استعفا یا برکناری مسعود میرکازمی منتشر کردند. بر اساس این خبرها مسعود میرکازمی پس از ارائه لایحه بودجه سال آینده به مجلس شورای اسلامی، از دولت سیزدهم خداحافظی خواهد کرد.

وبسایت نفت آنلاین نوشته «این ادعا پس از آن صورت گرفت که اوایل هفته جاری سخنگوی دولت در توییتی اعلام کرد که با تصمیم رئیس‌جمهور، تا پایان ماه جاری ۱۰ تغییر مدیریتی در سطح ملی انجام خواهد شد.»

صدرا علیان از فعالان رسانه‌ای در ایران هم در توییتی نوشت که «میرکازمی که پدرخوانده اقتصادی دولت بود و علاوه بر سازمان برنامه و بودجه وزارت نفت را هم هدایت می‌کرد بعد از تقدیم بودجه ۱۴۰۱ به مجلس از سازمان می‌رود. خودش که می‌گوید استعفا داده چندبار، ولی شنیده‌ها نشان می‌دهد که کنار گذاشته شده!»

استعفا یا برکناری مسعود میرکازمی که یکی از مهره‌های مهم دولت رئیسی (قاضی مرگ) شناخته می‌شود از سوی خبرگزاری دولت تکذیب شد اما پس از ساعاتی خبر تکذیب از خروجی این خبرگزاری حذف شد!

ایرنا، خبرگزاری رسمی دولت، ساعاتی پیش با انتشار خبری از قول یک منبع آگاه نوشته بود که «استعفای میرکازمی از ریاست سازمان برنامه و بودجه به هیچ عنوان صحت ندارد و وی در حال تدوین برنامه هفتم و لایحه بودجه است.»

➔ آزمون تا دزدی در پایان نامه و تخلفات مالی در دوره مدیریت در شرکت سایپا.

روزنامه ایران در گزارشی درباره تخلفات مالی در سایپا در دوره ریاست مهرداد بذریاش نوشته که «صورت‌های مالی شرکت خودروسازی سایپا نشان می‌دهد که مهرداد بذریاش به عنوان مدیرعامل به همراه چهار عضو دیگر هیئت مدیره طی سال‌های ۸۷ و ۸۸ خورشیدی؛ مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان پاداش دریافت کرده‌اند که با احتساب نرخ تورم به مقدار سال ۹۵ معادل یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان برآورد می‌شد.»

گزارش دیگری از تخلفات مالی و زمین‌خواری مهرداد بذریاش زمانی که رئیس سازمان ملی جوانان بود حکایت دارد. مهرداد بذریاش با وجود همه این حاشیه‌ها قرار است به زودی برای دریافت رأی اعتماد نمایندگان مجلس جهت در دست گرفتن وزارت راه و شهرسازی، یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین وزارتخانه‌ها، در صحن علنی مجلس شورای اسلامی حاضر شود.

کیهان لندن اردیبهشت امسال از آغاز روند «جابجایی مهره‌ها در سطوح بالای دولت رئیسی» خبر داده و نوشته بود که آدرس نهایی همه آنچه در دولت و مجلس و قوه قضاییه، همسو و غیرهمسو با یکدیگر در جریان است به دفتر علی خامنه‌ای و مهره‌چینی جریان نزدیک به مجتبی خامنه‌ای بر می‌گردد. جمهوری اسلامی پس از اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ و رویارویی مردم با همه جناحین نظام از اصلاح‌طلب تا اصولگرا، بیش از گذشته خود را بر لبه پرتگاه احساس کرد. این هراس، نیاز به همدست شدن قوای سه‌گانه را برای مهار پتانسیل‌های موجود اعتراضی و سرکوب مخالفان الزامی و در نهایت «قاضی مرگ» را بر ریاست قوه مجریه نشاناد.

از سوی دیگر بیماری علی خامنه‌ای و «نقطه عطف» بودن مرگ وی که ساختار جمهوری اسلامی را پس از خمینی تثبیت کرد، سبب شده بخشی از نظام بسترهای لازم را برای تداوم بدون گزند جمهوری اسلامی در نبود خامنه‌ای فراهم کند. اینهمه را می‌توان انگیزه اصلی برای به روی کار آوردن ابراهیم رئیسی ارزیابی کرد. حضور افراد امنیتی کارگرفته در دولت سیزدهم و آرایش سرداران سپاه در مراکز مهم و حساس دولتی که از آن به عنوان «کودتای خاموش سپاه» یاد شده نیز در ادامه سیاست سرکوب معترضان پیش از شکل‌گیری اعتراضات و آماده‌باش برای روزهای نبود خامنه‌ای است.

به نظر می‌رسد با چراغ سبزی که از سوی حلقه نزدیک به مجتبی خامنه‌ای داده شده، در ابتدای تشکیل دولت سیزدهم به جریان‌های مختلف اصولگرا برای سهم‌گیری از دولت میدان داده شد. حتی مسعود میرکاطمی که در دولت‌های نهم و دهم در هیئت وزیران محمود احمدی‌نژاد بود به ریاست سازمان برنامه و بودجه رسید و با خود بخشی از مدیران نزدیک به جریان حامی احمدی‌نژاد را به بدنه دولت وارد کرد.

در این میان اما محمد مخبر دزفولی که از «ستاد اجرایی فرمان امام» و جریان نزدیک به مجتبی خامنه‌ای به دولت وارد صحنه شد به عنوان بازیگردان اصلی دولت سیزدهم در کنار «قاضی مرگ» قرار دارد.

اینهمه در حالیست که در سه ماه گذشته مردم خیزشی انقلابی علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرده و به عقیده بسیاری از کارشناسان این خیزش خاموش شدنی نیست. با اینهمه همچنان عده‌ای در جمهوری اسلامی از سفره انقلاب دل‌نکنده و تلاش دارند در آخرین روزهای حیات نظام هم برای کسب قدرت و ثروت بیشتر تلاش کنند.

اقدامات رذیلانه و تباه یک حکومت ورشکسته و مستأصل؛ پخش اعتراف اجباری توماج صالحی هنرمند مدافع و محبوب مردم



توماج صالحی

به راستی نیز کاش برعکس می‌شد و جمهوری اسلامی نبود و توماج و همه هنرمندان می‌توانستند درباره آزادی و آبادی میهن و دستاوردهای حکومتی که مثل جمهوری اسلامی مورد خشم و نفرت مردم نبود، تولید محتوا می‌کردند.

افراسیاب رپر و یکی از دوستان توماج صالحی با یادآوری جمله‌ای از او که می‌گفت «مرگ اصلی ناامیدیه» از مردم درخواست کرده که ویدئوی اعتراف اجباری را بازنشر نکنند. اینهمه در حالیست که متن منتشر شده به همراه این ویدئو در خبرگزاری تسنیم اتهامات سنگین به توماج صالحی زده است. خبرگزاری تسنیم نوشته که «توماج صالحی در اتفاقات اخیر در صفحه توییتر خود به تبلیغ خشونت و درگیری با نیروهای مسلح و ساخت کوکتل مولوتف می‌پرداخت و اخبار جعلی منتشر می‌کرد. او همچنین با انتشار فراخوان‌های مختلف برای شهرهای کشور در تبلیغ اغتشاشات نقش داشت.»

در ادامه این خبر که به نظر می‌رسد متن آن توسط نهادهای امنیتی تنظیم شده آمده که متهم در ایجاد اغتشاشات و دعوت و تشویق به اغتشاش و آشوب‌های اخیر در استان اصفهان و در شهرستان شاهین‌شهر نقش کلیدی داشته است. اسدالله جعفری رئیس دادگستری استان اصفهان هفته گذشته و در ششم آذرماه اتهامات توماج را «افساد فی الارض از طریق نشر اکاذیب به صورت گسترده، فعالیت تبلیغی علیه نظام، تشکیل و اداره دستجات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور» اعلام کرد. رئیس دادگستری اصفهان افزوده که توماج صالحی به همکاری با «دولت متخاصم علیه جمهوری اسلامی» و «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از طریق فضای مجازی و تحریک و ترغیب افراد به اعمال خشونت‌آمیز» هم متهم شده است. رئیس کل دادگستری اصفهان از قطعی بودن اتهامات خبر داده و گفته که کیفرخواست او صادر و پرونده به دادگاه ارسال شده اما هنوز جلسه دادگاه برگزار نشده است.

اتهامات «افساد فی الارض» و «محرابه» که برای تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان خیزش ملی اخیر از جمله توماج صالحی و حتی برخی کودکان زیر ۱۸ سال تعیین شده، دست قاضی را برای صدور حکم اعدام که اشد مجازات این اتهامات در قوانین جمهوری اسلامی است باز خواهد گذاشت.

توماج صالحی ۳۸ روز پیش در هفته نخست آبان‌ماه بازداشت شد. چند روز پس از بازداشت توماج صالحی ویدئوی کوتاهی توسط «باشگاه خبرنگاران جوان» وابسته به صدواسیمای جمهوری اسلامی منتشر شد. در این ویدئوی کوتاه که هنوز مشخص نیست واقعا توماج بود یا نه، فردی که چشم‌بند پهنی دارد و روی زمین نشسته، می‌گوید اشتباه کرده است. این ویدئو نیز مانند ویدئویی که امروز منتشر شد مطلقاً مورد توجه افکار عمومی قرار نگرفت و فقط بر خشم و انزجار عمومی از جمهوری اسلامی افزود.

● همزمان با پخش ویدئوی اعتراف اجباری توماج، بار دیگر موجی از همدلی با این هنرمند و اعلام انزجار از اقدامات غیرانسانی نهادهای امنیتی در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است.

● جمله توماج که تیتز خبرگزاری حکومتی شده، مورد توجه برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است. به راستی نیز کاش برعکس می‌شد و جمهوری اسلامی نبود و توماج و همه هنرمندان می‌توانستند درباره آزادی و آبادی میهن و دستاوردهای حکومتی که مثل جمهوری اسلامی مورد خشم و نفرت مردم نبود، تولید محتوا می‌کردند.

● توماج صالحی ۳۸ روز پیش در هفته نخست آبان‌ماه بازداشت و توسط دادگاه انقلاب اصفهان به «افساد فی الارض» متهم شده است؛ اتهامی که دست قاضی را برای صدور حکم اعدام باز می‌گذارد.

خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعد از ظهر امروز ویدئویی از اعترافات اجباری و زیر فشار توماج صالحی هنرمند محبوب و خواننده رپ مدافع مردم منتشر کرد. توماج صالحی ۳۸ روز پیش بازداشت و به «افساد فی الارض» متهم شده است؛ اتهامی که اشد مجازات آن حکم اعدام است. خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران بعد از ظهر امروز سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱ ویدئویی ۴۵ ثانیه‌ای از توماج صالحی منتشر کرده است. سناریوی این ویدئوی اعترافات اجباری به شکلی است که توماج در اتاقی تاریک مقابل فردی که چهره‌اش مشخص نیست و نقش «بازجو» را به عهده دارد نشسته و از اقدامات خود ابراز ندامت می‌کند و با لبخند تلخی می‌گوید: «کاش می‌تونستم برعکسش را تولید کنم!»

اعترافات اجباری یکی از رذیلانه‌ترین اقدامات تباه و نخ‌ما برای سرکوب مخالفان و معترضان است و با وجود اینکه افکار عمومی نه تنها چنین سناریوهایی را باور نمی‌کند بلکه حتی بیشتر از جمهوری اسلامی فاصله گرفته و از آن متنفر و منزجر و خشمگین می‌شوند اما همچنان نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بر انجام آن اصرار دارند آنهم در حالی که خودشان هم می‌دانند این اعترافات تحت فشار و اجباریست و معلوم نیست می‌خواهند کدام مخاطب را قانع کنند!

همزمان با پخش ویدئوی اعتراف اجباری توماج، بار دیگر موجی از همدلی با این هنرمند و اعلام انزجار از اقدامات غیرانسانی نهادهای امنیتی در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است. بسیاری از کاربران با امتناع از بازنشر ویدئوهای تولیدی دستگاه امنیتی، ترانه‌های اعتراضی توماج را به اشتراک می‌گذارند و می‌گویند حرف‌های واقعی توماج همانست که در شعرها و ترانه‌های او آمده است.

همچنین جمله توماج که تیتز روزنامه حکومتی شده، مورد توجه برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

چگونه می‌شود از خودکشی نوجوانان آسیب‌دیده در دوران بازداشت جلوگیری نمود



اعتراضات ضدحکومتی در ایران مهرماه ۱۴۰۱

خودداری از سرزنش که نباید خودت را در این شرایط قرار می‌دادی و یا بی‌ارزش دانستن مسیری که نوجوان بر اساس اهداف و آرمان‌های خود قدم برداشته است. بالاترین کمک نزدیکان به ویژه والدین، در آغوش گرفتن نوجوان و نوازش‌های مادرانه و پدرانه بدون گریه و پریشانه‌می‌تواند باشد. اگر نوجوان که بیشتر در نوجوانان دختر دیده می‌شود، شروع به شرح وقایع در همان لحظه‌های اولیه بعد از دیدار کرد، تنها و تنها شنونده‌ی کامل باشید و با احساسات او همراهی کنید، بدون اینکه بخواهید پاسخی برای علامت سوال‌های ذهن مادرانه یا پدرانه‌تان پیدا کنید. ویژگی همزمان پزشک برای چکاپ بالینی و انجام آزمایش‌های لازم جهت تشخیص میزان داروهای دریافتی در دوره حبس و روانپزشک یا روان‌درمانگر برای تشخیص آسیب‌های وارده در کوتاه‌ترین زمان ممکن. استمرار مراجعه روزانه و یا زمان‌های تعیین شده به روان‌درمانگر با مشورت پزشک معالج. دادن این اعتماد ذهنی و قلبی به نوجوان که از جانب خانواده که جایگاه و ارزش انسانی فرزندشان با وجود تمام اتفاقات تغییری نکرده است. دور نگه داشتن نوجوان از اخبار اتفاقات مشابه که تحمل کرده و دور نگه داشتن او از محیط‌های پرتنش. نظارت نامحسوس و لحظه به لحظه بر نوجوان آسیب‌دیده بدون اینکه دنیای خلوت و خصوصی او آسیب ببیند. این موارد که به شکل کلی و کوتاه در اینجا خواندید تنها می‌تواند کلیدواژه‌هایی باشد برای خانواده‌ها و شهروندانی که با این فجایع روبرو می‌شوند و شاید کمی باشد برای نجات و سلامت روان نوجوانانی که مجبور به تحمل شرایط غیرانسانی و غیرحقوقی شده‌اند. به امید روزی که نوجوانان و جوانان ایران در رفاه و آسایش به آرمان‌ها و آرزوهایشان بیاورند و برای تحقق آنها تلاش کنند.

***نغمه برزگر روان‌درمانگر است.**

تاثیر فشارهای روانی و شکنجه‌های جسمی و روحی بر نوجوانان

ایجاد دوگانگی ذهنی از دنیای زیبای دخترانه با دنیایی که در پرده‌ی شکنجه و بازجویی به دختر نوجوان تحمیل می‌شود/ افزایش میزان تنفر فردی در نوجوان پسر به خاطر نبود توانایی جسمی و کلامی برای دفاع در برابر فشارهای روانی و شکنجه‌های جسمی فرو رفتن در تاریکی و زشتی ذهنی در دختران بعد از شکنجه‌های جسمی و جنسی (تجاوز) با تصور اینکه تمامیت وجودی‌شان به خطر افتاده و حتی از بین رفته است/ افزایش میزان تنفر در پسران نوجوان از بدن ناکامل مردانه‌ی خود که بعد از شکنجه‌های لفظی (استفاده صریح از اسامی اعضای بدن برای تضعیف روحیه)، شکنجه‌های روانی (تمسخر نوجوان برای ناتمام بودن مراحل رشد جسمی و جنسی) و در برخی موارد تعرض جنسی، نوجوان این اندام مردانه خود را بعد از رشد کامل، وسیله‌ای برای آزار از جانب دیگری نسبت به خود و دیگران می‌بیند. کابوس نگاه‌های بیرون و اینکه دنیای زیبای دخترانه چه اندازه برای خانواده و نزدیکان و جامعه سیاه و زشت شده در دختران/ وحشت از طرد شدن از سوی همسالان و خطر از دست دادن دوستان نزدیک با فشار خانواده‌هایشان در پسران

ایجاد برخی اختلالات اضطرابی و ترس فراگیر بعد از شکنجه در نوجوان دختر و پسر هر دو، حتی اگر سابقه‌ی این اختلال در او وجود نداشته است.

چند راهکار کلیدی و اولیه مهم بعد از آزادی

حفظ آرامش روانی و کلامی اولین کسی که با نوجوان برخورد دارد بسیار مهم است (والدین و یا افراد نزدیک که اولین بار بعد از آزادی نوجوان با او روبرو می‌شوند). خودداری از سوال و جواب‌های مستمر در مورد اینکه چه اتفاقاتی برای نوجوان افتاده. از هر نوع کنجکاوی در مرحله اول خودداری کنید.

● حفظ آرامش روانی و کلامی اولین کسی که با نوجوان برخورد دارد بسیار مهم است (والدین و یا افراد نزدیک که اولین بار بعد از آزادی نوجوان با او روبرو می‌شوند).

● خودداری از سوال و جواب‌های مستمر در مورد اینکه چه اتفاقاتی برای نوجوان افتاده. از هر نوع کنجکاوی در مرحله اول خودداری کنید.

● خودداری از سرزنش که نباید خودت را در این شرایط قرار می‌دادی و یا بی‌ارزش دانستن مسیری که نوجوان بر اساس اهداف و آرمان‌های خود قدم برداشته است.

● بالاترین کمک نزدیکان به ویژه والدین، در آغوش گرفتن نوجوان و نوازش‌های مادرانه و پدرانه بدون گریه و پریشانه‌می‌تواند باشد.

متأسفانه در این روزها با توجه به خبرهای شنیده شده از چند مورد خودکشی نوجوانان در ایران، بر آن شدم تا در این تحلیل کوتاه به اختصار به شرایط روانی سخت نوجوان در دوران حساس بلوغ (۱۳ تا ۱۷ سال) که فشار و شکنجه می‌تواند اثرات مخرب و ویران‌کننده‌تری نسبت به افراد بالغ داشته باشد، بپردازم تا شاید این اطلاعات جامع بتواند کمکی برای خانواده‌ها و نزدیکان این گروه سنی باشد تا دیگر شاهد این اتفاقات دلخراش نباشیم. به خوبی می‌دانیم، سنین بلوغ در نوجوانان یکی از حساس‌ترین دوره‌هاست که شاید به جرات بتوان آن را پرخطرترین دوره‌ی زندگی دانست. همان اندازه که مسیر رشد جسمانی و بلوغ جنسی دختران با پسران متفاوت است، مسیر رشد ذهنی و یا بهتر است بگوییم دنیای ذهنی و تصورشان از دنیای بیرون نیز متفاوت است.

دنیای ذهنی دختران با پسران نوجوان، نسبت به خودشان و تصورشان از دنیای بیرون

هیجان‌ناث مثبت نسبت به تغییرات جسمی در دختران و برعکس هیجان‌ناث منفی و حتی در بسیاری از موارد احساس انزجار از روند تغییرات جسمی ناهمگون در پسران تلاش برای رسیدن به سقف زیبایی‌سنجی ذهنی (توجه به پارامترهایی که در روند افزایش زیبایی کمک بیشتری کند) در دختران/ بی‌توجهی ظاهری مطلق به تیپ و طرز پوشش و حتی آرایش مو در پسران تلاش مثبت برای دیده شدن و تلاش برای برقراری ارتباطات کلامی و عاطفی بیشتر با دنیای بیرون در دختران/ فرار از محافل و فرار از میدان دید دیگران در پسران جستجوی آشکار برای کشف تاثیرات عاطفی در دنیای بیرون در دختران/ مضحک بودن روابط عاطفی و فرار از برقراری روابط کلامی و عاطفی حتی در دنیای کوچک خانواده در پسران اعتماد زود هنگام به دنیای بیرون در دختران/ عدم اعتماد به هر چیزی که در دنیای بیرون و حتی دنیای تخیلی و ذهنی وجود دارد. حال با شناخت کوتاه از مسیر بلوغ در یک نوجوان، می‌توان به تاثیرات منفی فشارهای تحمیلی بر او به اختصار اشاره نمود.



علی خامنه‌ای

مردم هم کل و هم رأس نظام را نشانه گرفته‌اند؛ اعلام براءت بدری خامنه‌ای از «خلافت مستبدانه» برادرش

آمده که نه از مردم بلکه از سوی خدا گرفته و به «رهبر» و «ولی فقیه» اعطا شده است! مسئله برای حکومت زمانی حادث می‌شود که درون خانواده نیز این «مشروعیت» به پرسش کشیده می‌شود. بدری حسینی خامنه‌ای خواهر علی خامنه‌ای با انتشار نامه‌ای که در توئیتر فرزندش محمود

مراخوانی منتشر شده از برادر خود اعلام براءت کرد. در این نامه سرگشاده او از برادرش به دلیل «نشیدن صدای مردم ایران» به شدت انتقاد کرده و نوشته است «برادرم صدای مردم ایران را نمی‌شنود و به نادرستی صدای مزدوران و جیره خوارانش را صدای مردم ایران می‌شمارد و آنچه برازنده خودش می‌باشد را به مردم غیور و ستم‌دیده ایران اطلاق می‌کند.»

بدری حسینی خامنه‌ای در این نامه از «خلافت مستبدانه علی خامنه‌ای» اعلام براءت کرد و یادآور شد که «من به عنوان وظیفه انسانی خود سال‌ها پیش بارها و بارها صدای حق طلبی مردم را به گوش برادرم علی خامنه‌ای رساندم ولی پس از آنکه دیدم گوش شنوایی ندارد و راه خمینی را در سرکوب و کشتار مردم بی‌گناه ادامه می‌دهد با او قطع رابطه کردم.»

متن کامل نامه بدری خامنه‌ای همسر شیخ علی تهرانی از مخالفان جمهوری اسلامی که چندی پیش درگذشت و مادر محمود مراخوانی ساکن فرانسه و فریده مراخوانی که به تازگی در دوم آذرماه دستگیر شد به شرح زیر است:

«به نام پروردگار یکتا از دست دادن فرزند و دوری از فرزند، اندوهی بزرگ برای هر مادر است. مادران بسیاری در طول چهار دهه گذشته داغدار شدند. مناسب دیدم که همراه با براءت جست از برادرم، مراتب همدردی خود را با همه مادران عزادار جنایات رژیم جمهوری اسلامی، از زمان خمینی تا دوران کنونی خلافت مستبدانه علی خامنه‌ای، اعلام دارم. من نیز چون همه مادران عزادار ایرانی در غم دوری از فرزندم هستم.

وقتی که دختر من را با خشونت دستگیر می‌کنند، مشخص است که هزاران برابر خشونت بر دختران و پسران مظلوم دیگران اعمال می‌دارند.

مخالفت و مبارزه خانواده ما با این نظام جنایتکار تنها چند ماه پس از انقلاب شروع شد، چرا که جنایات این نظام و سرکوب هر صدای مخالف و زندانی کردن فرهیخته‌ترین و دلسوزترین جوانان این سرزمین و شدیدترین شکنجه‌ها و اعدام‌های وسیع از همان ابتدا شروع شد.»

است.» از قرار معلوم او جامعه و مردم و شهروندان را مانند ابزاری می‌بیند که حکومت می‌تواند آنها را به هر شکلی که دلخواهش است در بیاورد آنهم در حالی که طی چهار دهه جمهوری اسلامی در تمامی این تلاش‌ها شکست مفتضحانه خورده است!

از سوی دیگر اما اظهارات خامنه‌ای به نوعی با وضعیت فعلی جامعه در ایران مطابقت دارد چرا که بیانگر همین شکست و عدم تمایل جامعه به الگوهای تحمیلی است. در اعتراضات سراسری در ۱۱ هفته گذشته مردم تندترین شعارها را علیه رهبر جمهوری اسلامی و نیروهای بسیج و سپاه پاسداران سر دادند که حتماً به گوش او نیز رسیده که بر ضرورت «بازسازی فرهنگی» تأکید می‌کند.

محمدحسین صفارهرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به اعتراضات مردم می‌گوید: «یک سؤال بسیار مهم این است که چرا در این فتنه همه تیرها به سمت رهبری نشانه رفته است و دهان‌ها وقتی گشوده می‌شود هرزگی‌هایی می‌بینیم و الفاظ رکیکی می‌شنویم که تا به حال سابقه نداشته است.»

به راستی نیز طی بیش از ۸۰ روز که از آغاز اعتراضات گذشته بارها در خیابان‌ها بدترین دشنام‌ها و شعارها علیه خامنه‌ای در سراسر کشور سر داده شد اما گویا شعاری که دانشجویان دانشگاه «آریامهر» (شریف) نثار او کردند روی دل عوامل نظام مانده است. سید محمدحسینی معاون پارلمانی دولت سیزدهم که به مناسبت روز «دانشجو» به دانشگاه «علامه» رفته بود با اشاره به «توهین‌های رکیک» علیه خامنه‌ای خواستار رسیدگی به تخلفات دانشجویان شده است.

سید محمد مقیمی رئیس دانشگاه تهران نیز در اظهاراتی مشابه تهدید کرده «هنجارشکنان را پاسخگو می‌کنیم» و گفته «برخی اساتید در برابر هنجارشکنان مباحثات کردند.» علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی سیاسی خامنه‌ای در مقاله‌ای بلند با عنوان «ماهیت، منشاء و ابعاد اغتشاشات ۱۴۰۱» می‌نویسد یکی از راهبردهای این اعتراضات «قداست‌زدایی از مقدسات بود و در این اغتشاشات یک شعار علیه دولت داده نشد، تمام تمرکز روی رهبری است.»

انتقاد به «خلافت مستبدانه» خامنه‌ای از درون خانواده آنچه عوامل رژیم را نگران می‌کند افول بیش از پیش «مشروعیت» رهبری و خامنه‌ای است. مشروعیتی که نه تنها آنها معتقدند بلکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی

علی خامنه‌ای که گویا تصور می‌کند اعتراض مردم علیه نظام جمهوری اسلامی و خودش به دلیل این است که در تبلیغ رژیم و انقلاب اسلامی به اندازه کافی تلاش نشده، در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی خواستار «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی» شده و گفته «رصد دائم تغییرات معمولاً پنهان فرهنگی و علاج به‌موقع آنها» از ملزومات است.

محمدحسین صفارهرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: «یک سؤال بسیار مهم این است که چرا در این فتنه همه تیرها به سمت رهبری نشانه رفته است و دهان‌ها وقتی گشوده می‌شود هرزگی‌هایی می‌بینیم و الفاظ رکیکی می‌شنویم که تا به حال سابقه نداشته است.» سید محمد مقیمی رئیس دانشگاه تهران نیز در اظهاراتی مشابه تهدید کرده «هنجارشکنان را پاسخگو می‌کنیم!» وی گفته «برخی اساتید در برابر هنجارشکنان مباحثات کردند.»

بدری حسینی خامنه‌ای خواهر علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از خلافت مستبدانه برادرش اعلام براءت کرد.

در میانه‌ی اعتراضات و اعتصابات سراسری در ایران علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۱۵ آذر در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بر لزوم «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی» کشور تأکید کرد و از این شورا خواست «با کمک پایه‌های فکری انقلاب، فرهنگ و روحیه انقلابی را بار دیگر تجدید کنید!» به نظر می‌رسد او تصور می‌کند اعتراض مردم علیه نظام جمهوری اسلامی و خودش به دلیل این است که در تبلیغ رژیم و انقلاب اسلامی به اندازه کافی تلاش نشده است!

خامنه‌ای که ایران در بیش از سی سال «رهبری» وی با بحران‌های ریز و درشت دست و پنجه نرم می‌کند، تأکید کرد، «شناخت ضعف‌های فرهنگی و دستیابی به راه حل‌های عالمانه از الزامات مهندسی فرهنگی کشور است.» خامنه‌ای همچنین «رصد دائم تغییرات معمولاً پنهان فرهنگی و علاج به‌موقع آنها» را از ملزومات بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی دانست و توضیح داد: «اگر در فهم مستمر این تغییرات و ممانعت از اثرگذاری منفی آنها دچار ضعف و عقب‌ماندگی شویم حتماً جامعه دچار خسارت خواهد شد که آشفته‌گی فرهنگی یا افتادن زمام امور فرهنگی کشور به دست دیگران مهمترین این خسارات

صدور حکم اعدام و «حبس‌های طولی‌المدت» برای شهروندان بازداشت‌شده در چهل‌م حدیث نجفی



چهل‌م حدیث نجفی

دادگاه انقلاب استان البرز به ریاست موسی آصف‌الحسینی برگزار شد.

رئیس کل دادگستری استان البرز اتهام این افراد را «افساد فی الارض از طریق ارتکاب جرائم متعدد علیه امنیت کشور»، «حمله به ماموران نیروی مقاومت بسیج و فراجا» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور» اعلام کرد.

نماینده دادستان در جلسه دادگاه با قرائت کیفرخواست صادر شده علیه ۱۵ متهم این پرونده، با ادعای اینکه این رأی بر اساس «گواهی پزشکی قانونی، بازسازی صحنه جرم، اظهارات و اقرار صریح متهمان مبنی بر ارتکاب جرایم، کشف آلات و ادوات جرم از متهمان، بازیابی تلفن همراه متهمان و کشف مطالب مجرمانه در آنها» صادر شده است، از ریاست دادگاه برای متهمان، تقاضای اعمال اشد مجازات کرد.

یکی از متهمانیکه در این پرونده به اعدام محکوم شده حمید قره‌حسنلو پزشک است که به همراه همسرش فرزانه قره‌حسنلو در محل حادثه ضرب و جرح بسیجی حضور داشته است. در جلسه دادگاه نماینده دادستان گفته فرزانه قره‌حسنلو در بازجویی اعتراف کرده شوهرش یک لگد به بسیجی زده است. همچنین از ویدئویی که با موبایل از صحنه زدوخورد بسیجی گرفته شده هم به عنوان سند «کشف شده» در خانه این زوج نامبرده شده است!

در همین جلسه دادگاه که در پی آن حمید قره‌حسنلو به «اعدام» محکوم شده، قاضی بارها او را «لیدر اغتشاشات» خطاب می‌کند در حالیکه هر بار این پزشک توضیح می‌دهد که مسیر به دلیل ترافیک بسته بوده و او و همسرش به همین دلیل از اتومبیل پیاده شده بودند. قاضی اصرار داشته که او لیدر اغتشاشات بوده و به همین دلیل با موبایلش فیلمبرداری کرده است.

در جلسه دادگاه و بر اساس کیفرخواست حتی در بازجویی، حمید قره‌حسنلو اعتراف به قتل نکرده اما قاضی

است اما تأکید کرده برخی احکام صادر شده در پرونده بازداشت‌شدگان اعتراضات هفته‌های گذشته فرجام‌خواهی هم شده و احکام آنها قطعی شده است.



جلسه دادگاه شهروندان معترض در کرج

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه هم روز دوشنبه ۱۴ آذرماه با تأیید صدور احکام برای شماری از متهمان بازداشت‌شده از جمله متهمان این پرونده گفته بود که آنها «محکوم به حبس و بعضاً زندان‌های طولی‌المدت شدند و احکام تعداد دیگری که مفسد و محارب بوده و اقدام به قتل و ایجاد ناامنی با سلاح گرم و سرد کرده بودند نیز، بعضاً تأیید شده و به زودی اجرا خواهد شد.»

خبرگزاری‌های حکومتی در ایران روز چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱ از برگزاری نخستین جلسه محاکمه ۱۵ تن از معترضان در کرج خبر دادند که متهم به همکاری در کشتن یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان شده‌اند. این دادگاه در شعبه اول

● پنج متهم به اعدام و ۱۱ متهم دیگر این پرونده از جمله ۳ متهم زیر ۱۸ سال به «حبس‌های طولی‌المدت» محکوم شده‌اند.

● در جلسه دادگاه و بر اساس کیفرخواست حتی در بازجویی، حمید قره‌حسنلو اعتراف به قتل نکرده اما قاضی با تکرار اینکه همسرش در بازجویی پذیرفته تو یک لگد به بسیجی زدی، این پزشک را به اعدام محکوم کرده است!

● بسیاری از مقامات نظام از جمله اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار مجازات شهروندان بازداشت‌شده و حتی صدور حکم اعدام برای آنها شده‌اند! - جاوید رحمان هفته گذشته از تشدید سرکوب اعتراضات ابراز نگرانی کرده و گفته است که مقامات جمهوری اسلامی «کارزار» صدور حکم اعدام برای معترضان به راه انداخته‌اند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از صدور حکم «اعدام» برای پنج تن از شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات در استان البرز خبر داده است. یکی از متهمان محکوم به اعدام پزشک است که به همراه همسرش در محل حضور داشته و همسرش نیز به ۲۵ سال زندان محکوم شده است. برای بسیاری دیگر از بازداشت‌شدگان نیز اتهامات «محاربه» و «افساد فی الارض» تعیین شده و احتمال صدور بیشتر احکام اعدام علیه شهروندان معترض وجود دارد.



حدیث نجفی

خبرگزاری میزان روز سه‌شنبه ۱۵ آذر گزارش داده که پنج تن از افرادی که در ارتباط با اعتراضات ۱۲ آبان و مراسم چهل‌مین روز کشته شدن حدیث نجفی در کمال‌شهر استان البرز بازداشت شده بودند، به «اعدام» محکوم شده‌اند.

این خبر ساعاتی بعد از سوی مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه تأیید شد. مسعود ستایشی با اعلام صدور حکم اعدام برای پنج متهم، گفته ۱۱ متهم دیگر این پرونده از جمله ۳ متهم زیر ۱۸ سال به «حبس‌های طولی‌المدت» محکوم شده‌اند. امین مهدی شکراللهی، آرین فرزام‌نیا و امیرمهدی جعفری متهمان زیر ۱۸ سال این پرونده هستند. مسعود ستایشی گفته احکام دادگاه این پرونده بدوی

رستم قاسمی مُرد یا حذف شد؟! کاربران: اهمیتی ندارد! با توجه به شرایط انقلابی کشور، چه بسا شانس آورده!



رستم قاسمی

حجاب در مالزی و اینکه آیا قصد پیگیری این موضوع را دارد یا نه، گفته بود: «خود خداوند باید جوابگو باشد!»

رستم قاسمی پیش از آنکه در دولت محمود احمدی‌نژاد وزیر نفت شود، فرمانده «قرارگاه خاتم الانبیاء» بود.

رستم قاسمی وقتی به وزارت نفت رفت که جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها محموله‌های بزرگ نفتی و قراردادهای را به اشخاص به اصطلاح خصوصی و دلال‌ها می‌سپرد تا در بازار سیاه به فروش برسانند و پولش را به خزانه برگردانند. در واقع اسم قاسمی با فساد و رانت گره خورده است. ماجرای فساد افرادی مثل بابک زنجانی که بعدها بازداشت شد یا قضیه معروف دکل‌دزدی نیز مربوط به زمان وزارت سردار پاسدار رستم قاسمی است. آنهم در حالیکه رئیس وی یعنی محمود احمدی‌نژاد، سپاه را «برادران قاچاقچی» می‌نامید!

در این میان کم نیستند کسانی که می‌گویند مردن قاسمی مشکوک است. بعضی می‌گویند تاریخ انقضاء او تمام شد و سرش را به دلیل آگاهی از فساد مقامات و نهادها زیر آب کردند. برخی نیز می‌گویند روند علنی حذف او پس از انتشار عکس‌هایش در مالزی شروع شد. در هر حال، مرگ و بود و نبود کسی مانند رستم قاسمی در شرایطی که مردم ایران علیه نظامی که وی خدمتگزارش بوده شبانه‌روز دست به اعتراض می‌زنند، و جمهوری اسلامی شمشیر را علیه معترضان از رو بسته، اهمیت چندانی ندارد و به کنایه‌ی برخی کاربران با توجه به شرایط انقلابی کشور، چه بسا مردن وی از خوش‌شانسی او بوده است!

جمهوری اسلامی را به شورای امنیت کشانده و زمینه محاکمه زمامداران این رژیم ضدبشری را فراهم آورد.

سازمان حقوق بشر ایران نیز با صدور بیانیه‌ای با اشاره به سابقه جمهوری اسلامی در استفاده از احکام اعدام به عنوان ابزار سرکوب و ارباب، درباره خطر اعدام دست‌کم ۲۶ نفر از معترضان در آینده نزدیک هشدار داده است.

سازمان حقوق بشر ایران در عین حال از تمامی کشورهایی که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند، خواسته است برای جلوگیری از اعدام معترضان تلاش کنند.

اسم رستم قاسمی با فساد و رانت گره خورده است. ماجرای فساد افرادی مثل بابک زنجانی که بعدها بازداشت شد یا قضیه معروف دکل‌دزدی مربوط به زمان وزارت وی در دولت احمدی‌نژاد است.

در این میان، کم نیستند کسانی که می‌گویند مردن قاسمی مشکوک است. بعضی می‌گویند تاریخ انقضاء او تمام شد و سرش را به دلیل آگاهی از فساد مقامات و نهادها زیر آب کردند. برخی نیز می‌گویند روند علنی حذف او پس از انتشار عکس‌هایش در مالزی شروع شد.

در هر حال، مرگ و بود و نبود رستم قاسمی در شرایطی که مردم ایران علیه نظامی که وی خدمتگزارش بوده شبانه‌روز دست به اعتراض می‌زنند، و جمهوری اسلامی شمشیر را علیه معترضان از رو بسته، اهمیت چندانی ندارد و به کنایه‌ی برخی کاربران با توجه به شرایط انقلابی کشور، چه بسا مردن وی از خوش‌شانسی او بوده است!

سردار پاسدار رستم قاسمی وزیر نفت دوران احمدی‌نژاد و وزیر پیشین راه و شهرسازی جمهوری اسلامی در دولت سیدابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) دو ماه پس از انتشار تصاویر او در کنار یک زن بی‌حجاب در کوالالامپور مالزی مُرد.

مرگ قاسمی را روز پنجشنبه ۱۷ آذر خانواده او تأیید کرد. پیشتر که موضوع استعفا و برکناری و غیبت‌های وی مطرح شده بود، این ادعا نیز عنوان شد که وی به بیماری سرطان مبتلاست.

خود وی اخیراً در واکنش به افشای تصاویرش کنار زنی بدون

بیشتر از طرف آنان شود.»

او افزوده که در حال حاضر، ۲۱ نفر از دستگیرشدگان اعتراضات جاری، از جمله یک زن متهم به «جرائم کیفری مبهم و گسترده»، با مجازات اعدام روبرو هستند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز دو هفته پیش در نشست ویژه‌ای درباره ایران، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که بر اساس آن، یک کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی درباره نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات ایران تشکیل می‌شود. کمیته‌ای که نتیجه‌ی تحقیقاتش می‌تواند پرونده

با تکرار اینکه همسرش در بازجویی پذیرفته تو یک لگد به بسیجی زدی، این پزشک را به اعدام محکوم کرده است!

برخی منابع حمید قره‌حسنلو را رادیولوژیست معرفی کرده و نوشتند فرزانه قره‌حسنلو کارشناس علوم آزمایشگاهی است و این زوج یک دختر ۱۰ ساله دارند.

صدور حکم اعدام طی یک هفته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی قصد دارد احکام سنگین برای شماری از متهمان را به سرعت صادر و احتمالاً اجرایی کند.

بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری بیش از ۱۸ هزار نفر در دو ماه نیم گذشته، و بر اساس فایل درز شده از خبرگزاری فارس حدود ۳۰ هزار نفر در هفته‌های گذشته بازداشت شدند. قوه قضاییه جمهوری اسلامی پرونده بسیاری از بازداشت‌شدگان را به سرعت به جریان انداخت تا روند برگزاری دادگاه و صدور احکام این افراد به سرعت طی شود. در این میان بسیاری از مقامات نظام از جمله اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار مجازات شهروندان بازداشت‌شده و حتی صدور حکم اعدام برای آنها شده‌اند!

نخستین گزارش‌ها از پرونده‌های قضایی بازداشت‌شدگان نشان می‌داد جمهوری اسلامی به صورت سازمانیافته و فله‌ای به دنبال صدور اتهامات سنگینی چون «محرابه» و «افساد فی الارض» علیه متهمان است. این اتهامات می‌توانست به راحتی صدور حکم اعدام از سوی قاضی را در پی داشته باشد و حالا صدور احکام اعدام برای شماری از بازداشت‌شدگان نشان می‌دهد این احکام به عنوان راهکاری برای وحشت‌آفرینی در جامعه از سوی اتاق فکرای نهادهای امنیتی به قوه قضاییه ارائه شده است.

جدا از متهمانی که در پرونده کشته شدن یک بسیجی به اعدام محکوم شدند، توماج صالحی هنرمند و خواننده رپ در دادگاه انقلاب اصفهان، امیررضا رهنورد در دادگاه انقلاب مشهد و پرهام پروری در دادگاه انقلاب تهران با اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند.

دادگاه‌هایی که حتی بر اساس قوانین جمهوری اسلامی نیز غیرقانونی هستند در حالی احکام اعدام برای شهروندان معترض صادر می‌کنند که سازمان‌های حقوق بشری نسبت به اعدام‌های گسترده و نقض حقوق بشر در روند دادرسی این پرونده‌ها هشدار داده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل هفته گذشته با انتشار بیانیه‌ای خواستار حضور نمایندگان سفارت‌خانه‌های خارجی در «دادگاه» معترضان بازداشت شده در جریان خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی شد.

عفو بین‌الملل با اشاره به پرونده‌هایی از جمله پرونده کشته شدن یک بسیجی در کرج، از کشورهایی که در ایران سفارت‌خانه دارند خواست تا ناظران خود را به دادگاه‌های معترضان بفرستند که در خطر محکوم شدن به اعدام قرار دارند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور نقض حقوق بشر ایران نیز هفته گذشته از تشدید سرکوب اعتراضات ابراز نگرانی کرده و گفته است که مقامات جمهوری اسلامی «کارزار» صدور حکم اعدام برای معترضان به راه انداخته‌اند.

جاوید رحمان با اشاره به تصمیم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در رابطه با نقض حقوق شهروندان معترض در هفته‌های گذشته به خبرگزاری رویترز گفته که «نگران هستیم رژیم ایران نسبت به قطعنامه شورای حقوق بشر واکنش خشونت‌آمیزی نشان دهد و این ممکن است باعث خشونت و سرکوب

DEC. 26, 2022 / JAN. 9, 2023

TIME HEROES OF THE YEAR

Fighting for Freedom
THE WOMEN OF IRAN

